



مؤسسه

[www.iran-archi.com](http://www.iran-archi.com)

فیرنامہ

شماره ۸۱ تا ۹۰



# خبرنامه

کومه له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

جمعه ۲۲ شهریور ماه ۱۳۸۱

۸۱

## دربار اتهامات و دروغ‌بافی‌های رهبری حزب کمونیست ایران

گفتاری از صدای کومه له به تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۰۲

آوردند تا زهر خود را بر پیکره‌ی جنبش انقلابی کردستان و کومه له بریزند و عقده‌های خود را خالی نمایند. اینها با استناد به سخنان صفوی گفتند که نیروهای سیاسی کردستان ایران تسلیم جمهوری اسلامی شده‌اند و یا اینکه گویا بر سر جنبش انقلابی کردستان معامله می‌نمایند. در این میان موضع گیری حزب کمونیست کارگری و حزب کمونیست ایران در مقابل جنبش و هم چنین نیروهای سیاسی آن قابل توجه بود. این دو حزب تلاش کردند تا به افکار عمومی بقبولانند که سخنان صفوی صحت داشته اما در این رابطه کومه له و حزب دمکرات دخیل بوده‌اند. اما هنگامیکه دیدند این نوع ادعاها برای خدشه دار نمودن چهره‌ی کومه له و جنبش کردستان کافی نیست به داستان سرایی و سناریو پردازی پرداختند. رهبری حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان این...

به دنبال روع پردازی‌های فرماندهی سپاه پاسداران علیه جنبش کردستان و گفتن این اراجیف که گویا رهبران کومه له و حزب دمکرات به جمهوری اسلامی تعهد رسمی داده‌اند که هیچ گونه مبارزه‌ی مسلحانه‌ای علیه رژیم نداشته باشند و طرفداران و مخالفان جنبش کردستان هر یک به گونه‌ای به موشع گیری پرداختند. دوستان و طرفداران و فعالین جنبش انقلابی کردستان این دروغ‌ها و حقه‌ها را تکذیب نمودند و تاکید نمودند که این گونه سخن پراکنی‌ها تنها بدین خاطر است که چهره‌ی جنبش کردستان و احزاب سیاسی آن را خدشه دار نمایند. هم چنین رهبری کومه له از رسانه‌های مختلف بی بی سی و بخش کردی رادیو صدای آمریکا و هم چنین رادیو فرانسه این دروغ‌ها را تکذیب نمود. به غیر از این مصاحبه‌هایی که ذکر شد رادیو صدای کومه له نیز در این خصوص اقدام به پخش گفتار و مقالاتی در تکذیب این امر و نیات ضد انقلابی فرمانده سپاه پاسداران نمود و این واقعیت برای همگان روشن شد که کومه له هیچ گونه مذاکره‌ی مستقیم و یا غیر مستقیم با جمهوری اسلامی نداشته و هیچ نوع تعهدی مبنی بر متوقف کردن مبارزه‌ی مسلحانه به هیچ کس نداده است. اما مخالفان کومه له و جنبش انقلابی کردستان این دو بهم زنی و دروغ بافیهای فرماندهی سپاه پاسداران را غنیمت شمرده و فرصتی به چنگ

**در این شماره می‌خوانید:**  
 • اطلاعاتی‌های دبیرخانه‌ی کومه له  
 • پیرامون جنایت اخیر رژیم در مهاباد  
 • اخبار شهرهای کردستان و دیگر مناطق ایران  
 • پیرامون وضعیت تازه‌ی مطبوعات در ایران  
 • ذکر چند نکته در مورد نظام آموزشی در ایران



حزب این وظیفه را تقبل کردند \*

دو نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن یکی در یک گفتگو با یک رادیوی محلی در شهر یوتیوری سوئد دیگری از طریق اینترنت و با انتشار مطلبی تحت نام "پیش شرط این نشست چه بود؟" سناریوی سرآپا جعلی و دروغینی را روهم بافته و گفتند و نوشتند که "کومه له و حزب دمکرات کردستان ایران با وساطت حزب سوسیالیست کردستان عراق که رهبری آن را محمد حاج محمود برعهده دارد در شهر سلیمانیه نشستی با جمهوری اسلامی داشته اند و در این نشست متعهد شده اند که مبارزه ای مسلحانه را متوقف کنند" آنها حتی به این دو رویم پیشرمانه هم اکتفا نکردند و کومه له را به عنوان هم دست و هم جهت با رژیم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران بردند \*

در اینکه این داستان ساختگی و سرآپا دروغ است و تا کنون هیچ گونه نشستی میان کومه له و حزب دمکرات و با پایدار میانی حزب سوسیالیست کردستان و هیچ جریان دیگری صورت نگرفته شکمی نیست این داستان کاملاً ساختگی جعل و ساخته و پرداخته ای رهبری حزب کمونیست ایران است \*

تا کنون رهبری حزب دمکرات نیز رسماً هر گونه نشست و مذاکره ای را با جمهوری اسلامی مبنی بر توقف مبارزه ای مسلحانه تکذیب نموده و موضع خود را اعلام نموده است \*

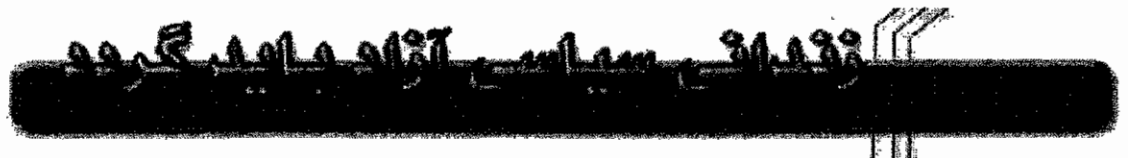
کومه له این گونه داستان سرایی و دروغ بافیهای محض را اقدامی دشمنانه قلمداد می کند و در این باره رهبری حزب کمونیست و سازمان کردستان این حزب را مقصود آنسته و چنین دروغپردازیهایی را به نحوی از انحاء هم صدایی و هم جهت شدن با سرکوبگران کردستان و آن را تلاشی بیشتر مانده در بی اعتبار کردن جنبش انقلابی کردستان و کومه له می دانند این فرقه ای سرگردان که به ناحق نام چپ و کمونیسم را بر خود نهاده اند و بی جهت خود را به کومه له منتسب مینمایند تا بلکه بتوانند از این راه آخرین ضربه ای خود را بر کومه له وارد کنند حال که کومه له سازمان انقلابی و حمتکشان کردستان ایران فعالیت مستقل خود را آغاز کرده و توانسته است در عرض این دو سال نقش به سزایی در جنبش انقلابی کردستان ایفا نماید و این واقعیتی است انکار ناپذیر که حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن منزوی تر و بی نفوذ تر از هر زمانی هستند و درست بدین خاطر است که حاضرند برای بدنام کردن کومه له به هر نوع بی پرستی بی متوسل شوند آنها آنقدر احساس فشار می کنند که تمام

پرنسیپ های اخلاقی را کنار گذاشته اند تا بلکه بتوانند چند صباحی دیگر هم با تهمت و افترا خودشان را سرپا نگه دارند و به همین دلیل نیز هست که به دروغ پردازیهای این چنین وقیحانه پناهی می برند \*

هیچ کس از یاد نبرد است که قبل از جدایی کومه له از حزب کمونیست ایران و زمانی که اختلافات سیاسی در حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن عیان تر شد این عده از هیچگونه تهمت زنی و دروغ بافی و بدگویی دریغ نکردند اکنون نیز که مرگ سیاسی خود و رشد روز افزون کومه له و محبوبیتش را در میان مردم مشاهده می کنند خواب های آشفته می بینند داستان های دروغین سرهم می نمایند و تمام کوشش خود را مینمایند که یا و گویی های صغوی را حقیقی جلوه دهند و چشم و گوش خود را بر نوشته ها و اعلام مواضع کومه له در این خصوص بسته اند دشمنی کور و آشکار رهبری این حزب نسبت به کومه له آنان را آنچنان به بیراهه برده است که از هیچ گفته ای غیر حقیقی تردید به دل راه نمی دهند و احساس شرم نمی کنند اما اینان نیز بیگمان به سرنوشت حزب تود گرفتار می آیند و بیشتر از آنان نصیبی نخواهند برد \*

بخاطر بیارویم که اوایل انقلاب و شکل گیری جنبش توده ای در مقابل یورش مسلحانه ای جمهوری اسلامی به کردستان و حزب توده نیروهای سیاسی کردستان را همدست همفکر و همکار پالیزبان ساواکی و ضد انقلاب می خوانند گذشت زمان ثابت نمود که کرنش حزب توده به جمهوری اسلامی نه تنها سودی برای این حزب نداشت بلکه رهبران آن حزب به دست جمهوری اسلامی به زندان افکنده شدند و در میان مردم کردستان و ایران نیز جز رسوایی و بدنامی نصیبی نبردند یقیناً رهبران حزب کمونیست ایران نیز سرنوشتی بهتر از رهبران حزب توده در انتظارشان نخواهد بود و این تهمت و افتراها به کومه له تنها مایه ای ننگ و بدنامی شان را فراهم می آورد این روشها هر چه بیشتر آنان را در باتلاق مخالفت با جنبش کردستان و خیانت به کومه له فرو می برد این محفل که حتی در حد حفاظت و نگهبانی از اردوگاهشان نیرو در اختیار ندارند و در میان مردم کردستان به سرعت طرد و منزوی شده اند و دم از مبارزه ای مسلحانه ای سفت و سخت و دفاع از آن می زنند \*

تکاپوهای صغوی و یونسی بدین خاطر است که قدرت و رشد کومه له را به خوبی درک کرده اند و از آن سخت به وحشت افتاده اند حالا دیگر بر همه عیان است که در فضای سیاسی کردستان و پس از جدایی کومه له از حزب کمونیست ایران این حزب به حزبی مرده و «.....» است \*



فرماندهی نیروهای انتظامی به نام سروان قهوه چی که آمر و عامل اصلی این جنایت بود است را بعد از یک روز آزادی می کنند این امر خشم مردم مبارز شهر مهاباد را برانگیخت و در اعتراض به این اقدام شهروانی مهاباد را مورد هجوم قرار دادند مردم در جریان حمله به مراکز دولتی به دادگاه شهزاد هلال احمدی اداره ای نسبت اسناد بانک ملی بانک رفاه بانک مسکن بانک مسکن بانک سپه و هم چنین دستگا ماشین نیروهای انتظامی را در هم شکستند و چند تن از مزدوران رژیم را به شدت زخمی کردند اعتراض مردمی به سرعت خیابان های طالقانی جمهوری اسلامی میدان آرد جام جم ملاجی چهارراه آزادی و چهارراه مولوی را دربر گرفت نیروهای انتظامی که احساس خطر می کردند درخواست نیروی کمکی کردند که پلیس ضد شورش فوراً از شهر میاندوآب ارومیه و نقده به یاری آنان شتافت

عده ای زیادی از مردم توسط پلیس ضد شورش دستگیر شده اند در جریان درگیری میان مردم و مزدوران دولتی مغازه های شهر از خیابان طالقانی تا فلک می ملاجی به نشانه ای اعتراض به رژیم منفور جمهوری اسلامی عموماً بسته شد

آن روز وضعیت در شهر کاملاً غیر عادی بود و تداوم شدید امنیتی شدیداً از جانب نیروهای رژیم برقرار بود قابل ذکر است که نیروهای رژیم برای متفرق ساختن مردم از گاز اشک آور استفاده می کردند مردم در این تظاهرات علیه رژیم شعار مرگ بر حکومت و مرگ بر خامنیه ای سر دادند و به ابراز ناراضی پرداختند گفته می شود که تاکنون تعدادی کشته شده و در سردخانه های بیمارستان نگهداری شده و مزدوران رژیم اجازه ندادند که مردم این اجساد را شناسایی نمایند گفته می شود که ۵ تن از مزدوران رژیم در این درگیری ها کشته شده اند

★ روز پنجشنبه هفتم شهریور ماه فردی به نام دلشاد گلوله به علت تزریق مواد مخدر جانش را از دست داد است

وی خود از عاملین پخش مواد مخدر در مهاباد بود امروزه مصرف مواد مخدر در میان جوانان به امری عادی و روزمره تبدیل شده است و روزانه در گوشه های مختلف ایران تعداد زیادی به علت مصرف این مواد خانمانسوز جانشان را از دست می دهند که البته همه می دانیم که باعث و بانی این جنایت مزدوران رژیم جمهوری اسلامی هستند

**سردشت**

روز شانزدهم شهریور ماه تصادفی میان رئیس اطلاعات شهر سردشت سیدی و ماشین دیگری در اطراف شهر روی می دهد در جریان این تصادف دو نفر به

ادامی تهمت ها و دروغ بافی های \*\*\*  
 خنثی تبدیل شده است هیچ کس این هذیان گویی ها را باور نمی کند  
 حزبی که از عدم لزوم برنامه پردازی برای حل مسأله ای ملی حرف بزند و هرگونه طرحی در این مورد و از جمله فدرالیسم و خودمختاری را ارتجاعی بداند و از طرف دیگر مدافع مبارزه ای مسلحانه و جنبش کردستان باشد

خصلت حزب کمونیست ایران کلی گویی و سردادن شعارهای دهن پرکن است حزبی که به کلی ویران شده و قدرت پرداختن به هیچ کار عملی را ندارد و حتی نتوان نزدیک کردن نیروهایش به مرزهای کردستان ایران ندارد طوری حرف می زند که گویا عامل مبارزه ای مسلحانه ای گسترده ای هستند و تنها از طریق آنان جمهوری اسلامی ساقط می شود این نوع ادعاها و شعارها از نمودهای بارز بی عملی و بازندگی سیاسی و بی افقی چنین حزبی است اینها فرقه اند و به مشابهی فرقه نیز عمل میکنند

ما به کلیه ی پیشمرگان و صفوف این حزب اعلام می کنیم که هر چه زودتر از این رهبری سرگردان دوری جویند شما چگونه می توانید تحت رهبری کسانی باشید که کومه له و یحیی رحیم صفوی را به یک دیده می نگرند این رهبری و این سیاستها بنا به هر عقل سلیم سیاسی آینده ای برای خود در کردستان نمی بینند و اساساً مخالفت با جنبش انقلابی کردستان و کومه له را هدف خود قرار داده است

\*\*\*



**مهاباد**

★ روز سه شنبه در شهر مهاباد جمع کثیری از مردم شهر مهاباد در ساعت ۱۰ صبح شهروانی شماره یک این شهر را که در خیابان طالقانی واقع شده است مورد هجوم قرار دادند

بر اساس این خبر نیروهای مزدور رژیم مستقر در پاسگاه کاوان روز دوشنبه ماشینی را که حامل بار بوده مورد تیراندازی قرار داد و در نتیجه ۳ نفر از سرنشینان این ماشین را که دو برادر به نامهای علی و ابراهیم حسین پور بودند و همچنین سید غفور حسینی را کشتند و چند نفر دیگر نیز زخمی شدند

ادامه‌ی اخبار کردستان \*\*\*

نام‌های سیدهدایت و غنچه باغبانی زخمی شده و زن دیگری به نام آمنه کشته شده است \*

لازم به ذکر است که سیدهدایت از مالکان منطقه است و در میان مردم چنین شایع است که سیدنی رئیس اطلاعات قبلاً از وی باج خواهی کرده بود و به همین دلیل احتمال می‌رود که این تصادف ساختگی و ناشی از خصومت میان این دو بوده باشد \*

پیوسته

به گفته‌ی مدیر کل بهداشت و درمان سازمان زندان‌های کشور و تراکم زندان‌ها ۱۰ برابر ظرفیت استاندارد حقیقی است و همین امر موجب بروز مشکلاتی در زمینه‌ی امور بهداشتی شده است و در همایش سالانه‌ی سل کشور در سنندج گفته است که هم اکنون سرانه‌ی فضای زندان هر زندانی در کشور ۵۰ متر مربع است \*

این میزان تنها شامل فضای خوابگاهی آنان نیست بلکه شامل غذاخوری، حیاط، سرویس‌های بهداشتی و دیگر اماکن نیز هست کمبود کارکنان بهداشت در زندان‌ها از دیگر مشکلات زندان‌هاست و پزشکان و نیروهای بهداشتی فراتر از حد خود کار می‌کنند و افزوده است که سال گذشته دو میلیون و پانصد هزار اقدام بهداشتی برای مراقبت و معالجه از زندانیان بیمار انجام شده افزایش سرانه‌ی فضای زندان‌ها جایگزینی مجازات‌های دیگر به جای حبس و بهبود کمی و کیفی سیستم‌های بهداشتی و تهیه راهکارهای ارتقای سطح بهداشت زندان‌ها ذکر کرد \*

بانه

صبح روز شانزدهم شهریور ماه جاری جمع کثیری از نیروهای رژیم به منظور به دام انداختن ماشین‌های حمل بار و کسبه‌ی این منطقه و هم چنین مصادری امثال آنها در نزدیکی روستاهای نجی و پشت کوخان به کمین می‌نشینند در جریان این کمین گذاری تعداد زیادی از ماشین‌ها به دام می‌افتند که به روستای نجی سفلی می‌گریزند نیروهای انتظامی در تعقیب آنان وارد روستا می‌شوند مردم به مشاهده‌ی این وضعیت و در اعتراض به یاغی‌گری‌ها و چپاول‌گری‌های نیروهای انتظامی به مقابله با آنها برخاسته و شیشه‌های ماشین‌هایشان را شکستند نیروهای مزدور رژیم نیز به سوی مردم تیراندازی می‌کنند که دو نفر به نام‌های فهیمه و کریم کمالی زخمی شده‌اند \*

تصادف یک دستگای ماشین اطلاعات با یک کودک در شهر بان ۹ کودک مذکور متأسفانه جان خود را از دست داده است \*

ضمن محکوم نمودن این عمل جنایتکارانه‌ی مزدوران اطلاعات مرکز این کودک را به خانواده و بستگانش تسلیت می‌گوئیم و خود را شریک غم و اندوه آنان می‌دانیم

سلاس باباجانی \*

رژیم به مردم روستاهای منطقه‌ی اورامانات و سلاس باباجانی اعلام کرده است که به دلیل احتمال برافروخته شدن جنگ در منطقه‌ی حلبچه باید روستاهای محل اقامتشان را تخلیه کنند بر اساس همین خبر مردم روستاهای هانه گرمه در منطقه‌ی اورامانات متعاقباً این هشدار رژیم روستا را تخلیه نموده‌اند \*

ما از مردم این مناطق می‌خواهیم که به هیچ وجه تسلیم این سیاست رژیم نشوند و خانه و کاشانه‌ی خود را تخلیه نکنند بلکه رژیم را تحت فشار بگذارند که دست از حمایت گروه تروریستی جندالاسلام بردارد و با راندن این گروه مرتجع از منطقه از وارد شدن جنگ به این مناطق بپرهیزد \*

رژیم به مردم روستاهای منطقه‌ی اورامانات و سلاس باباجانی اعلام کرده است که به دلیل احتمال برافروخته شدن جنگ در منطقه‌ی حلبچه باید روستاهای محل اقامتشان را تخلیه کنند بر اساس همین خبر مردم روستاهای هانه گرمه در منطقه‌ی اورامانات متعاقباً این هشدار رژیم روستا را تخلیه نموده‌اند \*

ما از مردم این مناطق می‌خواهیم که به هیچ وجه تسلیم این سیاست رژیم نشوند و خانه و کاشانه‌ی خود را تخلیه نکنند بلکه رژیم را تحت فشار بگذارند که دست از حمایت گروه تروریستی جندالاسلام بردارد و با راندن این گروه مرتجع از منطقه از وارد شدن جنگ به این مناطق بپرهیزد \*

روز یکشنبه دهم شهریور ماه زنی به نام هما ویسی در روستای بان تارگی سلاس باباجانی اقدام به خودسوزی نموده و متأسفانه در اثر این سوختگی به علت شدت جراحات وارد جان خود را از دست داده است علت خودسوزی وی را شرایط زندگی و فقر نام برده‌اند \*



اخبار دیگر مناطق ایران

تهران \*

بر اساس آمار بانک مرکزی ایران ۹۵۰ هزار میلیارد ریال در ۵

بنا به خبری که از بانه به دستمان رسیده است چند روز پیش در جریان

## اطلاعیه‌ی مطبوعاتی دبیر خانه‌ی کومه‌له

بنابه خبری که ساعت ۱۱ امروز به وقت تهران به دست ما رسید است مردم شهر مهاباد از ساعت ۱۰ صبح به وقت تهران به شهربانی شماره ۹۱ این شهر واقع در خیابان طالقانی حمله برده اند و تا ساعت ۱۲ ظهر نیز درگیری ادامه داشته است

جریان از این قرار بوده که دیروز در پاسگاه کاوان واقع در جاده‌ی سردشت مهاباد مزدوران پاسگاه به فرمان رئیس پاسگاه به چند ماشین که حامل بار بوده اند تیراندازی می نمایند ۳ نفر از مردم و حاملین بار کشته شده و کسانی نیز زخمی گردیده اند دیروز عصر رئیس پاسگاه را دستگیر می نمایند و تعهد می دهند که وی را به دادگاه سپرد و محاکمه نمایند

امروز صبح وقتی که مردم مهاباد دیدند که رئیس جنایتکار پاسگاه کاوان در شهر آزاد می گردد به شهربانی شهر اعتراض نموده و درگیری از همان جا آغاز شد بنابه خبری که به دست ما رسید است از شهرهای اطراف مهاباد بویژه از میان دو آب رژیم نیروی ضد شورش وارد نموده و به شدت با مردم درگیری از خیابان طالقانی تا فلکه‌ی ملاج می در جریان است

ما این عمل جنایتکارانه‌ی ما مورین انتظامی را به شدت محکوم می کنیم این چندمین بار است که مزدوران رژیم به ماشینهای حامل بار حمله ور شده و موجب گرفتن جان انسانهای بی گناه می شوند

ما خواستاریم هم رئیس پاسگاه کاوان و هم حاملین تیراندازی به مردم مهاباد بلافاصله محاکمه شوند و جوانان و مردم دستگیر شده مهاباد آزاد گردند ما در اطلاعیه‌ی بعدی همه را در جریان جزئیات امر قرار می دهیم

دبیر خانه‌ی کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران  
۲۰۰۲۰۹۰۱۰

حساب‌های بانکی و ثروتمندان کشور وجود دارد که این میزان برابر با بودجه‌ی عمومی سالانه‌ی دولت است هفتاد درصد این رقم متعلق به دو درصد از ثروتمندان بوده که این امر نشان از تبعیض و بی عدالتی عمیق و رشد شکاف فقر و ثروت در این جامعه است

کارگروهی از کارگران کارخانه‌ی قرقریه‌ی زیبا در اعتراض به مصوبه‌ی حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور صبح روز چهارشنبه گذشته در مقابل ساختمان بیناد مستضعفان تجمع کردند  
کارگران معترض و تجمع کننده در اعتراض به بندهای مصوبه‌ی مجلس درباره‌ی حمایت از بازسازی صنایع نساجی کشور درخواست کردند که باز خریدی آنها بر اساس توافق کارگرو کارفرما و خارج از قانون کار صورت گیرد

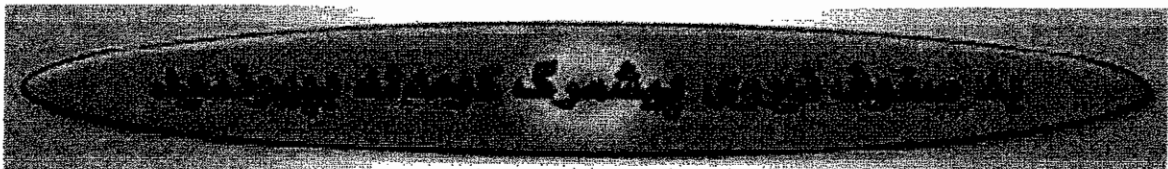
### بهشهر

در طول یک ماه گذشته برای دومین بار جمعی از کارگران کارخانه‌ی چیت سازی بهشهر در اعتراض به رسیدگی نکردن به وضعیت معیشتی و پرداخت حقوق معوقه‌ی خود در مقابل درب فرمانداری این شهر تجمع کردند کارگران تجمع کننده خواستار برکناری مدیر عامل در صورت عمل نکردن به وعده‌های خود شدند و هم چنین خواستار تحویل کارخانه به نمایندگان کارگران شدند و ضمن اشاره به فروش دستگاههای این کارخانه توسط سهامداران خواستند که به این وضعیت وخیم و ورشکستگی کارخانه رسیدگی کنند

این کارخانه در سال ۷۳ به بخش خصوص واگذار شده است و بخش خصوص نیز به دلیل بدهکاری چندین میلیاردی توامانی کارخانه را رها کرده و در حال حاضر ۱۸۰۰ نفر از کارگران این واحد صنعتی تولیدی سالهاست بلا تکلیف و سرگردان هستند

بر اثر انفجار یک دیگ بخار در کارخانه‌ی روغن نباتی این شهرستان دو نفر کشته و مجروح شدند این حادثه در کارخانه‌ی شاد گل نیشابور روی داده است و یک کارگر به نام رضا عرب جان خود را از دست داده و یک نفر دیگر به نام مجید خاکزادی هم زخمی شده است قابل ذکر است که قبلاً دیگ این کارخانه دچار نقص فنی شده و گویا تعمیر شده بود

این کارخانه در ۲۰ کیلومتری شمال غرب نیشابور واقع شده و در سال ۷۹ هم به بهره برداری رسیده است



# اطلاعیه‌ی دوم دبیر خانه‌ی کومه‌له در مورد تظاهرات و اعتراضات مردم مهاباد در روز سه‌شنبه

دستگیر شدگان باشند از مردم مهاباد می‌خواهیم که در عین حال که خواست مجازات جنایت در مهاباد و آزادی زندانیان را دارند اتحاد خود را حفظ نموده و هوشیارانه به نیروهای سرکوبگر اجازه ندهند که بهانه‌ای برای سرکوب بیشتر به دست آورند.

دبیر خانه‌ی کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران  
۲۰۹۰۱۰۲۰۰ برابر با ۹ شهریور ۱۳۸۱

## اطلاعیه‌ی کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کمیته‌ی نروژ

در رابطه با گرامیداشت و راهپیمایی به مناسبت چهاردهمین سالروز کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی در ایران در سال ۱۳۶۷

به مناسبت گرامیداشت سالروز کشتار دسته‌جمعی هزاران زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ در ایران که جمع کثیری از جانب‌اختگان این فاجعه‌ی دلخراش هم از کادرها و اعضا دوستان و هواداران کومه‌له بودند به همین مناسبت و به منظور گرامی داشت یاد و خاطره‌ی آن عزیزان که جان خود را در راه آزادی و تقویت‌النظم فدا کردند و دو مراسم در شهر اسلو برگزار شد روز سی و یکم آگوست ۲۰۰۲ در مقابل پارلمان کشور نروژ در اسلو بک راهپیمایی به شرکت چندین حزب و سازمان و از جمله سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران کمیته‌ی نروژ را که کار کمیته‌ی نروژ کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران و جمع کثیری از شخصیت‌های سیاسی مستقل سیاسی چپ برگزار شد.

هم چنین بریایی نمایشگاه عکس قربانیان باعث استقبال مردم نروژ شد در خاتمه‌ی اولین مراسم قطعنامه‌ای به دو زبان فارسی و نروژی قرانت گردید و یک نسخه از آن به زبان نروژی تقدیم به اعضای پارلمان نروژ شد این قطعنامه خواستار پشتیبانی از مبارزه‌ی روای مردم ایران برای سرنگونی نظام سرکوبگر اسلامی و آزادی زندانیان سیاسی و به ویژه آقای زرافشان شد.

هم چنین روز سی و یکم آگوست ۲۰۰۲ مراسمی در کتابخانه‌ی گرینبرلوکا در مرکز اسلو برگزار شد مراسم ابتدا با یک دقیقه سکوت و یک دقیقه کف‌زدن به منظور گرامیداشت یاد مقاومت زندانیان سیاسی ایران که سربلندانه زیستند و تا آخرین نفس به آزادی وفادار ماندند شروع شد برنامه‌های این مراسم عبارت بودند از: خاطره‌ی یکی از اعضای خانواده‌ای که همسر و برادرش را در کشتار دسته‌جمعی ۱۳۶۷ از دست داده بودند هم چنین خاطراتی از زندان و کشتار سال ۱۳۶۷ شعر و موسیقی سرود انقلابی پخش فیلمی در مورد حوادث و اتفاقات ...

همانطور که در اطلاعیه‌ی قبلی دبیر خانه‌ی کومه‌له به اطلاعتان رساندیم امروز از ساعت ۹ صبح شهر مهاباد شاهد اعتراضات و تظاهرات وسیع مردم بر علیه زورگویی نیروهای انتظامی بود.

روز دوشنبه فرماندهی نیروهای انتظامی پاسگاه کاولان به نام سروان قهوه‌چی از پشت بامهای روستای جانداران دستور تیراندازی به تعدادی جیبی بارکشی را صادر مینماید که در نتیجه سه نفر کشته شده و تعدادی از صاحبان بار و ماشینها زخمی میشوند. خانواده‌های آنها روز بعد از سردشت برای تحویل جنازه‌ها به مهاباد می‌آیند و با کمال تعجب متوجه میشوند که سروان قهوه‌چی آزاد است مردم ناراضی و زخم دیده به وی حمله ور میشوند و او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار میدهند نیروی انتظامی به مردم حمله نموده و وحشیانه به سرکوب آنها میپردازند مردم مهاباد از این درنگی نیروهای انتظامی خشمگین شده و به شهرداری شمار یک مهاباد حمله مینمایند و بدین ترتیب درگیری سختی در سراسر شهر مهاباد آغاز میشود نیروهای سرکوبگر ضد شورش از ارمیه و میاندواب و نقده به مهاباد سرازیر میشوند و با انواع سلاحهای سبک و نیمه سنگین به مردم حمله ور میشوند و مردم نیز به ادارات دولتی و بانکها حمله برده و اداره ثبت احوال دادگاه شهرداری و بانکهای ملی سپاه تجارت و صادرات را مورد یورش قرار میدهند و هم چنین ماشینهای نیروی انتظامی را زیر ضرب قرار میدهند و تعدادی از مامورین را به شدت زخمی مینمایند در جریان این درگیریها که سراسر شهر و خیابانها و میادین اصلی شهر را در بر گرفته است تعدادی از مردم کشته شده اند و تا ساعت سه بعد از ظهر ۷ جنازه در سردخانه‌ی بیمارستان نگهداری شده و به مردم اجازه ندادند که به جنازه‌ها سرکشی نمایند و هم اکنون که ساعت‌های آخر شب سه شنبه شب است شهر حالت حکومت نظامی دارد و تعدادی از مردم و جوانان دستگیر شده اند و حالت فوق العاده در شهر برقرار است.

ما از همه‌ی مردم کردستان می‌خواهیم که به سرکوب نیروهای رژیم در مهاباد اعتراض نمایند و از همه‌ی سازمانهای سیاسی مترقی و آزادیخواه ایران خواستاریم که جنایات رژیم در مهاباد و کردستان را افشا نموده و آن را محکوم کنند و این سرکوبگری را به سمع همه‌ی مراجع بین المللی برسانند و خواستار مجازات آمرین سرکوب در مهاباد و آزادی

ادامه‌ی اطلاعیه‌ی کمیته‌ی نروژ

ایران قبل و بعد از انقلاب، نمایشگاه عکس و مشخصات  
جانباختگان سال ۱۷؛ نمایشگاه کتاب و نشریات سیاسی و ادبی  
شایان ذکر است این مراسم از ساعت یک بعد از ظهر آغاز و تا ساعت  
۶ بعد از ظهر به طول انجامید.  
گرامی باد یاد و خاطره‌ی جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم

کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، کمیته‌ی نروژ  
سپتامبر ۲۰۰۲

### بیرامون جنایت اخیر رژیم در مهاباد

پس از جنایات اخیر مزدوران رژیم در شهرستان مهاباد و به منظور  
توجیه این اعمال زشت و غیر انسانی، فاطمی نژاد مسئول امنیت  
استانداری آذربایجان غربی و استاندار این استان کوشیدند تا به طریق  
گوناگون و منحرف کردن اذهان عمومی، پر کشته شدن ۳۳ نفر از  
کاروانچیان در جاده‌ی مهاباد سردشت سرپوش بگذارند. آن‌را  
توجیه نمایند و چنین وانمود کنند که آن‌را درگیری میان کاروانچیان  
و نیروهای انتظامی قلمداد کنند.

اما حقیقت امر این است که نه تنها هیچ گونه درگیری مسلحانه  
میان طرفین روی نداده بلکه بلکه حتی این ۳۳ نفر فاقد اسلحه هم  
بودند و بطور ناگهانی هدف تیراندازی نیروهای رژیم قرار گرفته و  
کشته شده‌اند. آنها حتی قصد فرار نیز نداشته‌اند. از ماشین پیاده  
شده و با مامورین انتظامی سرگرم صحبت بوده‌اند.

خبرهای رسیده حاکی است که مامورین رژیم اجساد این ۳۳ نفر را  
نیمه شب و به صورت مخفیانه به خانواده‌هایشان تحویل داده و از  
آنان تمهید گرفته‌اند که اجساد عزیزانشان را بدون سروصدا به خاک  
بسپارند. به همین دلیل جسد سید غفور حسینی بدون مشایعت مردم  
و تحت نظارت مامورین نیروی انتظامی ساعت ۵ صبح از مسجد

علامه بیتهوشی به گورستان انتقال یافت و اجساد دو نفر دیگر به نام‌های  
علی و ابراهیم حسین پور که برادر هم بوده‌اند، شبانگاهان به سردشت  
انتقال یافته و در روستای سوکل به خاک سپرده شده‌اند.  
روزنامه‌های رژیم نیز به نقل قول از شاهرویدی رئیس قوه‌ی قضائیه  
عنوان کردند که با افرادی که در تظاهرات مهاباد دست داشته‌اند به شدت  
برخورد خواهد شد و دستگیر شدگان شهر مهاباد را تنها ۱۶ نفر اعلام  
کردند. زمامداران رژیم با سرکوب مردم شهر مهاباد و توجیه جنایت سروان  
قهوه‌چی و سایر نیروهای رژیم در این شهر، کینه و دشمنی خود را یکبار  
دیگر به مردم کردستان ثابت کردند. بدون شک قتل ددمنشانه‌ی این ۳۳ نفر و  
تیراندازی بی‌مورد به سوی مردم معترض شهر مهاباد و کشتن و زخمی  
نمودن شماری از مردم بی‌گناه از جمله دسیسه‌های جنایتکارانه‌ی هستند  
که رژیم جمهوری اسلامی علیه مردم غیور مهاباد و عموم مردم کردستان در  
پیش گرفته است.

بهبانه و توجیه رژیم در رابطه با این جنایت مبارز به قاچاق است اما در  
کجای این گیتی این چنین به قاچاق مشروب معامله می‌شود که ۳۳ نفر غیر  
مسلح و بی دفاع را بدون دادگاهی به رگبار ببندند؟ در کجای دنیا به خانواده  
های مقتولین اجازه داد نمی‌شود که اجساد عزیزانشان را به طور آشکار به  
خاک بسپارند و حق برگزاری مجلس سوگاری هم نداشته باشند؟ اینها گویای  
این است.

**ساعات پخش**  
**رادیو هنگامی تکوین**

روز ..... ساعت .....  
شب ..... ساعت .....  
صبح ..... ساعت .....

بر روی بسته طول موج کوتاه امواج

۶۹ متر بر این به ۶۸۱۰ کیلوهرتز  
۶۵ متر بر این به ۶۶۱۵ کیلوهرتز  
۷۵ متر بر این به ۴۹۲۰ کیلوهرتز

## بیرامون جنایت انقلابی خلق کرد



### ذکر چند نکته در مورد نظام

### آموزشی در ایران و کردستان

سیامک حدادی

تا چند روز دیگر مدارس ایران دوباره باز می‌شوند و فصلی دیگر برای تلاش و یادگیری آغاز می‌گردد؛ از کودکی چند ساله تا جوانان و بزرگسالان هر یک به انحاء مختلف سعی در یادگیری و تحصیل علم و دانش دارند و می‌کوشند تا از کاروان علم و دانش امروزین عقب‌نمانند. طبیعی است که آغاز سال تحصیلی با شور و شوق و هیجانانگیز مخصوص خود همراه است و این بخصوص برای کسانی که برای اولین بار به خانه‌ی دوم خویش و مدرسه گام می‌نهند؛ پرشورتر و هم‌چنین همراه با اضطراب و دلشوره‌ی خاصی است؛ شاید هر یک از ما این مرحله را تجربه کرده باشیم.

به ترتیب که پای به مراحل بالاتر می‌نهییم؛ هر دوره از تحصیل معنی ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ دروان راهنمایی دوران رسیدن به سن بلوغ و مرحله‌ی بحران روحی و وارد شدن به مرحله‌ی نونین از زندگی است؛ دوران دبیرستان هم دوران جوانی است؛ دانش آموز خصوصاً سال‌های آخر دبیرستان را با وسواس خاصی دنبال می‌کند و کزاف نیست که اگر بگویم دوران سرنوشت و پای نهادن در جامعه است وارد شدن و وارد شدن به دانشگاه و کنکور بقیه‌ی سرنوشت دانشجویان تعیین می‌کند.

اما اینها تمام مشکلاتی نیست که دانش آموزان ایران و به ویژه دانش آموزان کردستان؛ در مراحل مختلف تحصیل با آن روبرو هستند؛ اولین مشکل و اولین قدم برای یک محصل از ملیت غیر فارسی از بدو وارد شدن این است که وی مجبور است ناخواسته به زبان دیگری بخواند؛ بنویسد و حتی سخن بگوید بدون این که مجال این را پیدا کرده باشد که زبان مادری را به خوبی یاد بگیرد؛ اکنون این مشکل اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزان کردستان است و جبری است که بر آنها تحمیل شده است؛ یک دانش آموز غیر فارسی زبان باید مثل یک محصل فاس زبان درس بخواند؛ آن را حفظ و درک نماید؛ اولین نکته این است که این حتی برخلاف خود قانون اساسی پیر از تناقض جمهوری اسلامی هم هست؛ طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی خواندن و نوشتن به زبان مادری آزاد است؛ این بند هیچ‌گاه در جمهوری اسلامی به اجرا در نیامده و به پایگانی سپرده شده است»

ادامه‌ی پیرامون اخیر رژیم

واقعیت است که هدف کلی رژیم سرکوب مردم مبارز کردستان می‌باشد و مبارزه با قاچاق بهانه‌ای بیش نیست

رژیم نیک بدانند که مردم کردستان تهدید و ارباب نسبت به مردم شریفه مهاباد را بر نتافته و در برابر چنین زورگویی‌هایی سکوت پیشه نخواهند کرد؛ مردم کردستان در دفاع از مردم مهاباد یک صد خواستار رفع فشار و دستم رژیم بر مردم این شهر و آزادی دستگیر شدگان خواهند شد و همگی هم جهت ضمن محکوم نمودن این اعمال جنایتکارانه‌ی رژیم خواستار محاکمه‌ی عاملین کشتار مردم بی‌گناه می‌باشند.

انتقام‌گیری رئیس قوه‌ی قضائیه از مردم انقلابی شهری که در جنبش آزادیخواهان‌ه‌ی کردستان سبمل مقاومت کردستان بوده است؛ ناشی از تسلیم نشدن مردم این شهر در برابر خواسته‌های رژیم و مبارزه برای دستیابی به حقوق روای خویش است؛ استاندار اذربایجان غربی و مسئول نیروهای انتظامی و امنیتی این استان از مبارزات مردم انقلابی مهاباد به ستوه آمده‌اند و نه مبارز به قاچاقچیان؛ زما مداران رژیم جمهوری اسلامی باید بدانند که اگر سریعاً دستگیر شدگان آزاد نشوند و دست از آزار و اذیت مردم این شهر برندارند؛ مردم دیگر شهرها نیز ساکت نخواهند نشست و اجازه نخواهند داد که به آسانی آنان را سلاخی کنند و شهرها یکی پس از دیگری توسط عمل مزدور رژیم سرکوب شوند.

رژیم جمهوری اسلامی که خود را در سراسر اسیبی سقوط می‌بیند و همگام با آن بر افروختن خشم و اترجار روز افزون کارگران و زحمتکشان ایران در همه‌ی زمینه‌ها؛ اینک به مشکلات عدیده‌ی روبرو شده است و قصد دارد به تکیه بر سرکوب و فضای رعب و وحشت مردم را و ادار به عقب نشینی نماید؛ نباید به رژیم مستاصل جمهوری اسلامی اجازه داد شود که علی‌رغم دست یازیدن به چنین اعمال جنایتکارانه‌ی با کمال پررویی مردم را نیز مورد تهدید و سرکوب قرار دهد؛ ما مردم کردستان را در جریان تمام قضایای قرار خواهیم داد و از آنان می‌خواهیم که با نوشتن شعار بر درها و دیوارهای اماکن مختلف شهر؛ این جنایت رژیم را بر ملا ساخته و در اقصی نقاط کردستان نسبت به سرکوب مردم سرافراز مهاباد اعتراض نمایند.

\*\*\*

در رژیم جمهوری اسلامی ایران به علت وجود یک رژیم مذهبی فاشیستی و تسلط مذهب بر کلیه ارکان این رژیم تمام دروس تحصیلی از اوایل ابتدایی بالاترین سطح از آموزش آکنده از تعالیم مذهبی و ترویج خرافات مذهبی است از همان ابتدا مغز دانش آموز را با آداب و رسوم اسلامی پر می کنند به طرز وحشتناکی دروس مقاطع تحصیلی در ایران عاری از مطالب علمی و امروزی است حتی کتابهایی که نام کتاب های علمی بر آنها گذاشته اند سرشار از این نوع تبلیغات دینی است و به طرز ناشیانه ای خواسته اند که علم و دین را هم جهت و هم ردیف جلوه دهند

دانش آموزان چند روستا باید به یک دهستان رفته و به تحصیل بپردازند این در زمستان و فصل سرما به توجه به این که کردستان از مناطق سردسیر ایران است فشار زیادی به دانش آموزان و خانواده های آنان وارد می کند و چه بسا بعضی مواقع منجر به ترک تحصیل ایشان می شود گفتیم که کردستان از جمله مناطق محروم ایران است و به طبع این ساکنان آن را هم اکثر آفتشار کم درآمد و فقیر تشکیل می دهد افزایش سرسام آور هر ساله ای نوشت افزای پوشاک و در مجموع تامین وسایل یک دانش آموز فشاری است که بر درآمد



غالب خانواده ها سنگینی می کند هر ساله تعداد بی شماری تنها بدین خاطر که توان تامین هزینه تحصیلی فرزندان شان را ندارند از فرستادن آنها به مدارس خودداری می کنند و در عصری که عصر انفورماتیک و کامپیوتر نامیده می شود خانواده های بی شماری در کردستان فقط به این خاطر که

مختلف می خواهند مغز و اندیشه ای تا دانش آموزان ایران را در یک مدار بسته نگاه دارند سعی می کنند که مغزها را کوشگر نباشد می کوشند که ترس و جهالت و علم گریزی را در مدارس توسعه دهند این در کردستان که منطقه ای فقیرتر و

نمی توانند این هزینه را تقبل نمایند فرزندان شان از ادامه ی تحصیل باز می مانند و باید دنبال کار و زندگی بروند و راهی ناخواسته را پیش گیرند

غیر صنعتی تر از دیگر نقاط ایران است و دانش آموزان به لحاظ مالی نمی توانند در مراکز علمی پرورش یابند مخرب تر است

حجاب اجباری اسلامی که اینک ۲۳ سال است بر زنان و دختران ایرانی تحمیل می شود هم چنان به عنوان یکی از ارکان ایدئولوژیک این حاکمیت پابرجاست و هزار گاهی هم به عنوان اهرم فشار بر زنان و دختران بر شدت این احکام می افزایندها حتی به روسری هم اکتفا نمی کنند و الزاماً حجاب باید از نوع اسلام شیعی باشد سایر مدل در ایران که پوشاک محلی خود را دارند نیز ناچارند که ماتتو و مقنعه را که هدیه ای آخوندها به زنان و دختران این جامعه است بپوشند سربچی و کم توجهی به حجاب اسلامی می تواند عواقب ناخوشایندی بری هر زن و دختر محصل در پی داشته باشد و به جرم رواج فرهنگ غریبی آنها را بی سرنوت کرده و به حراست ها و بسیج دانش آموزی ها بکشانند اکنون در نظام آموزش و پرورش حراست خود بودجه ای فراوانی را می بلعد و کارش هم تنها پروراندن جاسوس در مدارس و دانشگاههاست

در کردستان معضل دیگر این است که بسیاری از مدارس دبیرستان ها و حتی دانشگاه های این استان به تکنولوژی آموزشی پیشرفته و علمی مجهز نشده اند و هنوز تکنولوژی آموزشی ابتدایی کاربرد فراوان دارد حالا دیگر در بسیاری از نقاط جهان برای آموزش از وسایل متری مثل اسلاید فیلم ها کامپیوتر و دیگر وسایل در این رشته استفاده می کنند اما تاکنون این ها به مدارس کردستان راه پیدا نکرده اند و گچ هم چنان پر قدرت ترین تکنولوژی آموزشی در مراکز آموزشی کردستان است کمبود فضای آموزشی و ورزشی نیز مزید بر علت شده است برای هر دانش آموز ایرانی فضای آموزشی و ورزشی کمتر از یک متر است نبود آموزگاران و معلمان و استادان مجرب و متخصص در رشته های گوناگون تحصیلی بر کیفیت یادگیری دانش آموزان و دانش پژوهان تاثیرات منفی مضاعفی دارد کلاً در رژیم جمهوری اسلامی ایران تعهد به رژیم بر تخصص ارجحیت دارد و کسانی که وفاداری بیشتری به رژیم داشته باشند در صدر قرار می گیرند اگر چه تخصص آنها در سطح نازلی هم باشد این از مشخصات نظام های ایدئولوژیک است اکنون هم ۳۳ سال پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی بخش زیادی از روستاهای کردستان از مدارس راهنمایی و دبیرستان بی بهره اند در مناطق مختلف کردستان

جمهوری اسلامی که از عدم وجود پایگاه توده ای و مردمی خویش در میان عموم آگاه است از خیلی وقت پیش برای نفوذ در میان جوانان سعی کرده که با

سعی کرده که با

ادامه‌ی ذکر چند نکته در مورد ...

کشاندن مقوله‌ای نامیمون به نام بسیج دانش آموزی و دانشجویی در بین آنان رسوخ نماید و به کسب اطلاعات پیرداز و کسانی را که ابراز نارضایتی و یا گرایش به سیاستی غیر از ولایت فقیه و جمهوری اسلامی دارند مهار کرده و به سیاه چال‌ها بیندازد؛ هر اندازه نفرت و خشم توده‌ها از رژیم بیشتر شده است، وی نیز متقابلاً این طرح را در مدارس و دانشگاه‌ها گسترش داده است؛ ولی جای بسی خوشحالی است که خصوصاً در کردستان این افراد منفور و منزوی و مورد غضب مردم هستند و جایی در بین افراد خوشنام جامعه و مردم کردستان ندارند و مردم بدون تعارف با دیده‌ی یک‌خان به آنان می‌نگرند. جمعی هستند فریب خورده که تنها در نزد ارباباگشان قربتی دارند؛ آنها را فریفته اند که وارد دانشگاهشان می‌کنند؛ پول می‌گیرند و یا از رفتن به سربازی معاف می‌شوند.

وضعیت آموزشی در جمهوری اسلامی هم مثل خود آن؛ با معضلات و مشکلات جدی روبرو است و توانایی پاسخگویی به این جامعه که اکثریت جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند؛ ندارد. نگرش ایدئولوژیک به آموزش و پرورش تاکنون مانع از هرگونه تغییر و تحولی شده است؛ چون افکار بسته‌ی بسته‌ی روحانیت حاکم بر ایران با تغییرات سریع امروز ناهمخوانی دارد. این برای دانش پژوهان ایرانی به معنای عقب ماندن از کاروان علم و دانش روز است و در نتیجه هر روز آموزش و پرورش ایران بیشتر از قبل با دنیای خارج فاصله می‌گیرد. تغییر مداوم روش‌های آموزشی نشان از این واقعیت دارد که نظام آموزشی ایران با جامعه‌ی کنونی و افکار آن خوانایی ندارد و در تضاد است. نظام آموزشی ایران باید برخاسته از نیازهای این جامعه و مشکلات؛ نقطه قوت و نقطه ضعفهای آن باشد و این به یک پژوهش علمی و زیربنایی دراز مدت نیاز دارد که جمهوری اسلامی به جای حل این معضلات؛ بیشتر در فکر مسائل جانبی بود است.

ادامه‌ی هجوم تازه‌ی ...

سوی رژیم اسلامی بیانگر این واقعیت است که با تمام وجود از توسعه‌ی تکنولوژی جدید در هراس بوده و مرگ خود را با گسترش علم و دانش نزدیک تر می‌بیند. علی‌رغم تمامی تلاش‌های رژیم در مانعت‌از گسترش تکنولوژی ارتباطاتی پیشرفته در ایران؛ خوشبختانه شبکه‌های اینترنتی به قدر کافی پیشرفته هستند که هیچ رژیم ارتجاعی و واپسگرایی قادر به کنترل و محروم ساختن مردم از استفاده از این تکنولوژی نخواهد بود.

بسی گمان این بار نیز رژیم جمهوری اسلامی تیرش به سنگ می‌خورد و موفقیتی در این کار به دست نخواهد آورد. صدور چنین احکامی تنها موجب تمسخر صاحبان آن نزد مردم ایران و جهان خواهد بود و بس. بسی شک تفکرات ارتجاعی آخوندها نخواهد توانست از رشد علوم ارتباطاتی و تکنولوژی جلوگیری نماید.

قاضی مرتضوی‌ها و اربابان جاهلش شاید بتوانند صاحبان مطبوعات و جراید را به بند بکشند و روزنامه‌ها را تعطیل نمایند؛ ولی فکرها و اندیشه‌ها در بند شدن نیست. این چیزی است که اکنون در جامعه‌ی ایران وجود دارد و رژیم خوشبختانه نمی‌تواند دیگر افکار را به بند بکشاند. این طرح‌ها و نیرنگ‌ها فقط مصرف کوتاه مدت دارند و در دراز مدت نسه تنها دردی را از درد‌های جمهوری اسلامی دوا نخواهد کرد که مثل پتک بر سر کلیت نظام فرو می‌افتد؛ آن‌گاه دیگر ملاها دیر شده است.

رژیم جمهوری اسلامی در حال حاضر بر سر یک دوراهی قرار گرفته است که یا باید به کلی در برابر هر پدیده‌ی علمی بایستد و به مقابله برخیزد و یا این که با خواستهای مردم و گام نهادن در راه رشد و ترقی کردن نهد کاری که جمهوری اسلامی هرگز قادر به انجام آن نیست؛ هر دو حالت مسلمان مرگ و نابودی رژیم اسلامی را بدنبال خواهد داشت.

...

...

# با خبر نامه‌ی کومه‌له همکاری کنید

# Khabar Nameh

(Komala Newsletter)

Wednesday

13/9/2002

No 81



## بیرامون وضعیت تازه‌ی مطبوعات در ایران

ایوب عبدالله پور

این بار اول نیست که سران رژیم جمهوری اسلامی از چاپ و پخش مجلات و مطبوعات وابسته به جناحهای حکومتی نیز جلوگیری می نمایند و با هدف قرار دادن سایت های اینترنتی، مانع از پخش اخبار و مطالب از اینترنت می شوند. همگان به یاد داریم که در طول سال های گذشته نوارهای ویبوی را ممنوع کردند و با ظهور آنتن های ماهواره ای اینبار به مخالفت با آن برخاسته و استفاده کنندگان را مجازات و جریمه کردند و به مصادره ای آنتنهای ماهواره ای مبادرت ورزیدند. اما هرگز موفق به جمع کردن آن نشدند؛ نتوانستند جلوی آن را به کلی بگیرند و مانع از دستیابی مردم به تکنولوژی مدرن و جدید شوند.

در حال حاضر اینترنت به عنوان یکی از پیشرفته ترین وسایل ارتباط جمعی که مردم با استفاده از آن قادر خواهند بود در کوتاه ترین مدت ممکن با سراسر جهان ارتباط برقرار کنند؛ چنان ترسی در دل سران حکومتی ایجاد کرده که بیهوده می کوشند با تمام توان و به هر شیوه ای ممکن این پل ارتباطی مردم ایران را با جهانیان کنترل کنند. اما زهی خیال باطل!

چند روز پیش یکی از دادگاههای تهران حکمی را صادر نمود که طبق آن روزنامه های همشهری از این به بعد فقط در شهر تهران پخش خواهد شد و این روزنامه نباید در دیگر نقاط ایران پخش و توزیع گردد. مسئولین امر؛ دلیل اتخاذ این تصمیم را این گونه اعلام کرده اند که چون صاحب امتیاز این روزنامه شهرداری تهران می باشد؛ بنا بر این باید تنها در محدوده ای جغرافیایی تهران پخش و توزیع گردد. این حکم حیطة ای پخش و توزیع این روزنامه را تنها به شهرستان تهران محدود می نماید و از توزیع آن حتی در استان تهران جلوگیری می کند.

رژیم که احساس فشار بیشتری می نماید؛ هفته ای گذشته اعلام داشت که از این پس سایت های اینترنتی نیز شامل قانون مطبوعات می باشند و هرگونه تخلف و سرپیچی از قوانین مطبوعات در پخش اینترنت نیز مجازات در پی خواهد داشت. قدر مسلم اینکه محدود ساختن حطیه ای پخش روزنامه های همشهری و تحمیل قانون مطبوعات بر سایت های اینترنتی؛ بیانگر این واقعیت است که رژیم قصد دارد تا باز دگر فضایی را که با تلاش و همت مبارزات مردمی و روزنامه نگاران و مطبوعات مستقل تحمیل شده است؛ محدود و کنترل نماید.

صدور چنین حکمی از

آدرس صندوق پستی: کومه له در خارج از کشور	شماره تلفن نمایندگان: کومه له	اخبار و گزارشات خود را به این شماره فاکس بفرمایید
Postfach 800272 51002 Koin Germany	له در سلیمانیه ای کردستان عراق	رادیو کومه له ارسال دارید
	۳۱۲۴۷۱۱	Fax: 001-5617605814

آدرس پست الکترونیکی: ای میل: کمیته مرکزی کومه له

**Komala1348@hotmail.com**

به رادیو کومه له صدای کومه له همگاری کنید

آدرس پست الکترونیکی: ای میل: رادیو کومه له

**Komala\_radio@hotmail.com**

www.iran-archival.com



# تفسیر نامه

کومه له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

جمعه ۵ مهر ماه ۱۳۸۱

۸۳

## سهرابی هم می خواهد از قافله فریب و ریا عقب نماند

سیامک حیدری

روز پنج شنبه ی گذشته عبدالله سهرابی نماینده ی مریوان نامه ای سرگشاده به خاتمی فرستاد و در آن به بعضی از مسایل کنونی جامعه ی کردستان اشاره کرد در خصوص این نامه و محتوای آن ذکر چند نکته را لازم و ضروری می دانم

اینک مدتی است که به دنبال این که کومه له هم از رادیو و هم از طرق دیگر رسانه های خبری بر عمده مشکلات جامعه ی کردستان و اجحافات رژیم و زورگوییهای اخیرش در رابطه با قربانی گرفتن مین های کاشته شده توسط رژیم تیراندازی عمدی و بی مورد به کاروانچیان و کول کشان زحمتکش و کشتار بی رحمانه ی آنها زورگویی و بازداشتها و بازجوییهای مخفیانه از تعداد وسیعی از مردم و حتی رسیدن و تروور فعالین سیاسی در کردستان پرده برداشته و مبارزات مردم مناطق مختلف کردستان در این رابطه را وسیعاً منعکس نموده و موجبات افشاگری

« ۳

## هفته ی دفاع مقدس - یه تلاش برای دفاع از یک رسوایی و شکست

سالار پاشایی

امسال در سالگرد جنگ ایران و عراق در روز ۳۱ شهریور خاتمی و جمعی از سران رژیم در کنار قبر خمینی مراسم را برپا داشتند که در آنجا خاتمی به تعریف و تمجید از رهبری جمهوری اسلامی به عنوان فرماندهی کل تواتر پرداخت و نیروهای سه گانه مسلح را تشویق و قدردانی نمود و آنها را همچنان به عنوان تهدیدی بر ضد دشمنان جمهوری اسلامی نام برد او همچنین به تمامی مردم ایران توصیه نمود که در مراسمهای سالروز جنگ ارتجاعی هشت ساله با عراق شرکت نمایند و آنرا گرامی دارند

روز ۳۱ شهریور سال ۹۵ یعنی ۲۲ سال پیش دولت عراق در راستای مطامع کشورگشایانه در ساعت ۲ بعد از ظهر به تمام قوا و نیروهای هوایی خود اعم از موشکهای دور برد و جنگنده بمب افکن هایش به فرودگاه مهرآباد تهران و چند شهر دیگر ایران حمله سنگینی را آغاز نمود و این آغاز جنگی تمام عیار و طولانی برای طرفین بود جمهوری اسلامی ایران نیز که در آن زمان به شدت سرگرم سرکوب انقلاب و کشتار مخالفین سیاسی خود بوده و داشت پایه های نظام تازه نفس خود را تثبیت می نمود و سودای صدور انقلاب اسلامی را در سر می پروراند جنگ را نعمتی الهی برای استقرار دیکتاتوری و استبداد دانسته و فرمان رفتن به جبهه های جنگ و دفاع از میهن اسلامی را صادر نموده و بدین ترتیب آتش این جنگ ارتجاعی را گسترش داد مردم رنج دیده

« ۲

### در این شماره می خوانیم

- اطلاعیه های دبیر خانه ی کومه له
- آشفنگی در منطقه سراسیمگی در موضع
- اخبار شهرهای کردستان
- اخبار دیگر مناطق ایران

سازمان انقلابی جمهوری اسلامی ایران



### ادامه‌ی هفته‌ی دفاع مقدس یا تلاش

ایران که در آن وضعیت و بعد از انقلاب خونبارشان انتظار امنیت و آسایش و رفاه داشتند به یکباره با هیولای جنگ و خفقان و سرکوب و روبرو گردیدند به فرمان خمینی و برای رفتن به میدانهای نبرد مردم و جوانان لشکر لشکر بسیج و روانه‌ی جبهه‌ها گردیدند جوانان پرشوری که به مشابه‌ی نسلی جدید پای به عرصه سیاسی نهاده بودند احساسات ساده‌شان مورد ارتجاعی‌ترین بهره‌برداریهای مذهبی قرار گرفت و رهسپار میدانهای مین شدند تا خواسته‌ها و آرزوهای قرون وسطایی سران مرتجع و کله‌خشک جمهوری اسلامی را تأمین کنند و فتح نجف و کربلا را به واقعیت تبدیل کنند.

بعد از گذشت دو سال از جنگ و تلفات و خسارات جانی و مادی سرسام آور آن در سوم خرداد ۶۱ و بعد از تسخیر دویاروی خرمشهر در حالی که عراق به توقف جنگ و امضای آتش بس رضایت داد بود وزیر جنگ جمهوری اسلامی رفسنجانی و بقیه آخوندهای رهبری ایران شعار جنگ جنگ تا پیروزی و جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم را سر دادند و بدین گونه از آن تاریخ عامل اصلی ادامه پیدا کردن آن جنگ ویرانگر و کشته شدن صدها هزار جوان بی‌گناه ایرانی شدند.

سالهای سیاه جنگ در پی هم سپری شدند و بعد از گذشت ۸ سال تمام از جنگ در حالی که وضعیت اقتصادی ایران کاملاً فلج شده و بیش از یک میلیون کشته و زخمی از جنگ برجای مانده بود و طبق ارزیابی خود رژیم حدود یک هزار میلیارد دلار خسارت اقتصادی وارد شده بود و میلیونها نفر از مردم ایران دچار آوارگی و دریه دری شدند آری در چنین اوضاع و احوالی بود که سران جنایتکار جمهوری اسلامی طعم تلخ شکستی مفتضحانه را چشیدند و در سال ۶۷ خمینی با امضای قطعنامه‌ی ۵۹۸ جام زهر را به کام کشید و آتش بس را اعلام نمود رژیمی که قرار بود نجف و کربلا را تصرف کند چاههای نفت را تصرف نماید و شعارهای آنچنانی سر میداد و خار و زیون شکست خود را دید و مردم رنج دیده‌ی ایران از عواقب سالهای سیاه جنگ کشته شدن عزیزان و اسیر و مفقود شدن شمار زیادی از جوانان نشان به جز تداوم استبداد و خفقان دستاوردی نداشتند.

اکنون بعد از گذشت ۱۴ سال از اتمام جنگ در حالیکه جمهوری اسلامی نتوانسته جبران هیچ‌یک از مصیبتهای جنگ را برای

جامعه‌ی ایران و بخصوص قشر جوان بنماید برعکس تلاش می‌کند یاد و خاطره‌ی این جنگ ویرانگر را تحت نام دفاع مقدس و با برپایی مراسمهای بزرگ و ترفند‌های مختلف زنده نگه دارد و بکوشد تا از تحلیل واقعی و درست این مصیبت عظیم انسانی برای مردم ایران جلوگیری نماید.

در مراسم امسال سالگرد جنگ خامنه‌ای نیز با ایراد سخنانی شیوه‌ی حکومت کردن خود را حکومت عدل علی خواند و آن را بهترین نوع زمامداری حکومتی تلقی نمود و همزمان نیز از این فرصت استفاده نمود و به اصلاح طلبان داخل حکومت حمله نمود و اعلام داشت که اصلاح طلبان آگاه باشند که خودی شدن در داخل حکومت دلیل بر مصون ماندن آنها از برخورد های جناح محافظه کار نخواهد بود و باید هرچه بیشتر خود را با قوانین اسلامی و شریعت اسلام تطبیق دهند سر لشکر صفوی فرمانده سپاه پاسداران نیز در این روز در سخنرانی خود به اصلاح طلبان حمله نمود و با ذکر نام مهاجرانی او را سرباز بدون اونیفورم دشمن قلمداد نمود و مهاجرانی و همفکرانش را به شدت تهدید نمود سر لشکر ذوالقدر نیز در سخنان خود بیان داشت که اصلاح طلبان جریانی در داخل حکومت در حال



زمینه سازی برای حمله می باشند و عملاً به نفع دشمن کار می کنند \*

این نوع نگرانیهای تلافی طلبانه سران رژیم خیر از ترس و وحشت آنها از جنبش اعتراضی اقلیت مختلف مردم به جان آمده می ایران میدهد که به هیچ وجهی نمی توانند آنها را مهار نمایند و جوابگوی واقعی خواستههای مختلف این مردم زنجیده باشند در حالی که وضعیت ایران به دارا بودن بیشترین جمعیت جوان روز به روز از هر لحاظ بحرانی تر می شود و فساد فقر و اعتیاد و بیکاری میلیونی در جامعه ای ایران بیداد می کند و معضلات نگران کننده ای دیگری از جمله پدیده ای کودکان خیابانی و دختران فراری از خانه و بخصوص در شهرهای بزرگ و بیکاری تحصیل کرده ها و پدیده ای فرار مغزها و فساد اداری و مدیریتی و گندیگی تمام سیستم بوروکراتیک و گریبانگیر جامعه ای ایران شده است رهبران جنایتکار جمهوری اسلامی می خواهند نسل جدید را با اهداف و آرمانهای ارتجاعی جنگه آشتی دهند و به اصطلاح خود گسست فرهنگی را از بین ببرند جنگی که اهداف و مقاصد آن از همان اول بر همگان عیان بود از جمله سرکوب سازمانها و فعالین سیاسی سرکوب جنبش کارگری و دستگیری و اعدام فعالین کارگری و جنبش سوسیالیستی سرکوب جنبش انقلابی سراسری مردم ایران به طور کلی به کنج خانه راندن زنان آزادیخواه از بین بردن روشنفکران و دیگر اندیشان در ایران سرکوب جنبش انقلابی کردستان و تلاش برای سرکوب احزاب سیاسی آن و یا لاخره منحرف کردن افکار عمومی ایران و منطقه به سوی جنگ و زیرپا نهادن تمامی خواستهها و نیازهای برحق مردم ایران و هدفهای اساسی این جنگ ویرانگر و ارتجاعی بودند همه ای اینها زمینه ای بود برای هژمونی جمهوری اسلامی و نیل به مقاصد شوم و تاریک پرستانه شان آری سران جمهوری اسلامی با دستهای آغشته به خون دهها هزار انسان آزادیخواه و جوانان انقلابی می خواهند یاد و خاطره ای جنگ ایران و عراق را برای مردم زنده نگه دارند جنگی که به غیر از شکست و تباهی و سیاه شدن زندگی مردم هیچ نفعی برای مردم ایران نداشته بی گمان اکنون هر روز بارشده جنبش انقلابی مردم آزادیخواه ایران جمهوری اسلامی هرگز نخواهد توانست به سالهای گذشته بازگردد و طلسم استبداد سیاه جمهوری اسلامی روز به روز در حال شکستن و نابودی است بی تردید مردم آزادیخواه و کارگران و زحمتکشان ایران در آینده ای نه چندان دور استبداد مذهبی جمهوری اسلامی را به زیاده دان تاریخ خواهند فرستاد \*

\*\*\*

ادامه ای سهرابی هم می خواهد از قافله می \*\*\*\*

رژیم را فراهم نموده برخی از نمایندگان کرد در مجلس شورای اسلامی نیز به منظور آرام نمودن مردم هزار گاهی لب به سخن می گشایند و سرودم بریده سخنانی بر زبان می رانند و می کوشند در فضای کنونی کردستان از قافله عقب نمانند و توجه مردم و افکار عمومی و محافل گرد را به سوی خویش جلب کنند \*

اگر در پیروز نمایند می مردم سردشت بعد از به خاک و خون کشیدن مردم مهاباد توسط نیروهای انتظامی و گارد ویژه به ناچار سخنانی ایراد کرد و رژیم را نصیحت نمود که نگذارد ضد انقلاب بهره برداری نماید امروز آقای سهرابی به سخن آمده و می خواهد از تزییع حق موعت گرد صحبت کند و می گوید حکومت اسلامی سطح زندگی آنها کرده را به صفر رسانیده و مشارکت کرده در امور منطقه ای کرد نشین را صرفاً به دلیل سنی بودن آنها کاملاً ممنوع اعلام کرده و جای تعجب بسیار است که ایشان که در یکی از ارگانهای تصمیم گیری این رژیم خدمت می کنند بعد از سالها متوجه این نکته شده است \*

چه رژیم کنونی اسلامی و چه رژیم سلطنتی سابق به دلیل نگرش شوونیستی به مساله ای هلی در کردستان و برخورد خصمانه به این مردم هرگز نخواهند که به عنوان یکی از مناطق محروم ایران به این خطه نظر بیندازند و در طول دوران زمامداریشان به جای خدمت به آنها بیشتر در فکر تسلط بر آنان و سرکوب و چپاول این دیار بودند این آقا در مجلس شورای اسلامی حتماً باید در این زمینه مطالعه ای کافی داشته باشند به سردمداران رژیم هیچ گاه نخواسته اند به ملت کرد اعتماد کنند و آنان را در امور کشوری و لشکری راه بدهند چون از منظر این سردمداران ظلم و جور کردها آشوب طلب و از بیگانگان محسوب می شوند و طبعاً هیچ کسی حاضر نیست که امور مملکتی را به بیگانگان واگذارد سیر تاریخی مبارزات مردم کردستان و دیده حکومت های مرکزی درستی این نکته را به اثبات می رساند اگر این سخنان را امروز از این آقای محترم می شنویم مردم کردستان بیست و اندی سال است که بسیار بیشتر از اینها را گفته و درخواست نموده اند تقریباً حالا دیگر کسی نیست که از این سیاست های خصمانه ای رژیم در قبال مردم کرد بی خبر باشد این سخنان نماینده مریوان در مجلس اسلامی تنها برای جلب توجه مردم و کسب آرای آنها است \*\*\*\*

۴





حالی است که منابع غنی آن و هم چنین زمین های حاصلخیزش باضافه ی استعداد های بالقوه اش می توانست اگر ستم ملی در میان بود بسیار بیشتر از اینها موجبات صنعتی شدن این خطه را فراهم آورد. بیکاری فقر و تنگدستی بر سیمای این منطقه و مردمانش آشکار است به جا خواهد بود که اگر از سهرابی پرسیده شود در طول حضور وی در مجلس شورای اسلامی چند فرصت شغلی برای مردم مریوان و جوانانش ایجاد شده است؛ ایشان چند بار از نیروهای انتظامی به خاطر کشتار مردم و غارت اموالشان توضیح خواستند و چند بار اموال زحمتکشان و کسبه ی این منطقه را از چنگ غارتگران نیروی انتظامی بیرون آورد و به صاحبانشان برگرداند؛ این ها و جواب به بسیاری سوال های دیگر می تواند میزان صداقت و یافریبکاری سهرابی و همفکرانش در مجلس را نشان دهد. غارت و چپاول در مناطق مرزی کردنشین توسط نیروهای انتظامی و تعقیب و گریز کسبه و زحمتکشان آن بیداد می کند.

در این نامه دور و ریای فراوان دیده می شود و وی در قسمتی دیگر از نامه اش به ریاست جمهوری از حمایت مردم کردستان از جنگ ارتجاعی و ویرانگر ایران و عراق و هم چنین پشتیبانی از خاتمی اشاره کرده است. واقعیت امر این است که مردم کردستان هیچ گاه از این جنگ دفاع نکردند و جوانان کردستان تا جایی که توانستند از رفتن به جبهه ها امتناع ورزیدند. در مورد انتخابات ریاست جمهوری نیز باید گفت که مردم کردستان به کل حاکمیت جمهوری اسلامی متوهم نیستند. مردم کردستان ظلم و زور حاکمان اسلامی را با تمام وجود حس کرده و کار به استخوانشان رسیده است. بیست و سه سال وحشیگری استعمار و چپاول و اشغال نظامی و کشتار فرزندان کارگران و زحمتکشان این مرز و بوم جایی برای متوهم باقی نگذاشته است. این یاوه گویی ها و لاف زنی های نشستگان در مجلس شورای اسلامی تنها در اثر فشاری است که حس می کنند و نتیجه ی مستقیم اعتلای مبارزات مردم است. مردم مصائب رنج ها مشکلات و واقعیت های جامعه را خیلی زودتر از این حرافان و صد چهره ها دیده و درک کرده اند. کردستان در سال ۵۷ تا ۵۸ فریب اسلام سیاسی را نخورد؛ آیا اکنون نمایندگان مسلمان کرده بعد از ۲۳ سال خواهند توانست از اسلام و رژیم اسلامی چهره ای دیگر بسازند و مردم را بفریبند؟ قطعاً خیر. عرض خود می برند و زحمت خود می دارند.



حال که مبارزات مردم کردستان در اثر افشاکری های کومه له در قبال اجحافات در زندگی روزمره و بی خاصیت بودن جناح اصلاح طلب دولتی اثرات خود را در جامعه بر جای گذاشته است و توهم مردم بیش از هر زمانی دگرزود و شده است. آقایان مجبورند که سویاپ اطمینانی باز کنند و هم اینکه به خیال خود به تحمیق مردم بپردازند و از این راه خود و جناحشان را طرفدار مردم کردستان و حلال مشکلات آنان قلمداد نمایند. تا زمانی که نگرش حاکمان نسبت به مردم کردستان عوض نشود و تا زمانی که سرکوب مردم و اشغال کردستان ادامه دارد و رژیم به کردستان به چشم یک سرزمین اشغال شده می نگرد؛ آخر چطور می شود انتظار داشت که میزان مشارکت کردها را بالا ببرد و این مشارکت را در شهرها و دیگر مناطق افزایش داد؟ امروزه بیش از هر زمان دیگر رژیم به هراس افتاده و بیشتر از هر زمان دیگری از نیروهای غیربومی و عقیدتی در ارگان ها و ادارات آن استفاده می برد.

رژیم اسلامی تلاش نموده است که خواستار رفع ستم ملی در کردستان را به حقوقی برای سنی ها تقلیل دهد و با حربه ی شیعه و سنی همیشه خواسته اند که جنگی دائمی را بیندازند و کینه ای همیشگی را در دل ملل مختلف ایران بکارند و با دامن زدن به این نوع تبلیغات دامنه ی نفوذ و دخالت خویش را گسترش دهند. این ندها را ما اکنون از نمایندگان کرده اسلامی نیز می شنویم و این بدترین نوع تحریف خواستهای مردم کردستان است.

کردستان به یکی از غیر صنعتی ترین مناطق تبدیل شده است. این در

### اطلاعیه‌ی دبیرخانه‌ی کومه‌له در باره‌ی تلفن‌های مشکوک از اروپا به شهرهای کردستان ایران

اخیراً تعدادی عناصر غیر مسئول در اروپا اقدام به صحبت‌های تلفنی با کسانی در شهر سنندج و سایر شهرها نمودند. این افراد شماره تلفن کسانی را که فکر می‌کنند ممکن است گرایشات سیاسی داشته باشند پیدا کرده و بدون رعایت مسائل امنیتی به آنان زنگ می‌زنند و بدین ترتیب با سرنوشت و امنیت آنها بازی می‌کنند. مردم از این نوع اقدامات به شدت نگران و ناراضی هستند.

ما از همه‌ی کسانی که اقدام به این عمل غیرمسئولانه نمودند و درخواست می‌کنیم که از این کارها دست بردارند و موجبات نگرانی مردم را در شهرها فراهم نکنند و در صورتی که به عمل خود ادامه دهند ما مجبور خواهیم شد که آنان را به مردم معرفی کنیم. هم چنین از همه‌ی دوستان کومه‌له درخواست می‌کنیم که با این نوع مزاحم‌های تلفنی جری بحث نکنند و کاملاً هوشیارانه به چنین مکالماتی برخورد نمایند تا اطلاعات رژیم از این طریق به شناسایی آنان نپردازد. چنین کسانی به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند.

دبیرخانه‌ی کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۱۳۸۱/۶/۲۹

### اطلاعیه‌ی دبیرخانه‌ی کومه‌له در باره‌ی از دیاد فشار اطلاعات رژیم بر مردم کردستان

مدتی است که اطلاعات جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف کردستان از طریق تلفن و به فرستادن نامه به منزل و یا محل کار کسانی که با رژیم همکاری ندارند آنها را به ستاد خبری اداری اطلاعات فرامی‌خوانند و چند ساعتی از آنها با جویی نمودند و بلوف و دروغ بافی سرهم می‌کنند تا بلکه شخص مزبور اسرار و اطلاعاتی بروز دهد.

هم چنین روش دیگر آنها این است که به ماشین در محل رفت و آمد چنین افرادی ظاهر شده و آنها را به زور سوار ماشین کرده و از آنان با جویی می‌کنند. اخیراً حتی در روستاهای معینی نیز اقدام به چنین کارهایی کرده‌اند. ما این نوع با جویی و دستگیریهای موقت از

جانب اطلاعات را به شدت محکوم می‌کنیم و آن را بخشی از فشار پلیسی رژیم بر مردم کردستان می‌دانیم. از همه‌ی کسانی که به نحوی از انحاء مورد با جویی اطلاعات قرار می‌گیرند درخواست می‌کنیم که هیچ اطلاعاتی در اختیار آنان قرار ندهند و بدانند که بخش عمده‌ی صحبت‌های اطلاعات دروغ و بلوف است و به شدت درخواست همکاری با اطلاعات را رد نمودند و به دستگیری خود اعتراض نمایند.

ما اطمینان داریم که این دستگیری‌های غیر قانونی و این نوع فشارها موجبات خشم و نفرت بیشتر مردم کردستان و رسوایی روز افزون دستگاه اطلاعات و جمهوری اسلامی را فراهم می‌آورد.

دبیرخانه‌ی کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۱۳۸۱/۶/۲۹

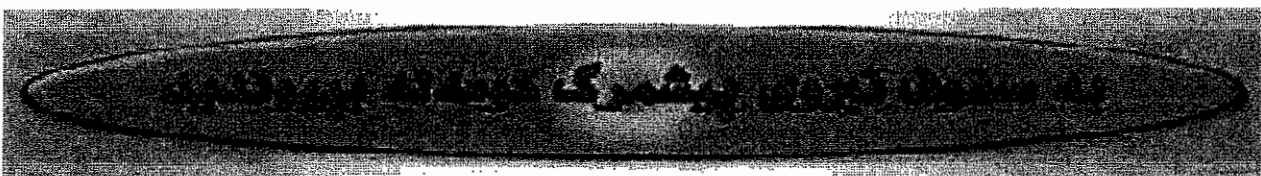


### کامیاران

بنا به خبری که از کامیاران به دستمان رسیده است، روز یکشنبه ۳۱ شهریور ماه حاجی مکاتیل تشوری از عناصر شوروی و مزدور جمهوری اسلامی بر اثر سکت قلبی درگذشت است. حاجی مکاتیل تشوری یکی از مزدوران مسلح رژیم بود که در آزار و سرکوب مردم منطقه نقش بارزی داشت و بارها با پیشمرگان کومه‌له درگیر شده و تا زمانی که نیروهای پیشمرگ کومه‌له وسیعاً در منطقه حضور نظامی داشتند حاجی مکاتیل نمی‌توانست به اذیت مردم بپردازد. مردم منطقه‌ی کامیاران همگی از مرگ وی خوشحالند ولی متأسفانه که چرا فرصت نبود تا در یاف دادگاه مردمی و انقلابی محاکمه شود.

گزارشی از وضعیت زنان در روستاهای کامیاران

زنان در روستاهای اطراف کامیاران یکی از بی حقوق‌ترین طیف‌های جامعه را در این نواحی تشکیل می‌دهند. ظلم و استثمار و بی حقوقی در همه‌ی شئون زندگی فردی و اجتماعی این زنان هویداست. به علت نگرش مردسالاری در این منطقه زنان همواره محدودند. «.....»



و محدودتر می شوند و به حقوق انسانی آنان توجهی نمی شود.

سفر

در ۴۵ کیلومتری سقز روستایی وجود دارد به نام تمزیگ که حدود ۵۰ خانوار در این روستا زندگی می کنند و وضع بهداشت و آب و فاضلاب این روستا وخیم و گاهی اوقات باعث بیماری کودکان می شود. جریان آب و فاضلاب این روستا سرپوشیده نیست و در تابستان ها به محل تجمع پشه ها و میکروب ها تبدیل می شود. بوی گند آن از دور به مشام می رسد و در روستا می پیچد. این امر در سلامت کودکان و ابتلا به بیماری های کودکان خیلی تاثیر دارد. در این روستا هنوز خانه بهداشت و یه محلی برای مداوای مردم وجود ندارد. گاهی اوقات شنیده می شود که دولت برای حل مساله ی آب و فاضلاب و خانه بهداشت این روستا بودجه هایی اختصاص داده است ولی هر بار این بودجه ها در بین مسئولین امر حیف و میل می شود تاکنون چندین بار مردم برای بررسی این جا به بهداشت و آب و فاضلاب به ارگان های متعدد رژیم مراجعه کرده ولی جوابی درخور دریافت نکردند. اکثر جوانان این روستا بیکار و تنها چند ماهی از سال را به کار کشاورزی می پردازند.

سندج

جوانان و مبارزین سندجی به حمایت از مردم مهاباد پرداختند

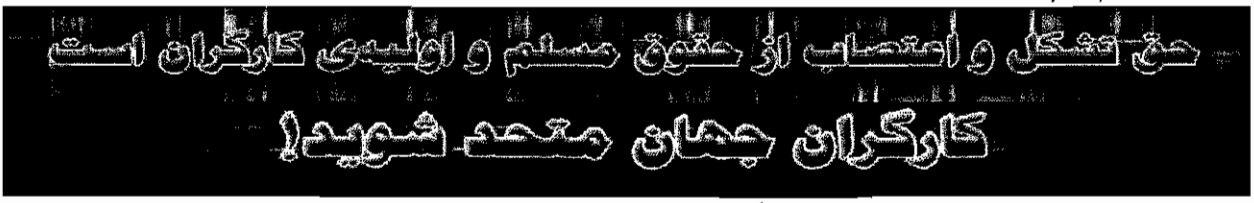
بنا به خبری که از شهر سندج به دستمان رسیده است فعالین شهر سندج به منظور دفاع و پشتیبانی از مردم مهاباد اقدام به کارهای تبلیغاتی نمودند پنج شنبه شب گذشته رفقای انقلابی و هواداران کومه له در شهر سندج جهت پخش اخبار حوادث مهاباد اطلاعیه های شماره ی ۱ و ۲ دبیرخانه ی کومه له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران در خصوص رویدادهای اخیر مهاباد و چندین نوع تراکت و اعلامیه را در تیراز بسیار زیاد در سطح شهر پخش نمودند و مردم انقلابی شهر سندج را به اعتراض و ابراز ناراضی در رابطه با سرکوب مهاباد دعوت کردند طبق این خبر در نقاط مختلف سندج بویژه در محله های ۱۷ شهریور و ۲۵ سابق و اطراف خیابان شهدایا فرح سابق محله ی چهار باغ محله ی پیر محمد و محله ی گلشن و همچنین در پارک جنگلی امیریه واقع در دامنه ی کوه آبیتر تراکت و اعلامیه های فراوانی به منظور پشتیبانی از مردم مهاباد پخش و نصب شده بود که مردم سندج به مشاهد می آنها دلگرم و خوشحال شدند این اقدام تلاشگران و فعالین انقلابی کومه له در سندج نمونه ی مناسبی است برای هم رزمی مردم کردستان و بدون شک بر مردم تاثیر مثبتی خواهد داشت و روحیه ی مبارزاتی شان را تقویت خواهد نمود دشمنان و اشغالگران کردستان بفرمند که فقط با یک شهر طرفه نیستند و مسئله ی هر شهر کردستان یعنی مسئله ی تمام مردم کردستان

اخبار دیگر مناطق ایران

تهران

تعدادی از دانشجویان دختر ترم نهم دانشگاه امیر کبیر در اعتراض به بروز برخی مشکلات در مقابل خوابگاه بسطامی این دانشگاه تجمع کرده اند یکی از دانشجویان کمبود ظرفیت خوابگاهها را از مشکلات دانشگاه امیر کبیر و دلیل اصلی تجمع اعتراض امیر دانشجویان در مقابل این خوابگاه عنوان کرد.

به اطلاع دوستان و شنوندگان رادیو صدای کومه له می رسانیم که سایت مستقل رادیو کومه له اخیراً بر روی شبکه اینترنت به شرح زیر می باشد  
www.radiokomala.org



ادامه‌ی اخبار...

تغییر...

جمعی از دانش آموزان آذربایجان... دبیرستان‌ها و مراکز پیش... دانشگاه تبریز در آستانه‌ی آغاز سال تحصیلی ۱۳۸۱ طی نامه‌ی سرگشاده‌ای از خاتمی خواستار به اجرا در آمدن اصل ۱۵ که هماف خواندن و نوشتن به زبان مادری در کنار زبان فارسی می باشد...

در ادامه‌ی نامه آمده است که مصراحتاً تقاضا داریم ترتیبی اتخاذ شود که از سال جدید تحصیلی بتوانیم در کلاس های درس زبان مادری خود یعنی ترکی آذربایجانی را یاد گرفته و آموزش ببینیم و از حق طبیعی خود محروم نمانیم...

اهواز...

تعدادی از کارکنان و کارگران شرکت لوله سازی خوزستان به تجمع در مقابل استانداری خوزستان خواستار دریافت حقوق معوقه ۶ ماهه خود شدند... این جمعیت که حدود ۵۰۰ نفر تخمین زده می شدند با سردادن شعارهایی همچون گرسنه ایم، گرسنه ایم خواستار پاسخگویی عالیترین مقام استان یعنی استاندار شدند...

یاسوج...

صبح روز پنجشنبه مورخه‌ی ۴ مهر ماه کارگران بخش فنی کارخانه‌ی قند یاسوج که حدود ۵۰۰ نفر بودند جلوی درب استان داری به خاطر عدم پرداخت حقوق ماهیانه و ندادن حقوق سه ماهه‌ی تیر، مرداد و شهریور تجمع کردند... کارگران تجمع کننده خواهان رسیدگی مقامات ذریبطه در رابطه با پرداخت حقوق عقب افتاده و پرداخت به موقع حقوق خود از کارخانه قند شدند...

است برای دفاع از آن دست و پا بشکنند؟ زمان جنگ مورد تکفیر امام قرار گرفت و ملحد و کافر قلمداد شد و فتوای جهاد علیه وی صادر شد و میلیون ها نفر بی گنا و حالشان ویران و خونشان ریخته شد... کیست که بیگرگی آشکار و ملموس روابط طرفین پس از اتمام جنگ تا اعلام حمله به عراق از جانب آمریکا را از یاد برد باشد...

اما سیاست دوراندیشان تر اینکه از اطراف و اکناف و از زبان اصلاح طلبان مشاهده می کنیم که با هشدار دادن در مورد خطر انزوای نظام در صددند راهکاری برای سازش با آمریکا بیابند و اتهام کمک به القاعده و جروه های اسلامی تندرو را از خود دور سازند و به این ترتیب میخواهند در برابر رقیب محافظه کار در حاکمیت پشتوانه‌ی بین المللی بیابند و اصلاح سیاست خارجی راه مد نظر دارند... جناح محافظه کار به در پیش گرفتن سیاستی ماجراجویانه در صدها است تا اصلاح طلبان حاکم را به ستون پنجم آمریکا تشبیه نمایند و از طرف دیگر زمینه ها و امکان نزدیک شدن به آمریکا و بستن راه را فراهم می آورد و به این شیوه هم به زعم خود تصویری از احساس مسئولیت خود در قبال اسلام و نظام در ذهن مردم ایجاد کرده و هم ادعا میکند که رژیم را از مهلکه‌ی احتمالی نجات میدهد... جناح های حاکمیت که امید خود را از مردم از دست داده اند به رقابت با همدیگر و هر کدام به نوعی در بند و بست های پشت پرده وارد شده اند... یکی عاجل و شتابان برای بهبود رابطه با آمریکا تلاش میکند و دیگری مقداری دیرپا تر و با نقشه تر میخواهد رقیب را از صحنه خارج کند و خود به دست پر وارد معامله با آمریکا گردد... هر دو جناح از عدم مصونیت خود در جامعه کاملاً مطلع و واقفند... اما یکی جهت جلوگیری از بر افتادن بساط حاکمیت خود بر سر کوب عربیان انکار و اصرار دارد و دیگری بر تلفیقی از سرکوب و عقب نشینی جزئی و مقطعی در برابر مبارزه جویی مردم و تکیه مینماید... این اختلاف در سیاست داخلی موجبات آشفتگی در سیاست خارجی را در یک مقطع حساس بوجود آورده است...

...

ساعات بخش رانندگی هنکی... روز ساعت... شب ساعت... صبح ساعت... بر روی سه طول موج کوتاه... ۴۹ متر بر این به ۶۸۱ کیلوهرتز... ۶۵ متر بر این به ۴۶۱۵ کیلوهرتز... ۷۵ متر بر این به ۴۹۲۰ کیلوهرتز

پیر و پاد جنبش انقلابی خلق کرد



انزوای بین المللی آن افزایش مییابد و تازه این یک روی سکه است روی دیگر آن در صورت برافتادن عراق سردمداران رژیم ایران بیم این دارند که آمریکا در صدد دست یازیدن و دخالت در مسایل ایران باشد بر کسی پوشیده نیست که رژیم به رسمیت شناختن حقوق گردهای عراق را در حکم به رسمیت شناختن حقوق کردهای ایران به مثابه ملیتی که حق تعیین سرنوشت خود را دارند برآید رژیم اسلامی با همه ی جناح ها این نکته را صریحاً متذکر می شوند که با اعطای هر حقی به کردستان عراق مخالفتند و دلیل چنین موضعی نگرانی از تسری یافتن ناگزیر این حق به ملت های دیگر ایران است که ممکن است حاکمیت عالیجنابان را تهدید نماید این یکی از مسایلی است که هر دو جناح بر آن اتفاق نظر دارند

بعد دیگر تشکیل دهنده ی مخالفت با حمله ی عراق تنگتر شدن هر چه بیشتر فضای خاور میانه بر ایران است که جنبه ی اقتصادی و سیاسی را در بر خواهد گرفت و در دورنمای نظرات همین حالا و بدون حمله آمریکا نیز رشد جنبش توده ای و مبارزاتی مردم را می بینند و ساقط شدن خود را گمانه می زنند و این نگرانی را بارها از سرتیپ و سرلشکرها به عناوین مختلف شاهده بوده ایم اینها میدانند که از پایگاهی مردمی برخوردار نیستند و اگر موقعیت خارجیشان نیز تضعیف گردد قافیه بر آنها تنگتر خواهد شد

بر همگان آشکار است که همین عراق که حالا از جانب رژیم اسلامی مورد پشتیبانی قرار گرفته است و زیر لوای دنیای اسلام حاضر ص ۷

### آشفته گی در منطقه

### سراسیمگی در موضع

هوسیار محمودی آذر

یکی دو هفته ی اخیر ایام سراسیمگی ایران در موضع گیری نسبت به حمله ی آمریکا به عراق بوده و پیداست که منازعه ی دیپلماتیک آمریکا و عراق تاثیر بلاواسطه ای بر جناح های حاکمیت ایران داشته و اختلافات فاحش آنها را بر سر داره ی کشور بر همگان واضح و واضح تر نمود اما در عین حال یک انسجام و هم آهنگی نمادینی از آنها را در موضع گیری نسبت به تمامیت ارضی عراق به همراه دارد آری همگی و یا جملگی جناح ها با حمله ی مذکور مخالفتند پس اختلاف بر سر چیست؟

پرواضح است که تمامیت ارضی عراق نه فقط به طور خود بخودی و در خود برای ایران اهمیتی ندارد بلکه ایران جهت ایجاد پراکندگی و دودستگی و اختلاف و اغتشاش در منطقه از بدو تولد خویش از هیچ اقدامی دریغ نداشته و در همین عراق جریانات ارتجاعی را تقویت و تامين نموده است پشتیبانی و دفاع از تمامیت ارضی عراق بیش از آن که گویای پشتیبانی از عراق باشد نگرانی از آن پتانسیل بالقوه ای است که بیست و اندی سال حاکمیت ننگین سرشار از سرکوب و خفقان در عراق بر ضد این رژیم رویانده است اعتراضات و مخالفت های مردمی در صورت بدین معنا که

آدرس پست الکترونیکی: ای میل: کمیته ی مرکزی کومه له

**Komala1348@hotmail.com**

به رادیو کومه له صدای کومه له همکاري کنید

آدرس پست الکترونیکی: ای میل: رادیو کومه له

**Komala\_radio@hotmail.com**

آدرس صندوق پستی: کومه له در خارج از کشور

Postfach 800272  
51002 Köln  
Germany

شماره تلفن نمایندگی کومه له  
در شهر سلیمانیه، کردستان عراق

۳۱۲۴۷۱۱

• اخبار و گزارشات خود را به این شماره  
• فاکس برای رادیو کومه له ارسال  
• دارید

Fax:  
001-5617605814

# سوسیالیسم



# خبرنامه

کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

جمعه ۱۲ مهر ماه ۱۳۸۱

۸۴



## با این ترفند هم کاری از پیش نمی‌برند

مدتی است که فعالیت آگاهانه و با برنامه‌ای از جانب رژیم برای ایجاد دور جدیدی از توحش و سرکوب، به پیش برده میشود. اعدام علنی در میادین تهران و در انظار عمومی با به راه انداختن کارناوال مرگ، سنگسار نمودن زن و مردی در نقده، ریودن و ترور فعالین سیاسی در مریوان و بانه، تجهیز و گسترش نیروی ضد شورش در شهرها و به ویژه در شهرهای بزرگ، افزایش نیروی نظامی در مرزهای کردستان و ازدیاد فشار بر مردم زحمتکش و کشتار کاروانچینانی که سالهاست از این طریق امرار معاش مینمایند و بالاخره بازجوییهای اطلاعات به طور وسیع از تعداد زیادی از مردم کردستان و تهدید و بازداشت‌های موقت و مخفی، همه و همه نشانه‌های آشکار ایجاد دور جدیدی از فضای رعب و وحشت توسط رژیم جمهوری اسلامی است.

در مقابل خواسته‌های وسیع مردمی به زوزه‌های ارتجاعی تبدیل شدند، بلکه جریان موسوم به اصلاح طلب در حکومت، خود یک پای اصلی این دور جدید ترور و خشونت است.

اعدام علنی و سنگسار، قبل از اینکه "مجرمین" خاصی را مورد نظر داشته باشد، روحیه‌ی انسانی مردم را هدف قرار... « ۲

گسترش بحران سیاسی در ایران، رشد بیکاری سرسام آور و ویرانی اقتصادی و در نتیجه رشد اعتراض و ناراضی‌تبی مردم در داخل از یکطرف و انزوای سیاسی این رژیم در افکار عمومی جهانی و افشا شدن ارتباط و پیوند انکارناپذیرش با جریان‌های ارتجاعی و تروریست، آن واقعیاتی هستند که موقعیت رژیم جمهوری اسلامی را در خطر انداخته‌اند و مایه‌ی اصلی نگرانی رژیم هستند. نه تنها نواهای اصلاح این دستگاه

### در این شماره می‌خوانید

- اطلاعیه‌ی کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید
- سخنی پیرامون اظهارات شهردار بوکان
- اخبار شهرهای کردستان و دیگر مناطق ایران
- بوسه‌ای که ریشه بر اندام ارتجاع انداخت

## سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران

## سخنی پیرامون اظهارات اخیر شهردار بوکان

مدتی پیش فرماندار شهر بوکان با شرکت در نشست مشترک مسئولان روابط عمومی دستگاههای اجرایی این شهر طی سخنانی کاملاً بی اساس چهره ی واقعی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را برای بار دیگر بر آحاد مردم کردستان آشکار ساخت.

عبدالرحمان ابادری فرماندار شهر بوکان در نشست مشترک مسئولان روابط عمومی دستگاههای اجرایی بوکان گفته است که اگر در تعدادی از شهرها، مردم از ادارات ناراضی اند ناشی از ارتباط ناقص و مشکل دار سیستم حکومتی و ادارات با مردم است. به گزارش همین خبرگزاری وی در ادامه سخنان خود افزوده است که بوکان از جمله شهرهایی است که در آن این ارتباط بسیار غیر منطقی و کم رنگ است و حتی مسئولان از عملکرد ادارات خبر ندارند، چون مجموعه ی ادارات در سیستم حکومتی به جای حاکمیت همدیگر در مقابل هم قرار می گیرند و هر کس ساز خود را می زند. فرماندار شهر بوکان در ادامه سخنانش پس از ایراد پاره ای اراجیف گفته است که روانیست که ما در این شهر محروم و عقب مانده به جای اینکه کارکنیم و درکنار هم باشیم، شهر را در اختیار یک عده افراد سودجو و فرصت طلب قرار دهیم تا از صفا و صمیمیت و صداقت مردم سوء استفاده کنند.

سخنان فوق نشانگر میزان بی اعتباری سیستم حکومتی و دستگاههای اداری رژیم جمهوری اسلامی در میان مردم کردستان است که یکی از مسئولین عالیرتبه خود رژیم صراحتاً بدان اعتراف می نماید.

واقعیت امر این است که مشکل بی اعتباری رژیم در بین مردم کردستان را نمی توان ناشی از عدم عملکرد صحیح مسئولین به وظایفشان دانست، بلکه مردم کردستان در طول تمامی سالهای حیات حاکمیت جمهوری اسلامی این رژیم را به دیده حکومتی اشغالگر نگریسته و رژیم جمهوری اسلامی علی رغم کلیه سرکوبها، عوام فریبی ها و دسیسه هایش همواره در نزد مردم کردستان غریب و بیگانه بوده است و به همین دلیل نیز کلیه مهره های ریز و درشت رژیم

۳««

و کلیه افرادی...

ادامه ی با این طرفنها هم کاری از پیش نمی برند داده است. آنها تصمیم گرفته اند با ایجاد این صحنه ها، جنایت و توحش را عادی جلوه دهند و روحیه ی آزادی و انسانی را تخریب نمایند و بی حرمتی به انسان را معمولی نمایند. ترور و شکنجه و بازداشتها نیز وسیله های کهنه برای ایجاد ترس و خفقانند.

## سرنوشتی رژیم اسلامی...ضامن آزادی و رفاه



اما بعد دیگر این نوع اقدامات رژیم، ناشی از وحشتی است که سرپای رژیم را فراگرفته است. اینان نفرت و خشم مردم ستمدیده ی ایران را به خوبی متوجه شده اند و چراغ عمر خود را رو به خاموشی می بینند و درست به همین دلیل نیز هست که هر دو جناح رژیم علیرغم اختلافشان با یکدیگر، در مقابل جنبش مردم متحدند و با هم میسازند. اما دوران بازگشت به استبداد سیاه و تحکیم قدرت این رژیم به تمامی به سر آمده است و این نوع اقدامات غیر انسانی و وحشیانه نه تنها دیگر کارساز نیست، بلکه کارگران و مردم ستمدیده ی ایران را در مبارزه با این رژیم جریرتر می نماید و بس.

\*\*\*

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

ادامه ی سخنی پیرامون اظهارات...

که به نوعی با رژیم در ارتباط باشند، در نزد مردم آزادیخواه کردستان متفور و بد نامند. اینگونه اعترافات تنها مختص به فرمانداری شهر بوکان نبوده، بلکه مدتی پیشتر نیز استاندار کردستان طی نامه ای به خاتمی به بی اعتباری رژیم در کردستان اعتراف نموده و می گوید که در کردستان هیچ شخصیت و فرد خوشنامی را به همراه ندارند. جای دارد که کلیه مزدوران و افرادی که به نحوی از انحا به حاکمیت جمهوری اسلامی دل بسته اند به خود آمده و سرنوشت خویش را از سرنوشت رژیمی که حتی مسئولین عالیرتبه اش به بی اعتباری آن در بین مردم کردستان اعتراف می کنند، جدا سازند.

\*\*\*

## اخبار شهرهای کردستان

### کرمانشاه:

تعداد زیادی از کارگران "کارخانه نساجی غرب" به نشانه ی اعتراض به تاخیر و عدم پرداخت دستمزد ۷ ماهه ی گذشته خویش، روز یکشنبه ۷ مهر ماه در دفتر امام جمعه کرمانشاه جمع شدند. قابل ذکر است که آخوند زرنندی امام جمعه کرمانشاه زیر فشار کارگران ناراضی ناچاراً قول داد که برای رفع مطالبات آنها با رئیس جمهور تماس برقرار کند.

### بوکان:

چند روز پیش در جریان یک سانحه ی تصادف در جاده ی ارومیه-بوکان، فردی به نام محمود عبده زاده مشهور به فقیه محمود جانفش را از دست داده است. شایان ذکر است فقیه محمود فردی محترم و از طرفداران کومه لئه بوده و به همین خاطر مردم بوکان از مرگ نامبرده بسیار ناراحتند و در تشییع جنازه ی ایشان به طور گسترده حضور داشتند. ما این ضایعه ی دلخراش را به خانواده و اقوام آقای محمود عبده زاده تسلیت گفته و خود را در غم و اندوهشان سهیم می دانیم.

### مریوان:

بنابه گزارشی که از شهر مریوان به دستمان رسیده است در تاریخ نهم مهر ماه سال جاری، حاج محمد هوشمند اهل روستای "کولان" پس از تصادف با یک ماشین، در بیمارستان آن شهر جانفش را از دست داده است. گفتنی است که حاج محمد هوشمند فرد محترم و مردمداری بوده و مردم مریوان برای مرگ نامبرده متأسفند. ما مرگ وی را به

خانواده ی حاج محمد و عموم مردم مریوان تسلیت می گوئیم و خود را شریک غم و اندوهشان می دانیم.

### مهاباد:

بنا به خبری که از مهاباد به دستمان رسیده است، روز سه شنبه نهم مهر ماه سال جاری کاک محمد امین نعلی، پدر گرامی رفقای جانباخته، سعید، حامد و صابر نعلی در سن ۷۴ سالگی و در شهر مهاباد زندگی ابد رود حیات گفته است. کاک محمد امین نعلی سال ۱۳۰۷ خورشیدی در شهر میاندوآب دیده به جهان گشود. وی از جمله افرادی بود که بطور فعالانه در قیام مردم ایران بر علیه نظم ستم شاهی و جنبش انقلابی کردستان شرکت داشت و بارها از سوی دستگاههای فاسد رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار گرفت، اما با این حال و علی رغم تمامی فشارهای رژیم بر وی هرگز خللی در روحیه انقلابی این مبارز نستوه ایجاد نشد و حیات خویش را با دلی فراخ در کمال سرافرازی سپری نمود. گزارش رسیده حاکیست که روزهای نهم و دهم مهرماه جاری جمع کثیری از مردم مهاباد در مسجد خاتم الانبیای این شهر در مراسم ختم کاک محمد امین شرکت نموده اند و با شرکت وسیع خود در این مراسم نشان دادند که این گونه افراد از منزلت ویژه ای در نزد مردم برخوردار هستند. در گذشت کاک محمد امین بر دلهایمان تاثیر فراوانی به جای گذاشت و به همین دلیل صمیمانه ترین تسلیتهای خود را نثار خانواده ی گرامی ایشان نموده و خود را شریک غم و اندوه آنان می دانیم و اطمینان داریم که مردم مبارز و انقلابی مهاباد در کمال احترام و از هر جهت همدردی خود را با این خانواده انقلابی ابراز خواهند نمود.

### سردشت:

بنا به خبری که از سردشت به دستمان رسیده است، عوامل و دست اندرکاران رژیم دو دستگاه از موتورهای برق شهر سردشت را از این شهر به مکانی دیگر منتقل نموده اند. این دو دستگاه، چندین سال است که در مواقع اضطراری و قطعی برق، برق شهر سردشت را تامین می نمودند. بنا به این گزارش، این دو موتور برق از طرف وزارت نیرو به مکان دیگری فروخته شده اند. مردم شهر سردشت از این اقدام دست اندرکاران رژیم به خشم آمده اند و البته این نخستین باری نیست که مزدوران رژیم در حق مردم این شهر ظلم می کنند، مثلاً بارها که انجمنهای بین المللی خیرخواه مقداری وسایل برای این شهر و بویژه برای افرادی که در جریان بمباران شیمیایی صدمه دیده و متحمل ضرر و زیانی شده بودند، اما این امکانات و وسایل در ...



## ادامه ی اخبار شهرهای کردستان

جاهای دیگری مورد استفاده قرار می گرفت و یا بعنوان هدیه ی رهبر در بین مردم سردشت تقسیم می شدند.

\* \* \*

## گیلان:

جمعی از کارگران دو کارخانه در گیلان در اعتراض به عدم دریافت حقوق در مقابل استانداری این استان اجتماع کردند. این کارگران که در کارخانه های چینی سازی گیلان و شرکت اسپارک ماشین تول رشت شاغل بوده اند به خاطر عدم دریافت حقوق در سه ماه گذشته در مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات معیشتی خود شدند.

## اسلامشهر:

بنابه خبر روزنامه های ایران، ماموران پلیس و ماموران شهرداری اسلامشهر در حین تخریب منازل مسکونی غیر مجاز با مردم درگیر شدند. مقارن ساعت ۱۱ صبح روز سه شنبه مامورین پلیس ساختمان شهرداری اسلامشهر در يك اقدام ضربتی بیش از ۱۰ مورد ساخت و ساز غیر مجاز و مسکونی را در اطراف شهرک محمدیه تخریب کردند. به گفته شاهدین، نیروهای پلیس ساختمان شهرداری اسلامشهر با حمایت نیروهای انتظامی این شهرستان به وسیله يك دستگاه بلدوزور بناهای احداث شده غیر مجاز را خراب کردند. شاهدین می افزایند که در حین تخریب درگیری سختی بین مردم و مامورین به وقوع پیوست که در این ارتباط تعدادی از مردم و نیروهای پلیس مجروح شدند.

\* \* \*

## تهران:

گزارش های منتشره حاکی است که بیشتر از ده هزار کارگر بیکار شده ی شهرداری تهران که از سال ۱۳۷۴ بیکار شده اند، منتظر حل شدن اختلافات میان شهرداری و شورای شهر تهران هستند تا هر چه زودتر همگی آنها به سر کارهایشان بازگردند. نماینده ی کارگران بیکار شده ی شهرداری تهران به خبرگزاری ایسنا گفت که بیکاری چندین ساله ی کارگران، زندگی خانواده های آنها را دچار بحران نموده و آنها ناچار شده اند برای معیشت زندگی روزمره شان، به دست فروشی و حتی فروش مواد مخدر روی بیاورند. این نماینده ی کارگران در ادامه ی صحبتهایش بیان داشت که فرزندان بیشتر کارگران بیکار شده برای اینکه کمکی برای خانواده هایشان باشند، ترك تحصیل کرده اند.

## همدان:

جسد یکی از دانشجویان ممتاز پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان به دنبال تماس تلفنی با پلیس ۱۱۰، در باغ اطراف خوابگاه دانشگاه کشف شد. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، علت مرگ این دانشجو که عضو هیئت موسس و دبیر تشکل اجتماعی فرهنگی "شهریار" دانشگاه علوم پزشکی همدان بود، هنوز مشخص نشده است. علی اصغر حیدری، معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی همدان در گفت و گو با خبرنگار ایسنا، با استناد به قرائن و شواهد موجود، علت مرگ این دانشجو را خودکشی احتمالی داد و افزود که هنوز پزشکی قانونی علت دقیق را مشخص نکرده است. این نمونه هم یکی دیگر از قتلهایی است که اخیراً و برای بار دیگر در سطح وسیعی در ایران سازمان داده شده است. ترور فعالین سیاسی در کردستان، دستگیریهای وسیع در کردستان و در دیگر نقاط ایران و هم چنین ازدیاد فشار بر دانشجویان و دگراندیشان و ربودن افراد که نمونه های آن در ماههای اخیر رو به افزایش نهاده است، همه و همه حکایت از دوره ای دیگر از فعالیت سازمان اطلاعات رژیم است

## ادامه ی بوسه ای که رعشه بر اندام ارتجاع انداخت

نگفته پیداست که دلیل این سراسیمگی اینست که موقعیت اسلام سیاسی، مقام گردانندگانش و سران این رژیم قرون وسطایی بدجوری از طرف اقشار مختلف مردم متزلزل شده و زیر سوال رفته است. در عصری که به دهکده ی جهانی معروف است و صنعت و علم تا کنج خانه های مردم رسوخ کرده و تکنولوژی همه ی جهان را در رشته های نامرئی انترنت به هم وصل نموده است، در عصری که دیگر نمیتوان درها را روی خود بست و نگذاشت که دیگران ببینند و بشنوند، در عصری که مردمانش خواهان آزادی، آسایش، رفاه و مراودت با دیگران هستند، در عصری که می توان با زدن يك دگمه در خانه ی خویش به چهار گوشه ی گیتی سر کشید، این گونه اعمال احمقانه تنها مایه ی رسوایی عاملانش خواهد بود و بس.

\* \* \*

## بوسه هایی که ریشه بر اندام ارتجاع انداخت

سیامک حیدری

چند روز پیش در شهر یزد و در يك فستیوال سینمایی ماجرابی به وقوع پیوست که فوراً مقامات مختلف را به واکنش واداشت و باعث شد تا فوراً گله ی ملاحا و پادوهای ریز و درشتشان در بوق و کرنا بدمند و باز هم اسلام عزیزشان را در خطر ببینند، رمه های حزب الله را آماده و گوش به زنگ کنند و مثل خرس زخمی به هر کس و هر چیز حمله برند.

آری در شهر اردبیل دختر جوانی در مراسم افتتاح پارک "زناس"، صورت شهردار را بوسید و در یزد و در مراسم اختتامیه ی جشنواره ی سینمای حقیقت و در حین پخش جوایز از خانم "گوهر خیراندیش"، بازیگر مشهور ایرانی، برای دادن جوایز به برندگان دعوت به عمل آمده بود. هنگامی که وی جایزه را به آقای "علی زمانی" اهدا می کند، صورت وی را می بوسد، کاری که غیر از کشورهای استبدادزده و مذهبی در همه ی کشورهای دنیا امری رایج و متداول است، این کار خشم حاکمان جهل و خرافه را برانگیخت. از استاندار تا پائین ترین رده های مسئولین به معذرت خواهی پرداختند و صحنه گردانان رلشان را خوب بازی کردند.

شاید برای اکثریت مردمان این جهان جای تعجب باشد که بوسه ای عادی و دوستانه در مملکتی که داعیه ی فرهنگی چند هزار ساله دارد، آنهم در حین اعطای جایزه، این چنین بلوایی برپا کند. جیره خواران اسلام و کسانی که از برکت اسلامشان بانک های غربی را از پول "بیت المال" و مردم ایران انباشته اند، فریادشان به آسمان بلند شد، فوراً کمپین تبلیغاتی وسیعی را به رهبری روزنامه های کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی به راه انداختند. نیروهای انتظامی در همان موقع اجرای برنامه و اهدای جوایز این کار به رگ غیرت و ناموسشان برخورد و خواستند که دخالت کنند، که با پادرمیانی برگزار کنندگان از این کار خودداری نمودند. رئیس کل دادگستری یزد این دو هنرمند را به جرم آنچه که "انجام اعمال خلاف عفت عمومی" خوانده است، حکم بازداشت آنان و هم چنین مدیر کل حراست کل ارشاد را به جرم فراری

دادن متهمین و جلوگیری از دستگیری آنان توسط نیروی انتظامی، صادر کرده است و گفته شده است که "اگر ایشان (خانم خیراندیش) خودش را به نیروی انتظامی معرفی کند يك حکم خاصی دارد، ولی اگر از طرف نیروی انتظامی معرفی شود، حکم دیگری برای او صادر خواهد شد." دادگستری یزد به همین بسنده نکرد و علاوه بر این دو نفر، قرار بازداشت هفت نفر دیگر از هنرمندان را که در این مراسم شرکت کرده اند، صادر کرد و قرار شد به زودی در دادگاه یزد حاضر شوند.

و بدین ترتیب بار دیگر قوه ی قضائیه ی رژیم در راستای اجرای حکمی دیگر که استبداد، تظاهر، دورویی و ارتجاع مشخصه های اصلی آنست، گام برداشت. رژیم به این همه هم بسنده نکرده و عده ای چماق به دست و کله خشک و تاریک اندیش را روانه ی خیابان ها کرد و به نام مردم ایران آنان را به جهانیان معرفی کرد. میلشیشای بسیج و انصار حزب الله نیز بازارشان گرم شد.

قوه ی قضائیه با این احکام صادره باز هم به مردم ایران چنگ و دندان نشان داد و ناگفته اعلام نمود که هر کس از خط قرمز پای فراتر بگذارد، با تنبیهات سختی روبرو خواهد شد، آری خواستند دایره را تنگ تر نمایند و از این راه سرکوب و ارعاب را مشروعیت بخشند. بهانه ای لازم بود که این بار سینما و جشنواره ها را مورد تهاجم وسیع تر قرار دهد و این بهانه اینک به دست آمده است؛ و نکته ی آخر در این قسمت اینکه ابتکار عمل را از دست جناح سرخورده و بدون اراده ی جریان موسوم به اصلاح طلبان بگیرند و آنان را بیشتر از این از صحنه ی سیاسی ایران به حاشیه برانند.

آنان به جامعه ی جهانی هم دویاره نشان دادند که قدرت و میدان در ایران در دست ایشان است و خاتمی و جناحش تنها يك نماد کارتونی هستند و بس و اگر قرار است در ایران کاری انجام شود این اقتدارگرایان هستند که نباید از قلم بیفتند و لازم است که این امر را به قدرتها و کشورهای دیگر بفهمانند.

آیا این بوسه هاست که جامعه را دچار فساد می کند یا صیغه ها و برپا داشتن خانه های عفاف، که توسط خود آخوندها اداره می شود، و از قبل آن پولهای کلان به جیب می زنند و فحشا و فساد را مشروعیت می بخشند و قانونی جلوه می دهند؟ آیا این بوسه منزلت زن را پائین می آورد یا قانون چند زنی و صیغه های موقت در حمله آخوندها؟... «۴»

به صفوف نیروی پیشمرگ کومه له پیوندید

# Khabar Nameh

## (Komala Newsletter)

Friday  
4/10/2002  
No. 84



### علیه اعدام برای لغو احکام اعدام سعید ماسوری و سالار کرداری

داده است. سعید و سالار دو زندانی سیاسی در بند این رژیم در آستانه اعدام قرار گرفته اند. جمهوری اسلامی باید چند ده هزار نفر دیگر را اعدام کند که احساسات و عواطف انسانی ما را نسبت به عمل شنیع اعدام و جوخه دار در ایران برانگیزد؟ آیا وقت آن نرسیده، به وجدان درونی مان پاسخ دهیم و صدایمان را علیه اعدام، این جنایت ضد بشری رساتر کنیم و با به راه انداختن جنبش ضد اعدام و مبارزه برای لغو آن، از همین امروز از اقدامهای دیگر، و بویژه اجرای اعدام سعید و سالار جلوگیری کنیم؟

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید مخالف اعدام است و در هماهنگی با سایر سازمانهای ضد اعدام و نهادهای مدافع حقوق بشر محلی و بین المللی برای لغو اعدام به اقدامات جهانی دست زده است. در همین راستا نیز تلاش وسیعی را برای لغو احکام اعدام سعید ماسوری و سالار کرداری آغاز کرده است. بدنبال تلاشهای کانون، سازمان عفو بین الملل بیانیه ای در رابطه با حکم اعدام سعید ماسوری صادر کرده و بزودی بیانیه ای نیز در رابطه با حکم اعدام سالار کرداری منتشر خواهد کرد. این سازمان در بیانیه اخیر خود خواستار ایجاد فشار به جمهوری اسلامی برای لغو اعدام سعید ماسوری شده است.

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید

۱۲ مهر ۱۳۸۱، ۴ اکتبر ۲۰۰۲

رژیم جمهوری اسلامی، سعید ماسوری و سالار کرداری، دوتن از زندانیان سیاسی زندانهای اوین و سنندج رابه اعدام محکوم کرده است. در خرداد سال جاری، شعبه ۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، سعید ماسوری ۳۶ ساله، اهل خرم آباد رابه اتهام "اقدام علیه امنیت ملی"، "عضویت در سازمان مجاهدین خلق" و چند اتهام دیگر به اعدام محکوم کرد. قبل از صدور حکم اعدام، سعید ماسوری را برای انجام مصاحبه تلویزیونی زیر فشار می گذارند و او را تهدید می کنند چنانچه مصاحبه نکند به اعدام محکوم می شود. سه هفته پیش، حکم اعدام سعید را دیوان عالی رژیم تائید کرد. سالار کرداری، ۱۹ ساله، اهل مریوان، اواخر تیرماه سال جاری، در ناحیه مرزی کردستان ایران و عراق دستگیر شد. وی به اتهام تعلق به جنبش سیاسی مخالف رژیم در کردستان، در هفته های اخیر، به اعدام محکوم شد. مردم آزادیخواه طرفداران لغو اعدام، اعدام، قتل عمد و یک عمل ضد انسانی است که دولت ها برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه به اجرا در می آورند. و جمهوری اسلامی برای مقابله با ناهنجاریهایی که خود در جامعه آفریده و برای مقابله با جنبش رهایی بخش و آزادی خواهانه توده های رنج کشیده ایران، اقدامهای پنهان و آشکار را افزایش

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) کمیته ی مرکزی کومه له

**Komala1348@hotmail.com**

با رادیو کومه له \_ صدای کومه له همکاری کنید:

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) رادیو کومه له:

Komala\_radio@hotmail.com

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:

Postfach 800272  
51002 Kohn  
Germany

شماره تلفن نمایندگی کومه له  
در شهر سلیمانیه، کردستان عراق:

۳۱۲۴۷۱۱

اخبار و گزارشات خود را با این شماره

فاکس برای رادیو کومه له ارسال  
دارید

Fax:

001-5617605814

## زنده باد سوسیالیسم



# خبرنامه

کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

جمعه ۲۶ مهر ماه ۱۳۸۱

۸۵

## موضع گیری خاتمی علیه مردم کردستان

در شرایطی که این منطقه در محاصره ی کامل اقتصادی بود و زندگی ساکنان آن بسیار دشوار تامین میشد، با بستن مرزهای خود از حمل و نقل نیازمندی های زندگی به این منطقه جلوگیری می نمود. رژیم جمهوری اسلامی در زمان جنگ داخلی در کردستان عراق تحریک کننده و آتش بیار این معرکه بود و با تشکیل دهها تیم تروریستی برعلیه احزاب و فعالین سیاسی کرد ایرانی، امنیت و آسایش این منطقه را برهم می زد و به این ها نیز بسنده نکرده و با تمام توان خود به تاسیس و تشکیل و راه اندازی گروههای اسلامی در این منطقه پرداخت و با حمایت از این گروههای اسلامی تندرو، آنان را به عنوان اهرم فشاری بر مردم و احزاب سیاسی کردستان عراق تحمیل نمود و در راستای سیاست لپتانیزه کردن کردستان عراق هرآنچه در توانش بود، انجام داد تا کمربندی امنیتی و اسلامی در طول مرزهای خود با کردستان بوجود آورد. هدف اصلی جمهوری اسلامی آن بود تا به هر شیوه ی ممکن و با برهم زدن اوضاع، از استقرار حاکمیت منطقه ای کردها در این بخش آزاد شده ی کردستان جلوگیری نماید. ... « ۲

یکی از مهمترین سخنان خاتمی در جریان سفر و دیدار اخیر وی از کشورهای افغانستان، ترکیه، تاجیکستان و آذربایجان در مورد کردستان عراق بود. خاتمی در سخنان خود ضمن تهدید مردم و نیروهای سیاسی کردستان عراق، هشدار داد که استقرار هرگونه دولت مستقل کردی، منطقه را دچار تنش خواهد کرد.

خاتمی اولین کسی نیست که در این باره و با این لحن لب به سخن می گشاید، همگان بر این امر واقفند که کلیه ی احزاب سیاسی کردستان عراق شعار فدرالیسم را به عنوان خواست خود مشخص کرده اند و صراحتاً اعلام داشته اند که قصد استقرار یک دولت مستقل را ندارند و خواستار حفظ و یکپارچگی کشور عراق اند که در آن دموکراسی برقرار بوده و حقوق ملیت ها در سیستمی فدرال رعایت شود.

تهدید تجزیه طلبی زدن به جنبش کردستان، سلاح دیرینه و زنگ زده ی شوونیستهای ملت بالا دست است که چشم دیدن هر اندازه احقاق حق برای ملیتهای تحت ستم را ندارند. همچنین میدانیم که معضل ستم ملی بر کردها تنها مختص عراق نیست، بلکه یکی از مسایل مهم خاورمیانه است. رژیم جمهوری اسلامی به دنبال جنگ خلیج و از هنگام آزادی بخشی از کردستان از زیر سلطه ی دولت عراق، حتی برای یک لحظه نیز دست از توطئه و آشوب در این منطقه برنداشته و تمامی سعی و تلاش خود را بر آن داشته است تا این منطقه ی آزاد شده ی کردستان عراق را تحت فشار قرار دهد. زمانی به توپ باران روستاهای مرزی می پرداخت و

### در این شماره می خوانید

- وضع اسفبار کودکان در ایران
- سخنی پیرامون فرار دختران از خانه
- اطلاعیه ی دبیر خانه در مورد اعدام زندانیان سیاسی
- خبر قتل صالح چنانی، از عوامل منفور رژیم
- اخبار شهرهای کردستان و ایران
- گزارشی از آموزشگاه سیاسی - نظامی کومه له

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران

## وضع اسفبار کودکان در ایران

ادامه ی موضع گیری خاتمی علیه مردم کردستان

وضع اسفبار کودکان در ایران مدتهاست که وجدان اجتماعی را آزار می دهد و از جمله معضلات بزرگ اجتماعی است که به طور قاطع اثرات آن در آینده ی بعد از این رژیم دیکتاتور و جنایت پیشه نیز باقی خواهد ماند. نسبت بالای اعتیاد در میان کودکان، کشاندن آنها به زور به مراکز بسیج و تزریق خرافات و خشونت در مغز آنها، استفاده از کودکان دختر در تجارت سکس و استثمار و به کار کشیدن آنها در کارهای سخت و طاقت فرسا از پدیده های رایجی است که جامعه ی کودکان و نونهالان در ایران با آن دست به گریبانند و تاثیرات عمیق روانی و اجتماعی بر نسل رو به رشد و نسل فردای این جامعه خواهد گذاشت.

بنا به آمار رسمی یک میلیون و هشتصد هزار کودک به عنوان کارگر در کارگاهها و مراکز کار مشغول به کارند که از این تعداد نیم میلیون نفرشان کمتر از ۱۵ سال سن دارند. البته بدون شک در این آمار کودکانی که در کوره های آجر پزی به همراه خانواده شان به کار مشغولند، کودکانی که در روستاها به زیر بار کار کشیده می شوند و هم چنین آن کودکانی که در شهرها در محل کسب و کار خانواده به کار مشغولند، به حساب نیامده اند و باید اضافه کرد که تازه دقت این آمار مورد تردید است و به طور قطع تعداد کودکان کارگر بیشتر از اینهاست.

هم چنین آمارهای رسمی وجود یک میلیون و دویست هزار کودک بی سرپناه و خیابانی را اعلام نموده اند و بنا به آمار بیش از دویست هزار کودک معتاد وجود دارند و تعداد آنها مرتب نیز رو به افزایش است. به این موارد باید شمار زیادی از کودکان زندانی را نیز اضافه کرد که به جرمهای مختلف روانه ی زندان شده و در بدترین شرایط تربیتی و انسانی قرار دارند.

با اندکی مکث در مورد آمارها و حقایق فوق متوجه عمق فاجعه ای خواهیم شد که توسط رژیم جمهوری اسلامی برای کودکان ایرانی خلق شده است. این رژیم در دوره ای صدها هزار کودک را به میدانهای مین روانه کرد و آنها را قربانی پاکسازی مین در میدانهای جنگ ارتجاعی ایران و عراق نمود، وسیع ترین بودجه را به تحریف افکار و فرهنگ نوجوانان و کودکان اختصاص داد، مدارس و مراکز پرورشی را به دارالخلافه و حوزه علمیه تبدیل نمود و تلاش کرد تا هر آنچه در توان دارد به کار برد و ارتجاعی ترین ایده ها و سنن عقب مانده را در مغزشان... « ۳

سخنان اخیر خاتمی و دیگر زمامداران رژیم جمهوری اسلامی نیز ادامه ی همین استراتژی است و به این دلیل نیز تحت نام "مخالفت با تشکیل دولت کرد" در مخالفت با احتمال هر نوع احقاق حقوق کردها در کردستان عراق، دست به تلاشی جدی و دیپلماتیک زده اند. مخالفت جمهوری اسلامی با کردها نه به خاطر تجزیه طلبی آنها، بلکه آنها کردها را چه در عراق و چه در ایران خودی ندانسته و دشمن قلمداد می کنند و اگر هزار سال دیگر هم کردها بگویند که تجزیه طلب نیستند و تضمین هم بدهند، برای آنان اهمیتی ندارد.

طبیعی است که به رسمیت شناختن حقوق مردم کرد در هر کجا که باشد برای زمامداران رژیم جمهوری اسلامی خطرناک است. کیست نداند که چندالاسلام و دیگر گروههای تروریستی ساخته و پرداخته ی جمهوری اسلامی هستند و توسط ایران مورد پشتیبانی و حمایت قرار می گیرند؛ کیست نداند که احزاب کردی کردستان عراق در امور داخلی ایران دخالت نمی کنند اما ایران حتی برای یک روز هم از دخالت در امور داخلی کردستان عراق باز نایستاده است و همه ی اینها تلاشهای موذیانة ی رژیم اسلامی ایران برای ضربه زدن به جنبش مردم کردستان بوده است.

آری! خاتمی نگران تاسیس دولت مستقل کردی در کردستان عراق نیست، بلکه وی از جنبش انقلابی کردستان ایران به وحشت افتاده است و به همین دلیل نیز وظیفه ی خود می داند که با هرگونه حقی که احتمال دارد برای کردها در عراق به رسمیت شناخته شود مخالفت می کند.

خاتمی اوضاع داخلی را بسیار آشفته می بیند و به خوبی میداند که جنبش انقلابی و حق طلبانه ی کردستان ایران، در تحولات سیاسی آتی ایران نقش موثر و مهمی را ایفا خواهد نمود و مردم کردستان که در طول ۲۴ سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی، تسلیم هیچ یک از خواسته های رژیم نشده اند، در انتظار مجالی برای قیام علیه سیستم حاکم و دستیابی به حقوقشان هستند و ممکن است نمونه ی یک اختیارات محلی در عراق برای کردها، مشوق فزاینده ای برای کردهای ایران نیز باشد.

\*\*\*

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

به کام نابودی کشاند و بدون تردید این بلای اجتماعی نیز زنان را به عنوان قربانیان فرودست هدف قرار داد. در جامعه ی کنونی ایران بحث از دخترانی است که چادرهایشان را سفت دور خود پیچیده و بدون هیچ سرپناهی و در تنهایی در خیابانها و پارکها به خواب فرو رفته اند. هم اکنون دختران زیادی را از ایران قاچاقی به دویی برده و از آنجا آنان را به کشورهای ثروتمند عربی برده و به فروش می رسانند تا مایه هوسرانی و سوء استفاده های جنسی زالوصفتان سرمایه دار را فراهم آورند.

در کشوری که به زنان به چشم کالا نگریسته می شود و مرد حق دارد چندین زن اختیار کند و تعدادی را هم سیغه نماید، در کشوری که دختران در عنفوان کودکی شوهر داده می شوند و کودکان دختر را در توبره و چادر می پیچند و زن رسماً جنس فرودست به حساب می آید، مبرهن است که بنا به این قوانین زنان و دختران انسان محسوب نمی شوند و بسیار هم طبیعی است که این همه بی عدالتی و اجحافات واکنش اعتراضی زنان و دختران را به دنبال خواهد داشت. خودسوزی و خودکشی زنان و دختران، فرار از خانه و مدرسه و اعتراض هر روزه شان به این قوانین نشانه های اعتراض و نارضایتی زنان علیه این قوانین غیر انسانی است.

لازم است خانواده ها و مادران و پدران را نیز مورد خطاب قرار دهیم و از آنان نیز تقاضا کنیم و هشدار دهیم که بار فشار را در خانواده ها روی دختران و زنان کم کنند و به این اعتراض بزرگ دختران، علیه آداب و سنن ارتجاعی و پوسیده، گوش فرا دهند و زندگی جگرگوشه گانشان را به تباهی نکشانند.

کومه له خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در همه عرصه های زندگی اجتماعی و سیاسی و در خانواده است و علیه ظلم و جوری که بر جوانان می رود، مبارزه می کند. به نظر ما زنان و به ویژه نسل جدید دیگر حاضر نیستند این همه بی احترامی و تعدی علیه خویش را تحمل نمایند و جامعه ی ما هم بدون رهایی زنان، نه تنها نمی تواند از رنج و استثمار رهایی یابد، بلکه هر روزه بیشتر در بند و ناتوان خواهد شد.

از همه ی مادران و پدران می خواهیم که به حقوق کودکان دخترشان احترام بگذارند و از تمام زنان و دختران هم تقاضا داریم که متحد و یک صدا برای به دست آوردن حقوق خویش مبارزه کنند. پدیده ی فرار دختران از خانه، بیماری بزرگ جامعه ی کنونی ایران است که تنها با قبول برابری زن و مرد و مبارزه علیه آداب و سنن منسوخ مردسالاری خاتمه می یابد.

\*\*\*

پرورش دهد. اما نتیجه ی این همه اقدامات ارتجاعی روحیه ی عصیانی است که در جوانان و نوجوانان بر علیه نظم موجود بوجود آمده است. رژیم جمهوری اسلامی به خوبی می داند که نسل جوان کنونی و نسل جوانی هم که در راه است، سرسختانه بر علیه این رژیم مبارزه خواهد کرد و همین واقعیت روحیه ی ضدیت با کودکان را در اکثر سران رژیم تقویت نموده است. در اخبار شنیدیم که شهرداری تهران بودجه ی کودکان بی سرپرست پسر و دختر را قطع نموده و مراکز مربوطه را تعطیل کرده است. در شرایطی که بیش از سی هزار کودک خیابانی در تهران وجود دارد چنین اقدامی جز یک عمل آگاهانه ی جنایتکارانه بر علیه کودکان، تفسیر نمی شود. در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی وضعیت حال و آینده ی میلیونها کودک ایرانی در خطر افتاده است و بدون شک این پدیده عواقب زیانبار اجتماعی بسیار بزرگی را به دنبال خواهد داشت و مقصر اصلی آنهاهم رژیم اسلامی و قوانین ارتجاعی آنست.

\*\*\*

## سخنی پیرامون فرار دختران از خانه

### گفتاری از رادیو صدای کومه له

طبق اخباری که از شهرهای مختلف ایران به دست آمده است، فرار دختران از خانه به خاطر ظلم و جوری که بر آنان روا داشته می شود به پدیده ای نگران کننده تبدیل شده است. محبوبه ی عباس قلی زاده، که از حقوق زنان دفاع می کند در این مورد می گوید: "هر روز در شهر تهران ۳۰ دختر از خانه فرار می کنند، البته شمار فراریان از این بیشتر است، ولی همین تعداد شناسایی می شوند". خبرنگار روزنامه ی "گاردین" که برای مدتی در شهر تهران مخفیانه با جوانان گفتگو به عمل آورده است، می نویسد: "از دختری ۲۴ ساله به نام مریم پرسیدم بدترین چیز نزد تو چیست؟ مریم دستی به سوی ماتویش دراز کرد و گفت این ها و بعداً گفت این لباس ها ما را آزار می دهد".

یکی از تبهکارهای بسیار بزرگ جمهوری اسلامی زنده کردن دوباره ی کهن ترین و ارتجاعی ترین قوانین علیه زنان بود. این رژیم فرهنگ ضد زن را در جامعه گسترش داد؛ تا جایی که این فرهنگ حتی به درون خانواده ها نیز سرایت کرد و زندگی دختران و زنان ایرانی را محدود نمود و هر نوع بی احترامی به زنان را به امری عادی تبدیل ساخت.

یکی دیگر از جنایات غیر بخشودنی جمهوری اسلامی گسترش و توسعه ی اعتیاد در جامعه بود که زندگی تعداد بی شماری از جوانان را

## اطلاعیه ی دبیرخانه ی کومه له

### درباره ی اعدام چند نفر زندانی سیاسی

در ادامه ی موج اعدام و کشتارهای اخیر که توسط جمهوری اسلامی صورت گرفته است، چند نفر زندانی سیاسی کُرد که سال ها در زندان به سر برده بودند، در روزهای اخیر اعدام شده اند. ما قبلاً از رادیو صدای کومه له خبر اعدام "حمزه قادری" و "خالد شوقی" و "جلیل زیوه ای" را اعلام کرده بودیم. اما مطابق اطلاعیه ی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران مشخص شده است که هر سه نفر مذکور از مبارزین این حزب بوده و به جز این سه مورد، اطلاعیه ی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران از اعدام "صالح گودرزی" نیز خبر داده است.

ما اعدام وحشیانه ی این چهار نفر مبارز را به خانواده و دوستانشان و به همه ی صفوف حزب دمکرات کردستان ایران تسلیت می گوئیم و یقین داریم که این کشتار وحشیانه تنها نفرت مردم مبارز کردستان را از این رژیم افزایش خواهد داد و بس.

دبیرخانه ی کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۲۵ مهرماه ۱۳۸۱ برابر با ۱۶ اکتبر ۲۰۰۲

## اخبار شهرهای کردستان

### سندج:

"صالح چتانی" از عمال و یکی از بدنام ترین افراد رژیم در منطقه، ۲۵ مهرماه به دست فعالین شهر سندج به سزای اعمال خیانتکارانه ی خویش رسید.

وی از همان ابتدای مبارزه ی انقلابی مردم کردستان، از در همکاری با رژیم درآمد و در جنگ با نیروهای پیشمرگ و خصوصاً نیروهای پیشمرگ کومه له شرکت می جست و در دهها مورد نبرد و جنگ در منطقه ی جنوب کردستان دوش به دوش نیروهای درخیم رژیم فعالیت می کرد. این فرد جنایتکار، در اذیت و آزار مردم این مناطق، کاروانچیان و خانواده های محترم جانباختگان پیشمرگ از هیچ اقدامی فروگذار نمی کرد.

وی از فرماندهان گروههای ضربت منطقه ی سارال، سارقامیش و جانوره بود و مدتی هم در اطلاعات سپاه پاسداران شهر سندج فعالیت داشت. وی هم چنین در عملیات علیه واحدی از پیشمرگان کومه له و شهید کردنشان نقش به سزایی ایفاء کرده بود.

مردم شهر سندج و اطراف کینه و نفرتی عمیق از وی به دل داشتند

و از اذیت و آزارهای مکرر وی به تنگ آمده بودند.

### کرمانشاه:

\* بنا به خبری از کرمانشاه به دستمان رسیده است، پانزدهم مهرماه سال جاری صدهاتن از کشاورزان این منطقه در مقابل ساختمان بانک تعاون، شعبه پاساژ سبز دولت آباد دست به یک گردهمایی اعتراضی زده اند. خبرهای رسیده حاکی است که بانک مذکور به دلیل پرداخت پولهای هنگفتی تحت عنوان وام به تجار و بازرگانهای شهر قادر به باز پرداخت بدهی کشاورزان نبوده و به همین دلیل نیز کشاورزان با برپایی گردهمایی اعتراضی خواستار بازپس گیری بدهی های خویش شده اند.

\* کارگران کارخانه ی نساجی غرب در کرمانشاه برای چندمین بار در مقابل استانداری این شهر تجمع کردند. هشتصد نفر از کارگران کارخانه ی نساجی که سهام آن متعلق به بانک صنعت و معدن است از سال گذشته به دلایل مختلف از جمله نداشتن نقدینگی و رکود بازار خرید پارچه بیکار شدند.

مدیرکل اداره ی کار و امور اجتماعی کرمانشاه در این باره گفته است که در حال حاضر کارگران این کارخانه ۶ ماه است که حقوق نگرفته اند و مطالبات آنها به ۶۰۰ میلیون تومان می رسد. به طور طبیعی هر کارگری که دو تا سه ماه حقوق ریافت نکند حق اعتراض دار و این حق قانونی آنها است. وی یادآوری کرد، عده ای از کارگران به عنوان نماینده به تهران رفته اند و ای اداره ی کار را گرفته ان که به دادگستری کرمانشاه نیز ارسال شده است. در حال حاضر کارگران منتظر پاسخ دادگستری و مسئولان استان هستند. سهام کارخانه نساجی غرب با ۸۰۰ کارگر بیکار متعلق به بانک صنعت و معدن است.

\* بنا به خبری که از کرمانشاه به دستمان رسیده است، در ادامه جنایتهای نیروهای رژیم در حق کسبه و مردم زحمتکش این منطقه، نیروهای انتظامی رژیم، چهارم مهرماه سال جاری، در جاده ی دیزل آباد یک دستگاه ماشین تویوتا را مورد هدف قرار داده اند؛ در نتیجه ی تیراندازی نیروهای رژیم، ماشین مذکور واژگون شده و سه سرنشین آن به نامهای علی، وحید و رضا زخمی شده اند. بنا به این خبر، نیروهای رژیم از داخل ماشین چند کارتون آب جو بیرون آورده اند و به همین دلیل سه فرد مذکور را به زندان دیزل آباد انتقال داده اند.

### مهاباد:

فردی به نام حسین کرمی، که سه ماه پیش همراه خانواده اش از پیرانشهر به مهاباد رفته و در بلوار شهریکندی این شهر اقامت گزیده بود، روز پنج شنبه یازدهم مهرماه جاری هنگام بازگشت به منزل با جنازه ی همسر و کودکانش مواجه می شود که به طرز فجیعی... « ۵

در گرفته بود که در نتیجه این درگیری مسلحانه، ۶ تن از مامورین انتظامی رژیم کشته و یک تن از آنان نیز به شدت زخمی شده است، بنا به آخرین خبری که در این رابطه به دستمان رسیده است، این فرد نیز در اثر شدت جراحات وارده، در بیمارستان جان خود را از دست داده و به این ترتیب شمار کشته شدگان نیروهای انتظامی در جریان این درگیری مسلحانه به ۷ تن رسیده است.

\* بنا به خبری دیگر که از شهر سردشت به دستمان رسیده، روز پانزدهم مهر "همزه قادری" کارمند قبلی بهداری سردشت که از سال ۱۳۷۶ به جرم هواداری از حزب دمکرات، دستگیر شده بود در زندان ارومیه اعدام شده است و روز ۱۶ مهر جنازه نامبرده را تحویل خانواده اش داده اند. بنا به خبری دیگر که از سردشت به دستمان رسیده است، فردی دیگر نیز به نام "جلال زیوه ای" اعدام و جنازه ی وی نیز به همراه جنازه حمزه به خانواده اش تحویل داده شده است. جلال زیوه ای ۳۷ ساله، مجرد و اهل سردشت بود.

ما اعدام این دو نفر را شدیداً محکوم می کنیم و آن را تلاشی در راستای ایجاد خفقان در کردستان می دانیم. صمیمانه به خانواده، دوستان و آشنایان آنان تسلیت م گوئیم و خود را شریک غم و اندوه آنان می دانیم. اعدام ظالمانه ی آنها نیز برگ سیاه دیگری بر دفتر ننگین حکومت اسلامی در ایران افزوده است.

ما این جنایت جمهوری اسلامی را به شدت محکوم می کنیم، در همان حال مطمئنیم که جمهوری اسلامی با این خون ریختن ها نجات پیدا نخواهد کرد، بلکه تمامی این جنایات و گناهها باعث از بین رفتن و نابودی هرچه بیشتر این رژیم خواهد شد.

### نقده:

بنا به خبری که از نقده به دستمان رسیده است، چند روز پیش فردی به نام سعید یونسی به همراه زنی به نام گلی که از سال ۱۳۶۹ در زندان بسر می برده اند، در دو روز متوالی در سه راه محمد یار و میدان شهر نقده سنگسار شده اند. سنگسار انسانها که از جمله احکام ارتجاعی جمهوری اسلامی است، جنایتی بزرگ و عملی غیر انسانی است که هیچ جرمی نمی تواند توجیه کننده و بهانه ای برای اجرای این عمل جنایتکارانه باشد و باید شدیداً محکوم شود. سنگسار انسانها در ملا عام توسط رژیم جمهوری اسلامی در واقع به منظور ایجاد... « ۶

به دار آویخته شده اند. وی با مشاهده ی این وضعیت از مردم محله کمک می طلبد.

تحقیقات نشان داده است که آمنه کریم پور، همسرش، در اثر فشارهای اجتماعی به بیماری جنون آنی مبتلا شده و در این روز بعد از دار زدن بچه هایش به نامهای دل آرا ۶ ساله و دنیا ۴ ساله، خود را نیز حلق آویز کرده است.

### بوکان:

بنا به گزارش رسیده از شهر بوکان، مدتی است که اتحادیه ی تاکسیرانی این شهر، رانندگان تاکسی های شهری را شدیداً تحت فشار قرار داده است مبنی بر اینکه هیچ راننده ای حق داشتن پخش و گوش دادن به ترانه در خودروی خود را ندارند و به همین منظور نیز تاکسیهایی که دستگاه پخش داشته باشند از طرف اتحادیه تاکسیرانی از آنان گرفته می شود.

### کامیاران:

دو ماه پیش زنی به نام شلیر باباصفری ساکن روستای فارس آباد کامیاران در اثر خودسوزی جان خود را از دست داد. وی در اصل اهل روستای "هندیمن" کامیاران بوده است. شلیر باباصفری در بیمارستان گفته است که همسرش معتاد است و وی برای آن که او را از این کار بازدارد، نفت روی خودش ریخته و تهدید کرده است که اگر دست از اعتیاد بر ندارد خود را آتش می زند؛ ولی شوهرش کبریت را روشن کرده و وی را به آتش کشیده است.

مهدی شوهر شلیر باباصفری خود از عوامل اطلاعات کامیاران است و فقط یک هفته در زندان به سر برده و بعداً آزاد شده است. اوایل این هفته یکی از برادران شلیر باباصفری، با ضربات چاقو مهدی را از پای درآورده و خود متواری شده است.

لازم به ذکر است که مهدی فرزند حاج فارس از اهالی روستای فارس آباد کامیاران و یکی از مهره های اطلاعات در این منطقه است، خانواده ی حاج فارس از خانواده های منقرض می باشند و در مسلح نمودن اجباری اهالی روستای فارس آباد دست داشته اند.

### سردشت:

\* بنا به گزارشهای رسیده، روز سه شنبه بیستم مهرماه جاری درگیری شدیدی میان نیروهای رژیم و کاروانچیان در منطقه سردشت

**به صفوف نیروی پیشمرگ کومه له پیوندید**



سرکوبگر رژیم در بازار این شهر به گشت زنی می پردازند و از روشن کردن و گوش دادن به نوارهای کاست ترانه در مغازه ها به شدت جلوگیری می کنند. گزارش رسیده حاکی است که مامورین رژیم با مراجعه به مغازه هایی که به اینگونه کاست ها گوش می دهند برای بار اول به مغازه دارها تذکر می دهند که حق گوش دادن به اینگونه کاستها را ندارند و در صورت تخلف برای بار دوم مغازه دارها جریمه می شوند و برای بار سوم پروانه کسب اینگونه مغازه ها از آنان پس گرفته می شود.

### اسلامشهر:

پنج کارگر در اسلامشهر به دلیل انفجار ناشی از نشت گاز که بر اثر حفاری صورت گرفته بود، در آتش سوختند. عملیات حفاری روز چهارشنبه در خیابان شهرک انبیا، اسلامشهر، توسط شرکت مخابرات این شهر انجام شد. هنگامی که راننده بیبل مکانیکی اداره مخابرات اسلامشهر مشغول حفاری خیابان بود، به علت اصابت دهانه بیبل مکانیکی، لوله گاز ترکید و نفوذ آن به داخل کارگاه تولیدی روکش صندلی باعث انفجار شدید شد. در این حادثه که با توجه به ناهماهنگی ادارات این شهرستان به وقوع پیوست، حریق عظیمی ایجاد و به دلیل وجود مواد شیمیایی در داخل کارگاه، دو واحد تجاری بافندگی و نانوایی تخریب شد.

### اصفهان:

بنا به گزارش خبرگزاریهای رسمی، دو تن دیگر از زندانیان سیاسی ایران اعدام شدند. محمد رضا سعیدی ۳۶ ساله پدر دو فرزند و همچنین محمد صدیق ارغاب ۴۰ ساله پس از سپری کردن ۵ سال حبس، صبح روز یکشنبه در زندان شهربانی اصفهان اعدام شدند. مراسم تشییع جنازه و دفن جسد محمد رضا سعیدی با حضور جمع کثیری از مردم برگزار شد و شرکت کنندگان در تشییع جنازه محمد رضا سعیدی به سردادن شعارهایی در مخالفت با رژیم پرداختند. اعدام دو تن دیگر از زندانیان سیاسی در اصفهان، در ادامه اعدام سه زندانی سیاسی در ارومیه بود و کاملاً واضح است که کشتن و از بین بردن زندانیان سیاسی به بخشی از سیاست کنونی رژیم جهت ایجاد رعب و وحشت در میان مردم تبدیل شده است.

### بهشهر:

بنا به گزارش خبرگزاریها برای چندمین بار کارگران چیت سازی بهشهر طی ماههای اخیر در اعتراض به وضعیت نابسامان و عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود در محل این کارخانه تجمع اعتراض آمیز برپا نمودند و خواستار حضور سهامدار اصلی در محل کارخانه شدند. بنا به همین گزارش، صاحب کارخانه در جمع کارگران حاضر شد اما چون ... « ۷

رعب و وحشت در میان مردم انجام می گیرد و بخشی از سیاستی است که در این مدت رژیم در پیش گرفته و میخواهد از این طریق به عادی سازی اجرای اینگونه احکام جنایتکارانه در ملاء عام مبادرت ورزد و وجدان انسانی و تمدن را به مبارزه بطلبد و تحقیر نماید.

## اخبار دیگر مناطق ایران

### تهران:

\* بنا به گزارشات و اخبار پخش شده از رسانه ها، باندهای قاچاق، بسیاری از کودکان خیابانی را برای تخلیه اعضا به ترکیه می برند. احمد صفاری مدیر موسسه غیر دولتی "آرمان سبز" و مسئول سابق مراکز ساماندهی کودکان خیابانی در شهرداری تهران در گفتگو با خبرنگار ایرنا، با تاسف بار خواندن وضعیت کودکان خیابانی در ایران گفت که کودکان خیابانی با مرگ تدریجی در حال نابود شدن هستند و هیچکس نگران آنها نیست. وی افزود که برخی از این کودکان در کنار خیابان می میرند و هیچ کس از سرنوشت آنها اطلاع ندارد بطوری که با پیگیری هایی که سازمان پزشکی قانونی به عمل آورده است، حتی نتوانسته است از وضعیت جسد کودکانی که در خیابان فوت کرده اند، اطلاعی درست بدست آورد. مدیر موسسه آرمان سبز با اشاره به وجود باندهای قاچاق کودکان در ایران، گفت که باندهای قاچاق، بسیاری از کودکان خیابانی را دزدیده و برای تخلیه و فروش اعضای آنها، به ترکیه می برند. مدیر موسسه غیر دولتی آرمان سبز، همچنین گفت که ادعای "ملک مدنی" شهردار تهران در خصوص یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان هزینه ۴۵ کودک خیابان دروغ محض است.

\* بنا به گزارش روزنامه ی همبستگی، ۳۵ هزار کودک خیابانی در سطح شهر تهران سرگردانند که هر لحظه ممکن است دچار آسیب های جدی روحی و فیزیکی شوند. این آمار در همایش "چشم اندازی بر آموزش و پرورش کودکان در ایران" اعلام شد. طبق آمار غیر رسمی، یک میلیون و دویست هزار کودک خیابانی در سطح کشور پراکنده هستند و ۴۲۰ هزار کارگر زیر ۱۵ سال در سطح کشور در کارگاه ها کار می کنند.

آمار تکان دهنده ی آوارگی یک میلیون و دویست هزار کودک در خیابان های شهرهای ایران، عمق بحران اجتماعی و فساد این رژیم را نشان می دهد.

### تبریز:

بنا به گزارشی که از تبریز به دستمان رسیده، مدتی است که نیروهای

ادامه ی خبر بهشهر

حقوق و مزایا اظهار عجز نمود، کارگران معترض سهامدار اصلی کارخانه را در اطاق بازداشت و خواستار حل مشکل خود شدند. کارگران معتقدند که این شیوه، اعتراضی است که می خواهیم به گوش مسئولین برسانیم. چیت سازی بهشهر که یکی از بزرگترین کارخانه های نساجی ایران به شمار می رفت، زمانی با ۳۰۰۰ کارگر روزانه ۱۲۰ هزار متر پارچه تولید می نمود که از سال ۷۳ در پی واگذاری به بخش خصوصی و سوء مدیریت، ۱۸۰۰ کارگر آن بلا تکلیف و سرگردان شده اند.

## اهواز:

تعدادی از کارگران لوله سازی اهواز برای چندمین بار در سال جاری در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، هفدهم مهرماه جاری در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. عده ای از کارگران معترض با توجه به پرداخت نشدن حقوقشان از اردیبهشت تاکنون، مسایل و مشکلات خود را تشریح کردند.

یکی از کارگران در این رابطه گفت که در تاریخ ۸۱/۷/۲ فرماندار وعده داد تا حقوق دو ماه کارگران ظرف یک هفته پرداخت شود و وضعیت کارخانه در مدت ۱۵ روز مشخص گردد که متاسفانه تاکنون هیچ نتیجه ای حاصل نشده است. وی افزود: فرماندار از ما خواست تا خود را به کمیته امداد معرفی کنیم تا از کمک های آن استفاده نماییم. یکی دیگر از کارگران ناتوانی مالی برای فرستادن فرزندانشان به مدرسه، درمان اعضای بیمار خانواده، تعویق اقساط بانکی و کرایه ی خانه را از عمده مشکلات کارگران برشمرد و گفت که حقوق فروردین ماه کارگران در چهار قسط پرداخت شده که آخرین آن ۱۶ مهرماه بوده و از آن تاریخ به بعد هیچ دریافتی نداشته ایم.

قابل ذکر است که شرکت لوله سازی اهواز از سال ۷۶ با مشکلات عدیده ی مالی روبرو بوده و طی پنج سال گذشت چندین بار کارگران این شرکت در اعتراض به وضعیت مالی و معیشتی خود اقدام به تجمع در مقابل استانداری خوزستان کرده اند.

\*\*\*

بین مردم زیادتر می شود. خشونت، خفقان و کشتار تنها راه چاره ای است که رژیم اسلامی برای نجات عمر خویش دویاره به آن پناه برده است و دویاره همچنان که می دانید موجی از ترور و اعدام را در سراسر ایران و کردستان طی روزها و ماههای اخیر به راه انداخته است که این ها نیز نشانه ای از ترس و وحشت و بالطبع شکست آنهاست.

رفقا! نیرویی که شما به آن پیوسته اید، نیرویی ناآشنا برای توده های مردم کردستان نیست، این نیرو، نیرویی محبوب و دارای تاریخی سرشار از سروری و از من انقلابی است که باید این تجارب و از من ها را به مشابه ی منبعی غنی نگریست و از آنها درس فداکاری و ایثار آموخت.

توده های مردم کردستان برای از بین بردن ستم ملی و پاک نمودن تمام آثار و زوایای آن، برای به دست آوردن تمام حقوق روا و عادلانه ی خویش و تا رسیدن به کلیه ی حقوقشان در کردستان یک لحظه از فعالیت باز نخواهند ایستاد و تا زمانی که دشمنان مردم کردستان با زور سرنیزه و اسلحه به خواسته های مردم جواب دهند، مردم کردستان و نیروی پیشمرگ کومه له اسلحه هایشان را بر زمین نخواهند گذاشت و از فعالیت بازمی مانند. مردم انقلابی کردستان، روشنفکران آزادیخواه، زنان ستمدیده و جوانان و مبارزین!

جای خود دارد که همگی به شیوه های متفاوت از کومه له پشتیبانی و حمایت کنید و به صفوف آن بپیوندید، تنها تقویت کومه له می تواند مردم کردستان را به آرمان ها و آرزوهایشان برساند و کومه له نیز متکی به کمک شماست.

در پایان از تمام کسانی که به شیوه های مختلف ما را در پیشبرد کارها یاری داده اند، تشکر و قدردانی می کنم و یک بار دیگر به این رفقا به مناسبت پیوستنشان به صفوف کومه له تبریک می گویم.

\*\*\*

**ساعات پخش**  
**رادیو مهنکی کومه له**

روز	ساعت
شب	ساعت ۸/۵
صبح	ساعت ۷

**بر روی سه طول موج کوتاه ردیف های:**

۴۹ متر برابر با ۶۸۱۰ کیلوهرتز  
۶۵ متر برابر با ۴۶۱۵ کیلوهرتز  
۷۵ متر برابر با ۳۹۴۰ کیلوهرتز

بدین وسیله از خوانندگان محترم خبرنامه به خاطر وقته ای که به علت مشکلات فنی در انتشار خبرنامه بوجود آوردن بـوزش می طلبیم.

# Khabar Nameh

(Komala Newsletter)

Friday  
18/10/2002  
No. 85



## گروهی دیگر از جوانان انقلابی به صفوف پیشمرگ کومه له پیوستند

روز جمعه ۲۶ مهرماه طی مراسمی در اردوگاه مرکزی کومه له، گروهی دیگر از جوانان انقلابی متشکل از دختران و پسران به نام "پل رفقای جانباخته عثمان کیانی و عثمان فرمان" رسماً به صفوف نیروی پیشمرگ کومه له پیوستند.

مراسم با سرود "کومه له ی زحمتکشان" آغاز گشت، پس از آن به یاد همه ی جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و جنبش انقلابی کردستان یک دقیقه سکوت برقرار شد؛ به دنبال رفیق عبدالله آذربار مسئول آموزشگاه سیاسی- نظامی کومه له بدین مناسبت سخنانی ایراد کردند، رفقای تازه پیشمرگ اسلحه و کارت هایشان را رسماً از دست یکی از مسئولین آموزشگاه تحویل گرفتند و سرودی را اجرا نمودند. پس از آن یکی از رفقا تازه پیشمرگ به مناسبت پیوستنشان به صفوف نیروی پیشمرگ کومه له پیامی را قرائت کردند. رفقای که در پذیرش کومه له منتظر شروع دوره ی آموزش سیاسی- نظامی هستند، نیز پیام تبریکی فرستادند که توسط یکی از همین رفقا خوانده شد. مراسم با پذیرایی از مهمانان و هم چنین رقص و پایکوبی در میان شادی و شغف فراوان شرکت کنندگان به پایان رسید.

آن چه که اینک می خوانید قسمت هایی از سخنان رفیق عبدالله آذربار

در این مراسم است:

حاضر محترم، مهمانان عزیز و رفقای پیشمرگ!

همچنان که ملاحظه می فرمائید امروز آموزشگاه سیاسی- نظامی کومه له یازدهمین دوره ی خود را با موفقیت به پایان رسانید؛ بدین مناسبت از طرف خود و سایر رفقای پیشمرگ از ته دل به ایشان تبریک می گویم و امید آن دارم که در تمام شئون زندگی موفق باشند. این رفقا در حالی به صفوف ما می پیوندند که منطقه در حال تغییر و تحولی اساسی قرار دارد و این تحولات بی شک تاثیرات خود را روی ایران و کردستان نیز خواهد گذاشت و جای خود دارد که ما نیز به این تغییرات توجه ویژه ای مبذول داریم. مردم ایران و کردستان نیز از زیر تاثیرات مخرب چندین ساله ی این رژیم بیرون آمده و امید به پیروزی هر روز در...  
ص ۷

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) کمیته ی مرکزی کومه له

[Komala1348@hotmail.com](mailto:Komala1348@hotmail.com)

با رادیو کومه له- صدای کومه له همکاری کنید:

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) رادیو کومه له:

[Komala\\_radio@hotmail.com](mailto:Komala_radio@hotmail.com)

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:

Postfach 800272  
51002 Köln  
Germany

شماره تلفن نمایندگی کومه له  
در شهر سلیمانیه، کردستان عراق:

۳۱۲۴۷۱۱

اخبار و گزارشات خود را با این شماره  
فاکس برای رادیو کومه له ارسال  
دارید

Fax:  
001-5617605814

## زنده باد سوسیالیسم



## جنگ بر سر منافع ملی یا قدرت گیری جناحی

سیامک حیدری

این روزها جنگ جناحی در ایران وارد مرحله ی تازه ای شده است، طرح دو لایحه ای که ریاست جمهوری به مجلس ارسال داشته است، بحث های فراوانی را در ایران و محافل بین المللی دامن زده، نگاهها را به سوی این مساله معطوف داشته است و هم چنین تحلیل گران و نظریه پردازان را به خود مشغول کرده است. طرح لوایح "تبیین اختیارات ریاست جمهوری" و "اصلاح موادی از قانون انتخابات"، جامعه ی ایران و هم چنین جنگ جناح ها را از يك طرف و توده های مردم را از طرف دیگر وارد مرحله ای دیگر کرده است. این نبردی دیگر است که صف آزایی جناح های مختلف در عرصه ی سیاسی ایران را به نمایش می گذارد.

در این جا سعی می کنم که ضمن اشاره به این لوایح، نشان دهم که چه علل و عواملی باعث شد که خاتمی و اصلاح طلبان دولتی یکبارہ از لاک دفاعی شش ساله بیرون بیایند، به فکر این لوایح بیفتند و این که آیا اصولاً طرح این لوایح حلال مشکلات ...

### در این شماره می خوانید

- اخبار شهرهای کردستان
- بازهم درباره ی سرکوب رژیم در کردستان

## موضع گیری ریاکارانه ی فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس شورای اسلامی ع. پشتیوان

اخیراً نمایندگان دولت جمهوری اسلامی در مجلس، تحت نام فراکسیون نمایندگان کرد نامه ای بی سابقه و هشدار دهنده به رئیس اتحادیه ی اروپا نوشته اند. در این نامه نکات فریبکارانه و درعین حال مودبانه ای در رابطه با جنبش کردستان، بیشتر از هر زمان دیگری به وضوح مشاهده می شود. نامه ی فراکسیون نمایندگان کرد که يك ارگان ساخته و پرداخته ی جمهوری اسلامی است از يك طرف به اتحادیه ی اروپا هشدار می دهد که ترکیه را به این اتحادیه راه ندهند و به پامال نمودن حقوق کردها در ترکیه اعتراض نمایند؛ اما از سوی دیگر در مورد امکان استقلال کردها در کردستان عراق هشدار می دهند و از عواقب زیانبار آن می گویند، ولی ذره ای به توضیقاتی که علیه مردم کردستان ایران روا داشته می شود اشاره ای نمی نمایند. فراکسیون کردهای نماینده ی مجلس شورای اسلامی در این نامه اهداف خاصی را تعقیب می کنند که می توان به مهمترین آنها در ذیل اشاره نمود.

اولاً: مدتهاست که شگرد این فراکسیون این است که خود را مدافع حقوق کردهای ترکیه و عراق نشان دهند، آن هم به این منظور تا دست جمهوری اسلامی را در کردستان عراق باز نمایند و در تحولات سیاسی آتی عراق بتوانند از کارت کردستان در راستای منافع خود استفاده نمایند. در مورد کردهای ترکیه نیز آنان در نظر دارند تا به هر نحوی از ورود ترکیه به اتحادیه ی اروپا به دلیل رقابت های منطقه ای، جلوگیری به عمل آورند و همگان می دانند که یکی از شروط اروپائیان برای ورود ترکیه به این اتحادیه، رفع ستم از کردهاست. پس...

« ۲

## زنده باد سوسیالیسم

ادامه ی موضع گیری ریاکارانه ی فراکسیون...

نمایندگان کرد مجلس نه به خاطر تعلق خاطر به حقوق مردم کردستان و رفع ستم ملی از آنها، بلکه در راستای اختلافات و تضادهای منطقه ای ایران و ترکیه است که مساله ی کردهای ترکیه را مورد بحث قرار می دهند.

ثانیاً: همانطور که نامه ی نمایندگان مجلس جمهوری اسلامی از کردستان نشان می دهد، آنها نیز بعد از خاتمی و دیگر سران رژیم نوای یکپارچگی عراق را سر داده و بدون اینکه مساله ی يك کشور مستقل کرد در مخیله ی مردم کردستان عراق و احزاب سیاسی آن موجود باشد، به مخالفت با استقلال کردستان عراق می پردازند و در مورد شرایط کنونی در کردستان عراق هشدار می دهند. کاملاً روشن است که وحشت پراکنی در مورد تجزیه ی عراق و ایجاد يك کشور مستقل کرد، وسیله ای است برای مخالفت با خواست های مردم کردستان عراق و حقوق احتمالی ای که شاید آنها بتوانند در تحولات آتی، کسب نمایند.

ثالثاً: این همه جاروجنجال در مورد کردهای عراق و ترکیه به هیچ وجه با سکوت رژیم لانه شان در مورد سرکوب مردم کردستان ایران از جانب رژیم اسلامی، خوانایی ندارد. چگونه می توان خود را نماینده ی مردم کردستان ایران نامید ولی اسلام پناه و جمهوری اسلامی خواه بود و درباره ی حقوق ملی این مردم لب از لب نگشایند؟ چگونه می توان مساله ی ملی در کردستان را به مساله ی شیعه و سنی تقلیل داد و این چنین موزیانه آن را تحریف نمود؟ آیا این جنابان نمی دانند که مردم کردستان ایران دستشان را به خوبی خوانده اند و مردم دیگر بخش های کردستان در عراق و ترکیه نیز به ریش آنها می خندند؟ مسلم است که مردم کردستان حکومت های مرکزی را می شناسند و ظلم و ستم آنها را با رگ و پوست شان دهها سال است تجربه کرده اند و خوب می دانند اگر کسی همکار دشمنان مردمشان باشد قطعاً نمی تواند دلسوز مردم کرد و مساله ی کردها در بخش دیگری از کردستان باشد.

این نوع فریب کاریها و مودی گریهای سیاسی در شرایطی که جنبش انقلابی در کردستان ایران وارد دور جدیدی از پیشروی شده و همبستگی مردم کردستان در دیگر بخش ها برای احقاق حقوق خود افزایش یافته است، تنها مایه ی رسوایی و شرمساری این جنابان را فراهم خواهد آورد. بنا به ضرب المثل فارسی دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس را، شما جنابان برای تثبیت پایه های جمهوری اسلامی در کردستان می کوشید، چگونه مردم باور می کنند که مدافع حقوق آنان در دیگر بخش های کردستان باشید؟ نه دیگر این شگردها کهنه شده و تنها کند ذهنی این جنابان و دشمنی شان با مردم کردستان و جنبش آزادی خواهانه ی این مردم را نشان می دهد.

\*\*\*

ادامه چنگ بر سر منافع ملی یا ...

کدام قشر و گروهی خواهد بود؟

یکی از این مواردی که به بحث روز محافل سیاسی تبدیل شده است نظارت استصوابی است که خود بیانگر قدرت شورای نگهبان است. چند روز پیش طراح نظارت استصوابی که خود رئیس مجلس خبرگان رهبری طی نامه ای به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نظارت استصوابی را اهانت به مردم و قیم شدن برای آنها خواند و این طرح را رد کرد! مجلس به زودی در مورد سرنوشت این لایحه ها تصمیم گیری می کند.

اصلاح طلبان پس از نزدیک به دو دوره زمامداری و عقب نشینی های ممتد در برابر محافظه کاران، وقتی به خود آمدند که همه چیزشان را از دست رفته می دیدند، دریافتند که دوران سازش های پشت پرده دیگر دورانش به سر آمده است؛ واقعیت این است که خاتمی در اثر زرد بندهای سیانتی با محافظه کاران و امتیازات بی شماری که به آنان واگذار کرده است، به میزان زیادی محبوبیت خویش و هم چنین اعتماد مردم را نسبت به خود را از دست داده است و این بحران مشروعیت نه تنها خاتمی که تمام جبهه ی اصلاحات دولتی را دربر گرفته است. خاتمی تا آنجا پیش رفت که پایه ای ترین شعارهای انتخاباتی را به فراموشی سپرد.

این روزها وی ابداً از توسعه ی سیاسی سخن به میان نمی آورد. اقتدارگرایان که به خوبی به این ضعف جریان مقابل واقف بودند تا آنجا که توانستند بر فشار خود علیه آنان افزودند، نیت اصلی آنها از يك طرف تضعیف هر چه بیشتر حریف و از طرف دیگر دامن زدن به یاس و ناامیدی در میان مردم بوده است؛ در اثر سازش های خاتمی با سران بلند پایه ی اقتدارگرا، کنار آمدن با آنان و در مواردی همسویی با حریف، بی اعتنایی به خواسته های رفاهی مردم، اهمیت ندادن به مسایل و معضلات روزمره ی جوانان، که دو سوم جمعیت ۷۰ میلیونی ایران را تشکیل می دهند، از یاد بردن شعارهای فریبنده ی انتخاباتی، جوابگو نبودن به خواست های اساسی مردم و پنهان کردن مسایل مهم ایران از چشم آنان، دیگر جایی برای خاتمی باقی نگذاشته است. اینک خاتمی که خود را بر سر دوراهی انتخاب می بیند باید هم دست به کار شود؛ یا باید قدرت را از آن خود کند و یا ...

۳»

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

ادامه ی جنگ بر سر منافع ملی یا ...

لباس کهنه ی بازار شود، برای مقابله با محافظه کاران وی هم می خواهد توازن قوا را حفظ کند یعنی با تصویب این لوایح بر اختیارش بیفزاید، در غیر این صورت باید همان "کدخدای" چند سال پیش باشد و به ناچار دست به اقداماتی زد. خاتمی از يك سو سعی دارد اعتماد از دست رفته را دوباره به دست بیاورد و از آن در جهت منافع جناحی بهره برداری کند و از سوی دیگر بار دیگر حریف قدرتمند خود را محک بزند و در صدد گرفتن امتیاز از آنان باشد. اصلاح طلبان می خواهند قبل از این که بیشتر از این ها هم تضعیف شوند فکری به حال خود بکنند و درمقابل نیز محافظه کاران که اهرم های قدرت مالی را در دست دارند، با تمام وجود مقاومت می کنند و می خواهند که زمان را به عقب و دهه های شصت برگردانند.

از یاد نبریم که اصلاحات حتی بدون اصلاح طلبان حکومتی و در بطن جامعه ی ایران در جریان است. اصلاحات روندی است که بدون اصلاح طلبان دولتی و جدا از آنها به پیش می رود، آنان از اصلاحات عمیقی که در جامعه می گذرد بریده اند و سخت به منافع جناحی و محفلی چسبیده اند.

اصلاح طلبان ریاکارانه در رسانه هایشان ابراز می دارند که این لوایح در جهت آزادی های مردم ایران به کار می رود و گویا اگر ریاست جمهوری بتواند این اختیارات را به چنگ آورد از آن در جهت بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور بهره می گیرد. به نظر من ریاست جمهوری با همین اختیارات هم می توانست بیشتر از این ها برای مردم کار کند؛ اتحادیه ی اروپا و کشورهای غربی که این روزها به دنبال رابطه با جمهوری اسلامی هستند از درکش عاجزند و آن را نادیده می انگارند این است که آنها خاتمی را از کل نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه جدا می دانند ولی خاتمی با توجه به نوع تفکرش که از چارچوب ولایت فقیه گذر نمی کند نمی تواند، حتی با اختیارات بیشتر، کاری برای نجات ایران از بحران کنونی انجام دهد زیرا هر حرکت توده ای و هر رفرمی کل نظام را زیر سوال می برد. نظام بر پایه ی ایدئولوژیک اسلام سیاسی بنا نهاده شده است. اما این جنگ قدرت بین جناحین و بده بستان های درون حکومتی و تلاش برای جلب توجه مجامع بین المللی غرب و خصوصاً کشورهای اروپایی است. اکنون برای طرفین بسیار مهم است که کشورهای

دیگر بیشتر روی کدام يك از آنها حساب باز کنند و مشروعیت بدهند.

جناح اصلاح طلب سعی دارد با این کارها تا حدودی نهادهای حقوق بشر را هم از خود راضی نگهدارد. معضل کنونی جمهوری اسلامی بزرگتر از این ها و معضلی ایدئولوژیک است. خاتمی قبل از پرداختن به هر کاری باید به این مهم جواب دهد که حتی با به دست آوردن این اختیارات چطور در چارچوب ولایت فقیه، که خود سخت به آن پایبند است، این تناقض را حل خواهد کرد؟ التزام به ولایت فقیه و رهبری ریسمانی است که پای هر نوع اصلاحات و گذر از نظام را خواهد بست. خاتمی هم چنان که گفتم همیشه مصالح نظام و حفظ آن را بر مصالح مردم ترجیح داده است؛ استراتژی کنونی خاتمی در شرایط کنونی ممانعت از حضور مردم در صحنه ی سیاسی ایران است. به رویدادهای داخلی این شش سال اخیر توجه کنید تا این نکته را دریابید. کارنامه ی خاتمی آنقدر ضعیف است که حتی خود اصلاح طلبان و یاران وی هم از دفاع از آن اکراه دارند، خواه در زمینه ی حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی و خواه در زمینه ی سیاست گذاری خارجی. این لوایح چه به تصویب شورای نگهبان برسد و چه مثل دیگر لوایح مجلس شورای اسلامی به دست شورای نگهبان وتو شود، به جنگ قدرت و درگیری بیشتر میان جناح های متفاوت رژیم می افزاید و در ضمن مبارزات مردم هم که اکنون دیگر از وعده های توخالی سرگشته و عاصی و از کل نظام رویگردان شده اند، در مسیر جدیدی گام خواهد نهاد، خاتمی با طرح این لوایح دیگر راه برگشتی به عقب ندارد و راهی را که پیموده باید تا به آخر طی کند. خاتمی نمی تواند به مصدق ایران تبدیل شود ولی وی شاید به محمد علی شاه بیشتر شباهت پیدا کند.

شورای نگهبان به مثابه ی یکی از غیر دمکراتیک ترین نهادها در طول تاریخ ایران که مرتجع ترین و متعصب ترین آخوندها را در خود گرد آورده است، همواره برای به عنوان سدی در برابر خواست های مردم ایران و منافع آنان ایستادگی کرده و تحت نام "مغایرت با اصول اسلامی" و "مخل امنیت ملی" بر هر چه که با خواست و منفعت آنان در تقابل باشد خط بطلان کشیده اند. این شورا اکنون تامين کننده ی منافع محفلی از ملایان در ایران است و خودشان و فرزندانشان دارایی های نجومی اندوخته اند. وجود شورای نگهبان عملاً انتخابات در ایران را به انتخابات دو مرحله ای تبدیل نموده است. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شورای نگهبان جایگاه تفسیر قانون اساسی است. اما تجربه نشان داده است که این تفسیر به شدت تحت تاثیر روابط جناحی و محفلی قرار داشته و تقریباً همیشه نیات سیاسی... «۴»

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد

را به خانواده اش تحویل ندادند و این امر موجب نارضایتی و اعتراض شدید خانواده ی اش گشت. ما مرگ وی را به خانواده ی ایشان و همه ی دوستانش تسلیت می گوئیم و خود را در غم و آنها شریک می دانیم.

\* بنا به خبری که از شهر سقز به دستمان رسیده فردی به نام فرهاد رمضان زاده معروف به "بابی" روز پنج شنبه ی گذشته یعنی بیست و پنجم مهر ماه در اثر تزریق مواد مخدر جان باخته است. ما مرگ فرهاد را به خانواده و دوستانش تسلیت می گوئیم و در همان حال بار دیگر در مورد مبارزه با مواد مخدر هشدار می دهیم و از همه مردم درخواست می کنیم که مبارزه با این بلای خانمان سوز را جدی بگیرند.

### بوکان:

\* بنا به خبری که از بوکان به دستمان رسیده است، بیست و سوم مهرماه جاری راس ساعت هشت شب، جلسه ای با حضور فرماندار بوکان و نماینده اش، شورای شهر، مسئولان انتظامی و نظامی و همچنین جمعی از مسئولان ادارات در مورد وام بیکاری در نظر گرفته شده برای شهرستان بوکان و همچنین امور بهداشتی حومه ی شهر و روستاهای حومه برگزار گردید. قابل ذکر است که وام بیکاری در نظر گرفته شده به جای پرداخت به بیکاران این شهر به بسیجیان و نیروهای اطلاعات و عوامل رژیم پرداخت شده است و بیکاران بوکان همچنان سرگردانند. جلسه مذکور در مورد مسائل بهداشتی هم به نتیجه نرسید و حاشیه شهر بوکان همچنان آلوده غیر بهداشتی است و اقدامی به عمل نیامده است. گزارش رسیده حاکی است که جلسه مذکور سرانجام پس از چند ساعت بحث و گفتگو با اخراج مسئولان اداره کار و آب و فاضلاب بوکان خاتمه یافته است.

\* بنا به خبر دیگری از بوکان، اخیراً وزارت کشاورزی اعلام نموده است که به دلیل خشکسالی های مکرر چند سال اخیر با پرداخت وام خشکسالی و تحویل گندم و کود به کشاورزان، آنان را یاری می نمایند؛ اما برای گرفتن وام خشکسالی مورد ادعای جهاد کشاورزی اولاً باید متقاضیان هفت خان رستم را طی نمایند و ثانیاً این وام با سودی پرداخت می گردد که قابل مقایسه با بازار آزاد و هم پای آن است. از سوی دیگر تحویل گندم به کشاورزان در ازای هر کیلو ۳۵ تومان گرانتر و به تبع تحویل کود گرانتر از بازار است و وجود بوروکراسیهای متعدد اداری و پارتی بازیهای بی شمار موجب اذیت و آزار کشاورزان می گردد و در این میان کشاورزانی که لب به اعتراض بگشایند وام خشکسالی به آنها پرداخت نخواهد شد. با توجه به کشاورزی خوب و پردرآمد بوکان، اما در این شهر هنوز سیلوثی جهت انبار غلات وجود ندارد و کشاورزان این منطقه برای تحویل گندم باید هزینه های گزافی جهت حمل و نقل محصولات خود بپردازند.

\* رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست... «۵»

ادامه ی جنگ بر سر منافع ملی یا...

در پشت این تفسیرها نهفته بوده است. همیشه کاندیداهای انتخاباتی قربانی این شورا شده و بعضی ها هیچ گاه نتوانسته اند از صافی آن عبور نمایند. در دوره ی پیش از ۲۳۸ نفر نامزد انتخاب ریاست جمهوری ۲۳۴ نفر فاقد صلاحیت تشخیص داده شدند. شورای نگهبان زیر نظر رهبری اداره می شود و نهادی انتصابی است. رهبر نشان داده است که وی هیچ تجاوزی به حریم خویش را بر نمی تابد و از هم اکنون باید منتظر واکنش وی هم بود.

مردم ایران حق دارند که سرنوشت خود را خود تعیین نمایند و همین کار را هم خواهند کرد. بگذار دولتیان به جنگ قدرت ادامه دهند؛ مردم راه خود را از آنها جدا کرده اند، مرد ایران از این "دیکتاتوران هولناک مذهبی" خسته شده اند و خواهان جامعه ای آزاد و دمکراتیک که حقوق مدنی شان و هم چنین آزادی و رفاه داشته باشند، مردم ایران شایسته ی چنین حکومتی هستند و شرط رهایی از چنگ دیو استبداد مذهبی ملایان وارد شدن به این عرصه از مبارزه و پروراندن این طرز تفکر است. خاتمی ناخدایی است که فقط برای نجات کشتی طوفان زده ی جمهوری اسلامی وارد میدان شده است.

\*\*\*

## اخبار شهرهای کردستان

### سقز:

\* بنا به خبر دیگری از شهر سقز، حدود چند روز پیش یعنی در تاریخ بیست و چهارم مهرماه کارگری به نام محمد صالحیان در حال کندن چاه و در اثر تخریب آن زیر آوار افتاده و با جانش را از دست داده است. این کارگر بیمه بوده، اما اداره ی بیمه از پرداخت حق بیمه ی وی به خانواده اش خودداری می کند، به این بهانه که در قرارداد بیمه از کندن چاه صحبت نشده است. این برخورد اداره ی بیمه نشان می دهد که این اداره تا چه اندازه فاسد و ضد کارگری است. ما مرگ محمد صالحیان را به خانواده اش و همه ی کارگران سقز تسلیت می گوئیم و خود را در غم و اندوه آنان شریک می دانیم و از همه ی کارگران و مردم شریف شهر سقز درخواست می کنیم که برای کسب حقوق بیمه ی وی، اداره ی بیمه را تحت فشار قرار دهند.

\* بنا به خبر دیگری شهر سقز، روز جمعه ۲۶ مهرماه حوالی ساعت چهار بعد از ظهر فردی به نام اهون عبدالهی در اثر تصادف موتور سیکلت جان خود را از دست داد. از ساعت چهار بعد از ظهر تا ساعت

از مرکز استان دریافت نمایند.

ما ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه ی نیروهای رژیم، به خانواده و آشنایانشان تسلیت می گوئیم و خود را شریک غم و اندوه ایشان می دانیم.

\*\*\*

### ادامه ی بازهم درباره ی سرکوب رژیم در کردستان

صالح چتانی را پذیرفته است. این در حالی است که رادیوی کومه له تنها خبر کشتن وی را دریافت نموده و پخش کرده است.

این نوع تبلیغات و دروغ پراکنی رسانه ها و مقامات رژیم نیز در راستای همان اهداف تشدید سرکوب در کردستان است، این در حالی است که مدتی پیش در مریوان و بانه دو جوان مبارز را تنها به جرم مخالفت با رژیم، ربوده و به شیوه های وحشیانه ای ترور کرده اند. و اکنون نیز صدها زندانی سیاسی در زندان های اطلاعات و رژیم شکنجه می شوند. این روند به کار عادی و معمول ارگان های سرکوب گر در کردستان تبدیل شده است، از کوچکترین فرصت برای سرکوب، تهدید و ارباب مردم استفاده می نمایند. ما قبلاً نیز از طریق رادیو کومه له پرده از این سیاست های رژیم برداشته و هدف این نوع تبلیغات و عملکردهای رژیم را افشا نموده ایم.

واقعیت این است که کردستان هم مثل همه ی ایران پروسه ی تغییرات سیاسی جدی ای را از سر می گذراند و روز به روز پایه های رژیم در این جا متزلزل می شود، این به عامل اصلی نگرانی رژیم تبدیل شده و کشتار و سرکوبی که راه انداخته اند و ترور عناصر سیاسی تا قتل باربران و کاروانچیان و سرکوب خشن هر اعتراض توده ای نتیجه ی طبیعی این رویکرد است .

طبیعی است که این رفتار و خشونت های رژیم با عکس العمل مردمی فقیر و زحمتکش که جلو چشمانشان اموال و دارایی هایشان که از راه عرق جبین به دست آورده اند چپاول می کنند، به بی دادگاهها می کشانند و جان به لب شده اند، رویرو شود چون خفقان و سرکوب به درجه ای رسیده است که کسی در کردستان، از کسبه و تاجر تا روشنفکر و کارگر احساس امنیت سیاسی و شغلی و جانی ندارد.

آنان که باد می کارند، طوفان درو خواهند کرد.

\*\*\*

بسیج اجباری، از طرف آموزش و پرورش شهرستان بوکان به کلیه ی مدارس راهنمایی دخترانه ابلاغ نموده اند که باید در نیروی بسیج مقاومت مدارس ثبت نام نمایند و در همین رابطه تنها یک هفته مهلت تعیین نموده اند. اما دانش آموزان هوشیار و آگاه این شهرستان هیچ گونه اعتنایی به هشدارها و تهدیدات مسئولین رژیم نکرده و همین امر موجب شده است که مسئولان امور تربیتی به شدت از این امتناع دانش آموزان از پیوستن به بسیج دانش آموزی نگران شوند و از سوی دیگر نیز همین امر باعث خوشحالی و شادی مردم بوکان گشته است.

\* طبق خبری که از شهرستان بوکان به دستمان رسیده است، "دایه بهیبه ی همه ویسی" مادر رفقای عزیزمان عمر ایلخانی زاده و زینب ایلخانی زاده چهارشنبه شب این هفته در اثر بیماری، در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

ما مرگ "دایه بهیبه ی همه ویسی" را به این رفقای عزیز، بستگان، دوستان و آشنایانشان صمیمانه تسلیت می گوئیم و خود را شریک غم و اندوه آنان می دانیم.

\* چند روز پیش در امیرآباد شهرستان بوکان دختری ۱۷ ساله به نام "چنور خدایاری" اقدام به خودسوزی کرد. گزارش ها حاکی است که چنور پسری را دوست داشته و قرار بوده که باهم ازدواج کنند؛ ولی خانواده اش با این ازدواج مخالف بوده و از آن جلوگیری کرده اند. وی پس از مایوس شدن در ازدواج با پسر مورد نظرش ازدواج کند، در حمام خانه شان خود را به آتش می کشد و بدین وسیله به زندگی خود خاتمه می دهد.

ما مرگ چنور را به خانواده و بستگانش تسلیت می گوئیم و همچنان که بارها اعلام کرده ایم، عدم درک متقابل بین بزرگترها و جوانان امروزی و تسلط افکار مردسالارانه و کهنه بر آنان غالباً به وقایعی از این نوع منجر می شود.

### سردشت:

اخبار رسیده از سردشت حاکی است که ساعت ۴ صبح روز دوشنبه در حوالی روستای "کاولان" دو نفر به نام های توفیق سوری و سلام عبدالله زاده که هر دوی آنها اهل روستای "ماره غانی" منطقه ی سردشت بوده اند، به کمین نیروهای انتظامی رژیم افتاده اند.

طبق همین خبر این دو نفر با نیروهای رژیم درگیر شده و پس از مدتی مقاومت و کشتن یک مزدور محلی خود نیز به دست نیروهای رژیم کشته شدند. خانواده هایشان تا ساعت یک و سی دقیقه ی شب آن روز را منتظر پس دادن اجساد عزیزانشان بودند، ولی مسئولان دولتی به آنها گفته بودند که آنان باید اجازه ی پس گرفتن اجساد را



# Khabar Nameh

## (Komala Newsletter)

Friday  
10/25/2002  
No 86



## بازهم درباره ی سرکوب رژیم در کردستان

است. به این اقدامات باید افزایش چشمگیر نیروهای انتظامی و نظامی در استان های کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی را اضافه کرد. واقعیت این است که پایه پای رشد جنبش توده ای سراسری در ایران، مردم کردستان نیز اعتراضات خود به رژیم را افزایش داده اند و امید به مبارزه با این رژیم و این زورگویی ها هر روزه در دل مردم تقویت می گردد. اما ویژگی کردستان در این است که در این جا احزاب سیاسی آلترناتیو که از پایگاه وسیع توده ای برخوردارند، موجود هستند و مبارزه و مقاومت بیست و سه ساله ی این مردم علیه جمهوری اسلامی ریشه های عمیقی در میان مردم دارد و توهمی به هیچکدام از جناح های رژیم موجود نیست.

آری! این واقعیات جنبش انقلابی کردستان در فضای سیاسی ایران را جایگاه ویژه ای می بخشد و به همین دلیل نیز هست که رژیم اسلامی ایران این چنین چنگ و دندان نشان می دهد. گذشته از این ها، سران ریز و درشت رژیم چند ماهی است که به اتهام زنی به نیروهای سیاسی و به ویژه کومه له مشغولند. یک روز وزیر اطلاعات از تیم های تروریستی کومه له و دستگیری آنها سخن می راند و اخیراً روزنامه ی کیهان در یک خبر سراپا جعل و دروغ اعلام نموده است که گویا رادیوی کومه له مسئولیت ترور صالح شریفی معروف به...  
ص ۵

بنا به اخباری که از شهرهای مختلف کردستان به ستمان می رسد، رژیم جمهوری اسلامی در راستای پیشبرد سیاست های ارتجاعی اش در کردستان، پروژه ی جدیدی را برای بسیج اجباری آغاز نموده است. در پیرانشهر و بوکان به دختران دانش آموز در مدارس دخترانه ابلاغ کرده اند که هر کدام ۶ قطعه عکس تهیه نموده و فرم بسیج دانش آموزی را پر کنند. هم چنین در دانشگاه پیام نور بوکان نیز فشار فزاینده ای را به دانشجویان وارد آورده اند تا آنان را به عناوین مختلف در صفوف بسیج دانشجویی وارد نمایند.

کمک هزینه های تحصیلی و پرداخت شهریه ی هر ترم یکی از مشکلات دانشجویان است و چنین امتیازاتی را تنها در اختیار دانشجویانی قرار می دهند که عضو رسمی بسیج باشند. تلاش جدید رژیم برای وارد آوردن فشار بر دانش آموزان و حتی دختران به صفوف بسیج در واقع تکمیل کننده ی سیاست اعدام در کردستان و دخالت های پلیسی و بازجویی های اطلاعات از طیف وسیعی از مردم کردستان

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) کمیته ی مرکزی کومه له

[Komala1348@hotmail.com](mailto:Komala1348@hotmail.com)

با رادیو کومه له \_ صدای کومه له همکاری کنید:

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) رادیو کومه له:

[Komala\\_radio@hotmail.com](mailto:Komala_radio@hotmail.com)

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:

Postfach 800272  
51002 Köln  
Germany

شماره تلفن نمایندگی کومه له  
در شهر سلیمانیه، کردستان عراق:

۳۱۲۴۷۱۱

اخبار و گزارشات خود را با این شماره  
فاکس برای رادیو کومه له ارسال  
دارید

Fax:  
001-5617605814

## سرنگون باد رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی ایران



# خبرنامه

کومه له\_ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

[www.komala.org](http://www.komala.org)

جمعه ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۱

۸۷

## به یاد رفیق جانباخته دکتر جعفر شفیعی

مذهبی دیده به جهان گشود. وی دوران ابتدایی و دبیرستان را در بوکان سپری کرد و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده ی پزشکی تبریز شد. در دوران تحصیل در دانشگاه، رفیق جعفر در راستای رهنمودهای کومه له برای رفتن به میان کارگران و زحمتکشان با محافلی از کارگران ماشین سازی، کارگران کفش و هم چنین کارگران قالی بافی این شهر ارتباط نزدیک پیدا کرد و بدین ترتیب وی بعدها به یکی از رهبران نام آشنای کومه له در میان آنان تبدیل شد، سال ۱۳۵۱ به دست ساواک اسیر شد و پس از ۶ ماه بدون این که اسرار تشکیلاتی را فاش ساخته باشد، مقاوم و سربلند بیرون آمد. زندان و شکنجه های رژیم بستم شاهی نتوانست در ایمان راسخ وی خللی وارد نماید؛ وی بعد از آزادی از زندان این بار با کوله باری از تجربه به میان کارگران بازگشت و بیش از پیش با دردها، محرومیت و بی حقوقی های آنان آشنا شد. دکتر جعفر به معنای واقعی کلمه همدرد کارگران و زحمتکشان منطقه بود، نفوذ کلام وی بسیار عمیق بود، وی سخنوری برجسته و توانا بود، همه به وی اعتماد داشتند صمیمی و دوست داشتی بود و گفتار هاشم را در میتینگ ها...

«۲»



ساعت ۶ بعدازظهر روز پنج شنبه، ۷ آبان ماه ۱۳۶۷ رهبر برجسته و سیمای آشنای جنبش انقلابی کردستان، دکتر جعفر شفیعی برای همیشه قلبش از تپش باز ایستاد. خبر خیلی کوتاه بود، حتی آن زمان که جسد عزیزش را در یک مراسم باشکوه و با حضور صدها پیشمرگ فداکار به خاک سپردیم، باورش مشکل می نمود

مرگ دکتر جعفر شفیعی غم و اندوه فراوان را برای کارگران و زحمتکشان کردستان بر جای گذاشت. با مرگ وی کومه له شخصیتی را از دست داد که خود آینده ی تمام نمای جنبش سوسیالیستی و هم چنین جنبش انقلابی کردستان بود. جعفر شفیعی از همان اوان جوانی رنج و محنت توده های مردم، محرومیت ها و رنج هایشان را با تمام وجود حس می کرد. وی در دوران جوانی و در دانشگاه تبریز با مارکسیسم و ادبیات مارکسیستی آشنا شد و تا آخرین لحظات زندگی اش مدافع پیگیر این آرمان بود.

جعفر شفیعی در سال ۱۳۳۰ شمسی در شهر بوکان و در یک خانواده ی

در این شماره می خوانید:

- ۳ یادداشت سیاسی
- اخبار شهرهای کردستان و ایران

## زنده باد سوسیالیسم



دکتر جعفر شفیعی از جمله ی آن شخصیت هایی بود که با تداعی شدن خود با کومه له بر محبوبیت در میان توده های مردم کارگر و زحمتکش به نحو چشمگیری افزود. وجه ی مشخصه ی دکتر جعفر را به عنوان یک روشنفکر مارکسیست این بود که وی با تمام توان سعی می کرد که آن چه را یاد گرفته است، در خدمت توده ها و کمک به آنان قرار دهد و سعی می کرد که آن را با جنبش مردمی تطبیق دهد.

وقتی که دکتر جعفر شفیعی در متینگ ها در قالب یک شخصیت چپ و روشنفکر به سخنرانی می پرداخت و با زبان ساده و بی تکلف و در عین حال موثر و رسای خویش مثل باران رحمت بر کویر دلها باریدن می گرفت، در این هنگام بود که وی استثمار و ستم و سنت های ارتجاعی را به باد انتقاد می گرفت و بلر روشنگری و آزادی و عدالت خواهی را در دل هایشان می کاشت. این سخنان به ویژه از زبان کسی تاثیرگذار بود که بارها همچون پزشک بر بالین بیمارانشان شتافته بود و برای مداوا و علاج بیمارانش تن به هر سختی و مشقتی داده بود و اینک به مرهم درد و آزار اجتماعی روی آورده بود.

امروز ۱۴ سال از روزی که قلب دکتر جعفر برای همیشه از تپش بازایستاد، می گذرد. ولی یاد وی در دل هزاران هزار نفر از مردم زحمتکش و مبارز کردستان به حیات خود ادامه م ی دهد و تفکر و آرمانش در اذهان نسل جدید به پهنای همه ی کردستان، به مثابه رهبری برجسته، بیشتر از هر زمان دیگری نقش بسته و هنوز هم سیر صعودی می پیماید.

\* \* \*

تاکنون هم مردم کردستان به خاطر دارند. رفیق جعفر از سال ۱۳۴۹ در جنبش های دانشجویی آن زمان شرکت می جست و در مدت کمی به یکی از فعالین جنبش دانشجویی در تبریز مبدل گشت. دکتر جعفر سال در ۱۳۵۶ برای یک مأموریت تشکیلاتی نزد اتحادیه ی میهنی کردستان رفت و هنگام اوج گیری مبارزات مردم علیه رژیم شاه به کردستان ایران بازگشت و دوش به دوش مردم و به مثابه ی یک فعال خستگی ناپذیر در کنار آنها قرار گرفت.

پس از حمله ی سراسری رژیم ارتجاع آخوندی به کردستان، وی در متشکل نمودن توده های مردم کردستان علیه رژیم و سازماندهی جنبش مقاومت کردستان نقش اساسی ایفاء کرد؛ دکتر جعفر یکی از اعضای هیات نمایندگی خلق کرد در مذاکره با نمایندگان دولت جمهوری اسلامی ایران بود، به دنبال برقراری آتش بس و شروع مذاکره در کردستان در پائیز و زمستان سال ۱۳۵۸ وی از سال ۱۳۵۹ تا پایان عمر کوتاه و در عین حال پربار خویش، عضو کمیته مرکزی کومه له بود.

از سال ۱۳۶۰ به بعد کار در عرصه ی نشریات و رادیو و دیگر ارگان های تبلیغی کومه له پرداخت و در این عرصه نقش کلیدی داشت. برای شناخت عمیق رفیق جعفر شفیعی هرگز نباید به موقعیت و مسئولیت وی در یک تشکیلات نگرست، این درست است که دکتر جعفر شفیعی در طول زندگی سیاسی و فعالیت تشکیلاتی خویش همیشه یکی از رهبران و سیاستگزاران کومه له بود، ولی این امر هیچگاه نخواهد توانست تمام ابعاد شخصیت و فعالیت های وی را نمایان سازد. جایگاه وی را تنها با بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره ی ایران و کردستان و نقش وی به عنوان یک شخصیت برجسته ی سوسیالیست که در رهبری جنبش انقلابی قرار گرفت می توان شناخت. در کردستان جنبشی انقلابی و توده ای برای تعیین سرنوشت خویش شکل گرفته بود؛ کومه له با رهبرانی مانند دکتر جعفر مسئولیت این مهم را در این جنبش برعهده گرفت و در به میدان آوردن بیشتر مردم به مبارزات حق طلبانه شان نقش اساسی ایفاء کرد.

دکتر جعفر در رأس یک حزب سیاسی انقلابی و سنت شکن قرار داشت که علیه نظم کهن و سنت های عقب افتاده ی حافظ آن به نبرد برخاسته و توده های تحت ستم را به بیداری و تحرك سیاسی می طلبید. دکتر جعفر یکی از اولین و موثرترین کسانی بود به پیشواز این نبرد شتافت.

## پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

## اخبار شهرهای کردستان

## اخبار دیگر مناطق ایران

### سقز:

\* طی هفته های گذشته، فرمانداری و شهرداری سقز با همکاری نیروهای انتظامی خانوارهای شهرک آزادگان را برای تخلیه ی این شهرک تحت فشار گذاشته اند. آنها در توجیه عمل خود گفته اند که می خواهند آن را به فضای سبز تبدیل کنند. مردم این محله که غالباً فقیر و از اقلیت کم درآمد هستند تاکنون در برابر این خواسته مقاومت کرده اند، اما شهرداری اعلام کرده است که اوایل هفته ی آینده باز به سراغ آنان خواهد آمد.

\* در تاریخ ۳ آبان ماه در شهرستان سقز جسد زنی در اطراف شهر پیدا شده است. این زن "معصومه ی رضایی" نام دارد و حدود نوزده سال سن داشته است. هنوز علل و عاملان این جنایت معلوم نیست. ما ضمن محکوم کردن این جنایت مرگ این دختر را به خانواده اش تسلیت می گوئیم.

### سردشت:

بنا به خبری که به دستمان رسیده، ساعت ۷ صبح بعد از ظهر روز پنج شنبه نهم آبانماه جاری در نزدیکی روستای "به رده بان" واقع در منطقه سردشت، در مسیر راه کاروانچیان که از آن مسیر رفت و آمد می کنند، یک مین منفجر شده است. در نتیجه ی انفجار این مین فردی به نام رحمان اهل روستای "باوی" به شدت زخمی شده و متأسفانه یک پای خود را در جریان این حادثه از دست داده است.

بنا به گفته شاهدان عینی، مین مذکور به تازگی در این مسیر، که محل رفت و آمد کاروانچیان سردشت و قلاذزه می باشد، کاشته شده است. زیرا تا هنگام انفجار این مین، مسیر مذکور همواره محل رفت و آمد مردم بوده است. گزارش رسیده حاکی است که مردم این منطقه مطمئن هستند که این مین از سوی مزدوران رژیم جمهوری اسلامی و به منظور گرفتن زهر چشم از مردم و ترس و نگرانی کاروانچیان در این مسیر کار گذاشته شده است.

### تهران:

\* یکی از دانشجویان رشته ی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مجتمع خوابگاه کوی دانشگاه تهران دست به خودکشی زد. وی که ۲۴ سال سن داشت با تیغ اقدام به قطع نای و رگ دو دست خود کرده بود. وی به دنبال کمک های فوری اطرفیاناش نجات یافته و هم اکنون تحت مراقبت های ویژه قرار دارد.

\* مردی که به قتل متهم شده درملاء عام به دار آویخته شد. وی در یک پارک عمومی که قتل در آن انجام گرفته بود، توسط جرثقیل دار زده شد. این مرد هاشم اتوار نیا نام دارد و ۲۳ ساله بوده است. او متهم به قتل یک پلیس در جریان یک درگیری مسلحانه در دو ماه پیش بود. این درگیری در پارک جمشیدیه روی داده بود.

مرد دیگری نیز به نام فرهاد رحمانی پور ۳۲ ساله به جرم قتل یکی از بستگان و دو فرزند وی هنگام سرقت از منزلشان، در جنوب تهران به دار آویخته شد. در سال ۲۰۰۱ بیش از ۱۳۹ نفر به اتهام قتل، تجاوز، سرقت مسلحانه و قاچاق مواد مخدر اعدام شده اند.

\* شعبه ی دهم دادگاه تجدید نظر تهران، حکم حبس تعلیقی شهریانو اماسی، نماینده ی ارومیه در مجلس را نقض کرد. دادگاه عنوان کرده است که شاکی (نماینده ماکو و چالدران) از شکایت خویش صرف نظر کرده و چون متهم سوءنیتی نداشته و اظهاراتش ناشی از اختیارات نماینده ی مجلس است، حکم برائت او صادر شده است.

\* یکی از بندهای زندان قصر شب هنگام دچار حریق گردید. به دنبال این آتش سوزی که گفته می شود بر اثر اتصال سیم و برق رخ داده است، یکی از زندانیان به نام مصطفی سوری به علت دود ناشی از حریق فوت کرده است. این آتش سوزی همچنین خسارات مالی نیز به بار آورده است.

### یزد:

طبق اخبار و گزارش های پخش شده در چند روز گذشته، یک زن به نام نصرت ابونی که در زندان..

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد

ادامه‌ی اخبار دیگر مناطق ایران

شهر یزد شهر یزد سنگسار شد موفق گردید تا هنگام اجرای مجازات سنگسار با تن مجروح جان سالم به دربرد، ولی بلافاصله توسط مامورین سرکوبگر رژیم دستگیر و روانه‌ی زندان گردید.

### همدان:

۱۲ عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان به دنبال تحصن صنفی چند روز پیش آنها به کمیته‌ی انضباطی فراخوانده شدند.

فخرالدین حیدریان، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان، اتهام احضار شدگان را اعتراض به مصوبه‌ی وزارت علوم درباره‌ی طرح فراگیر پذیرش دانشجو، توهین به مسئولان، برهم زدن نظم و تحصن غیرقانونی عنوان کرد.

### بلوچستان:

روزنامه‌ی شرق چاپ پاکستان در سوم آبان ماه ۸۱ نوشته است که در کراچی ماهانه ۴۵ دختر کم سن ایرانی قاچاق می شوند و عموماً برای سوء استفاده‌های جنسی به کار گرفته می شوند، آنها در کراچی به فروش می رسند.

قاچاق این دختران را باندهای بزرگی برعهده دارد و از طریق فریب و اغفال دختران آنان را به فروش می رسانند. در این شهر افراد زیادی از ثروتمندان و عیاشان دختران ایرانی را می خرند. بیشتر این دختران میانگین سنی ۱۶ تا ۲۵ ساله دارند، گفته می شود کار قاچاق این دختران را گروهی به نام "دادل رند" برعهده دارد.

### بندرعباس:

حکم شلاق ۱۴ نفر از خلافکاران بندرعباس عصر چهارشنبه در مقابل اسکله‌ی "حقانی" این بندر در حضور ائمه‌ی مختلف مردم اجرا شد. جرم این عده ایجاد مزاحمت، اخلال در نظم و امنیت عمومی و ایراد ضرب و شتم بوده است.

این عده اخیراً در محله‌ی اسلام آباد بندرعباس دستگیر شده اند.

\* \* \*

### خوانندگان عزیز!

مقاله‌ی ای که در ستون روبرو مشاهده می فرمائید، نوشته‌ی رفیق ناصر حسامی است که در نشریه‌ی شورش به زبان کردی چاپ شده و اینک در خبرنامه شما می توانید آن را مطالعه کنید.



## ۳ یادداشت سیاسی

### ناصر حسامی

#### ۱- جمهوری اسلامی، حاکمیت و اپوزیسیون

روز شنبه نوزدهم اکتبر، رادیوی بی بی سی در سایت اینترنتی خود، با خطی درشت خبر "ملاقاتی کم سابقه" را پخش نمود. طبق این خبر، جمعی از شخصیت‌های سرشناس ایرانی توانسته‌اند از فاصله‌ی کمی با یکی دیگر از شخصیت‌هایی که در خانه‌ی خودش حبس شده است، ملاقات داشته باشند. این شخصیت محبوس از هر نوع دیدار و ملاقاتی منع شده است، ولی طبق برنامه‌ای از پیش تعیین شده و هوشمندانه، به خانه‌ی پسر فرد محبوس و از بام آن خانه چشمشان به فرد محبوس افتاد. پسر در طبقه‌ی دوم ساختمان زندگی می کند و پدر هم در طبقه‌ی اول ساختمانی دیگر که دیوار به دیوار خانه‌ی پسرش می باشد. مهمانان به ایوان خانه‌ی پسرش رفتند و پدر نیز به حیاط خانه‌ی خودش وارد شد، و در حالی که طبق خبر رادیوی بی بی سی تنها چند قدم از هم فاصله داشتند، به همدیگر سلام دادند. طبق همین خبر، مهمانان با دیدن مرد محبوس، که لباسی سرپا سفید رنگ بر تن کرده بود، نتوانستند خود را کنترل کنند و هق هق گریه سر دادند.

محبوس، حسینعلی منتظری، یکی از بنیانگذاران جمهوری اسلامی ایران و کسانی که از بام خانه دزدکی ملاقاتش کرده و برایش گریستند، جمعی از سران جمهوری اسلامی بودند که در خبر از آنان با نام "اعضای شورای مرکزی و دفتر سیاسی جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی" یاد شده است. مکان هم، شهر قم، قلعه‌ی اسلامی‌ها بوده است. در همان قلعه‌ی محکم حکومت اسلامی، حالا "جنگجوی پیر انقلاب اسلامی" اسیر شده است.

این حکومت عجیب و غریب است. در حالی که خود هنوز روی کار است، یکی از بنیانگذارانش زیر نظر بوده و حاکمانش هم برایش می گریند. این تنها حکومتی در جهان است که هم زمان حاکمان نقش اپوزیسیون را هم بازی می کنند. این حکومت تاکنون تعداد زیادی از فداکارترین و فعال‌ترین اعضای خود را، که در تظاهرات علیه رژیم شاه کفن می پوشیدند و بعد از به قدرت رسیدن اسلام و نزدیک به بیست سال از سران بلندپایه‌ی رژیم بوده‌اند، به زندان انداخته است. پروسه‌ی دستگیری و محاکمه‌ی هر کدام از آنان نیز چند ماه به طول انجامیده و مدت زیادی به یکی از مسایل مهم روز جامعه تبدیل شده است...

نفری توی چاله می اندازند. این مردم، آن زمان درک نکرده بودند که به چنین سرنوشتی دچار می شوند. به همین دلیل هم در فراتدومی که چند ماه بعد برپا شد و خمینی اعلام نمود که رای بدهید که چی می خواهید: "جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی بدون يك كلمه زياد و كم، آری یا نه؟"، بیشتر از ۹۸٪ از رای دهندگان، اکثریتی که در انتخابات جهان بی سابقه است، گفتند آری! جمهوری اسلامی، بدون يك كلمه زياد و كم!

روایهای مردم ایران هنوز به سراب بدل نشده بود، زمانی که یازده سال بعد از آن واقعه در حالی که صدها هزار نفر از فرزندان این مردمان در میدان های جنگ کشته شدن و هزاران نفر در زندان ها تیرباران گردیدند، هنوز نزدیک به ۳ میلیون نفر از مردم ایران جسد وی را لابه و زاری و سینه زنی تا همان قبرستان راهی کردند، اما امروز سرنوشتی این حکومت به یکی از بزرگ ترین آرزوهایشان تبدیل شده است.

## ۲\_ جمهوری اسلامی بر دروازه های دوزخ

پس از نزدیک شدن روز محشر در همدان، تهران و یزد، سرانجام موحیدین شهر " تربت جام " هم به دروازه های دوزخ رسیدند.

مدتی قبل در شهر همدان " هاشم آغاچری "، یکی از کسانی که خمینی آنها را " سربازان امام زمان " نامید و اکنون شاگردان خمینی او را " جیره خوار شیطان بزرگ " می خوانند در جمع دانشجویان گفت که در ابتدا اسلام شغل نبود. از آن زمان به بعد دینداران همدان و تهران اعلام کردند که تا این ملحد مانند منصور جلاج پای چوبه ی دار نرود، ما خوابان نمی برد، زیرا با این سخنان پایه های آیین مقدسمان به لرزه درآمده و دنیا پیش چشمانمان تیره شده است. هنوز دادگاه هاشم آغاچری در همدان حکم صادر نکرده بود که در تهران " سازمان ملی سنجش افکار " يك بار دیگر پایه های حاکمیت مردان خدا را جلو چشمانشان به لرزه درآورد. این سازمان، که مجلس شورای اسلامی خواسته بود سنجش افکار عمومی دربارہ ی روابط ایران و آمریکا و بررسی بعضی مسائل دیگر را به انجام برساند، در پایان نظرسنجی خویش اعلام کرد که ۷۵٪ از پرسش شوندگان مایلند که حکومت اسلامی و شیطان بزرگ تجدید روابط کنند. اما صان جمع و نهادهای دیگر مردان آیینی دروازه ی این سازمان را مهر و موم کردند و گفتند که هر چه که در طول يك ربع ... «۶»

حکومت دستگیرشان می کند، حکومت محاکمه شان می کند، از طرف دیگر حکومت در دادگاه از آنان دفاع می کند و برایشان وکیل مدافع انتخاب می کند، حکومت اعلام می کند که محاکمات عادلانه و قانونی نبوده است و دستگیرشدگان و وکلای مدافع باید آزاد شوند، حکومت از افکار آزادیخواه مملکت می خواهد به دفاع از دستگیر شدگان برخیزند.

مردم به دفاع برمی خیزند. عده ای از زندانیان آزاد می شوند. بدین ترتیب عده ای از سران و کارگزاران جمهوری اسلامی از زندان آزاد شده و به سرکارشان برمی گردند. سیمای کنونی حکومت و جامعه خیلی مدنی تر به نظر می رسد. برخلاف پیش که زندانیان بدون محاکمه تیرباران می شدند، اکنون سخن از دادگاه و وکیل مدافع و حق آزادی فعالیت های سیاسی و انتقاد به روزنامه های ایران و نشست نمایندگان مجلس راه پیدا کرده و تعدادی از زندانیان هم آزاد می گردند. رسانه های خبری چنین صحنه هایی را از جامعه ی کنونی ایران به نمایش می گذارند. ولی در حقیقت بحث از دادگاه و رفتارهای مدنی و حق داشتن وکیل مدافع تنها زمانی امکان پذیر است که دستگیرشدگان وابسته به رژیم باشند. آن چه بر جامعه ی ایران افزوده شده است این است؛ وگرنه آنهایی که منتقد حکومت اسلامی هستند و خارج از حاکمیت اند، مثل گذشته بدون داشتن وکیل مدافع و دادگاه متصفانه تیرباران می شوند، سنگسارشان می کنند و دست و پاهایشان را می بزنند، و یا در خیابان ها مثل مردم مهاباد و سنندج آماج گلوله قرار می گیرند. در میان نمایندگان مجلس و روزنامه های حکومت هم هرگز بحثی از حقوق مدنی این مردم به میان نمی آید.

ایران جامعه ی عجیبی است. ۲۴ سال قبل، نزدیک به يك میلیون نفر از مردم تهران برای استقبال از آخوندی که از پاریس برمی گشت، به فرودگاه مهرآباد رفتند و آخوند را روی شانه هایشان به بهشت زهرا بردند. خمینی چرا پیش از هر جای دیگر به بهشت زهرا رفت؟ آن زمان هیچ کس از آن يك میلیون نفر نمی دانست که یازده سال بعد، قریب به ده هزار نفر از عزیزانشان به فرمان این آخوند در زندان ها تیرباران می شوند و حتی اجازه هم نمی دهند که جسدشان در این گورستان مقدس به خاک سپرده شود و در "گورستان لعنت آباد" آنان را در دسته های یکصد

حق اعتصاب از حقوق اولیه و مسلم کارگران ایران است.

# کارگران جهان متحد شوید

و در مورد چگونگی این رویداد به شور نشستند. به همین دلیل هم احتمال دارد که خبر را این جنابان در شهر پخش کرده باشند و دینداران را برای سنگسار این معلم ملحد دعوت کرده باشند.

این چند رویداد، در این چند هفته، نشان دادند که حکومت اسلامی بیشتر از تمام سال های حاکمیت خویش مورد تهدید واقع شده است. تا جایی که با بوسه ای و یا با گفته ی يك معلم ادبیات در کلاس درس، یا با انجام گرفتن يك نظرسنجی رعشه بر اندامش می افتد. این درست که حاکمان در این بلوا راه انداختن ها اهدافی را، که همانان خشونت و سرکوب است، تعقیب می کنند، ولی روی دیگر سکه این است که اگر قدرت و توان قبلی را داشتند، بدون این که این سروصداها را راه بیندازند مخالفان را خاموش می کردند. در شرایط کنونی حتی برای تنبیه يك معلم لازم می بینند که قبلاً خون طرفداران خشن خویش را به جوش بیاورند و به امامان جمعه توصیه می کنند که در خطبه هایشان برای مظلومیت امامان و شهیدان کربلا و شهیدان جنگ ایران عراق و تضعیف نظارت استصوابی شورای نگهبان گریه و زاری کنند. حکومتی که برای هموار کردن زمینه ی سنگسار معلم و یا هنرپیشه ای دینداران را به تظاهرات دعوت می کند، همان حکومتی است که در مدت دو هفته، نزدیک به ده هزار نفر از زندانیان را تیرباران نمود.

توازن قوا مردم و حاکمیت در ایران تغییر کرده است.

### ۳- " کرکس های سیاه" از بین نرفته اند

مدتی پیش در تهران، جلو چشمان مردم ۵ تن از جوانان را دار زدند. در اخبار آمده بود که این ۵ تن اعضای باند فساد بودند که نام "کرکس های سیاه" را بر خود نهاده بودند. ...

۷۴

قرن با خون و آتش برای این حکومت آسمانی انجام داده ایم، دارد بریاد می رود.

هنوز این گردباد آرام نشده بود که هزاران نفر از مردم یزد به خیابان ها ریختند و خواستار سنگسار "گوهر خیراندیش"، اسمش چقدر دلنشین است، شدند. گوهر ۵۰ ساله که خود یکی از هنرپیشه های معروف سینما و تئاتر است، وقتی که روی صحنه جایزه را به پسری نوجوان اهدا می کرد، پیشانی وی را بوسید. حکم جلب گوهر صادر شد و حتی یکی از مسئولان بلندپایه ی این شهر نیز، که کوره راهی برای فرار گوهر باز کرده بود تا از شهر خارج شود، دستگیر گردید. حاکمان تهران اعلام کردند که گوهر عمداً جلو چشم دینداران این کار را انجام داده است و تکرار این کارها باعث خشکسالی و زمین لرزه و طوفان خواهد شد. اگر کارها به همین روال پیش برود نه دینی بر ایمان باقی می ماند و نه کسی از حاکمیت شرم خواهد کرد. روزنامه ها نوشته اند: "برای اعتراض به این کار، عده ای از معلولین جنگ، مردان آئینی، نیروهای بسیج و خانواده های شهدا در مسجد جامع یزد تجمع کردند و یکی از کسانی که برای حاضرین سخنرانی کرد گفت این بوسه دال بر این است که توطئه های بیگانگان به بیخ گوشمان رسیده است."

قبل از این که گوهر محاکمه شود، گفته های زنی دیگر در شهر تربت جام، اعضای "شورای امنیت" شهر را ناچار کرد با عجله در فرمانداری شهر جمع شوند و در مورد چگونگی حفظ امنیت شهر به مشورت بنشینند. "نوشین رحیمی" که تازگی به کار تدریس مشغول شده است، به دانش آموزان گفته است "امام موسی فرزند جعفر" يك بار در اختلاف بین زن و شوهری قضاوت نادرست کرده و هارون الرشید خلیفه ی عباسی وی را به زندان افکنده است. به همین دلیل این ادعای شیعیان که می گویند امام علیه هارون الرشید جهاد کرده است درست نیست، تا زمان مرگش در زندان هارون الرشید بود."

روزنامه ی جمهوری اسلامی که خبر را چاپ کرده است، می نویسد "بی احترامی معلمی به ساحت مقدس امام موسی جعفر (ع) باعث خشم و نفرت مردم منطقه شد و شهر را تا آستانه ی يك خیزش نیرومند عمومی کشاند." این روزنامه همچنین نوشته است "دانش آموزان گفته های آن زن را در مورد امام موسی (ع) برای پدر و مادر و هم چنین مردم شهر بازگو کردند." البته ما که خبر را از دور شنیده ایم نمی دانیم که این چند تا بچه چگونه این خبر را به گوش مردم شهر رساندند، ولی روزنامه به دنبال آن نوشته است "قبل از آن که مردم به خیابان ها بریزند و از آن زن انتقام بگیرند امامان جمعه و پیشوایان دینی شیعه و سنی جمع شده

**ساعات بخش**

**رانپو سنگی کوسه**


روز	ساعت
شب	ساعت
صبح	ساعت

**بر روی سه طول کوتاه ردیف**

۶۹ متر برابر با ۶۸۱۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر با ۶۶۱۵ کیلوهرتز

۷۵ متر برابر با ۶۶۲۰ کیلوهرتز



ارشاد داشتند که از آن بحث کردند. آن چنان رفتاری با آنان داشته اند که مایه ی تعجب نمایندگان مجلس گردید و ما متاثر شدیم."

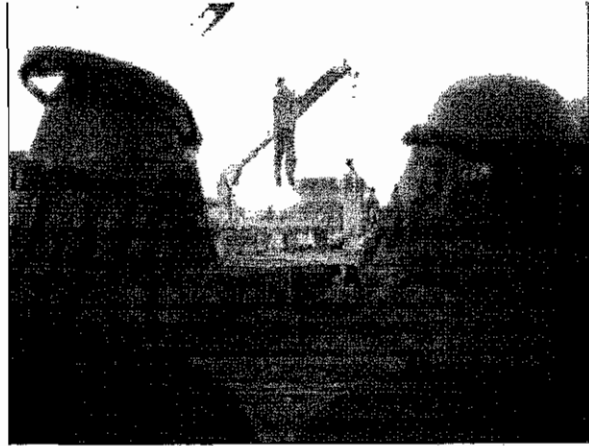
بود، در گفت و گویی با خبرنگاران پارلمانی و روزنامه های حکومتی از نتیجه ی دیدار جمعی از نمایندگان مجلس از زندان ها سخن به میان آورد. وی در مورد وضعیت بند زنان در زندان "اوین"، بزرگ ترین زندان ایران، گفت: "بعضی از زنان مجموعه ای گلّه و شکایت از تعدادی از مسئولین مجتمع قضایی ارشاد داشتند که از آن بحث کردند. آن چنان رفتاری با آنان داشته اند که مایه ی تعجب نمایندگان مجلس گردید و ما متاثر شدیم."

چندی پیش، امام جمعه ی کرج، که سرپرستی مرکز نگهداری کودکان بی سرپناه را برعهده داشت، مدام در هنگام کارش به عده ی زیادی از این کودکان تجاوز جنسی نموده و دست آخر عده ای از آنان را به قاچاقچیان فروخته که آنان را روانه ی کشورهای حاشیه ی خلیج فارس کرده اند. امام جمعه در دادگاه به ده سال زندان محکوم شد، ولی دیوان عالی کشور، این حکم را ابطال نمود و روزنامه ها هم ناچار شدند در مورد این خبر سکوت اختیار کنند. زیرا امام جمعه یکی از مشاوران خامنه ای بود که کار سرپرستی مرکز کودکان بی سرپرستان را برعهده داشت. آیا این امام جمعه و مسئولان مجتمع قضایی ارشاد که زندانیان زن زندان اوین از دستشان به نمایندگان مجلس شکایت کرده بودند، از کرکس های سیاه، کرکس تر و مجرم تر نیستند؟

"علی اکبر موسوی خوئینی" همچنین در این مصاحبه گفت که در تهران چندین زندان وجود دارد که زیر نظر قانون نیستند و تعدادی از مسئولین و نیروهای مسلح و اطلاعاتی، خود زندان مخفی و مخصوص برپا کرده اند. زندان های مخفی و خصوصی که خوئینی از آن صحبت می کند عبارتند از: چندی پیش، امام جمعه ی کرج، که سرپرستی مرکز نگهداری کودکان بی سرپناه را برعهده داشت، مدام در هنگام کارش به عده ی زیادی از این کودکان تجاوز جنسی نموده و دست آخر عده ای از آنان را به قاچاقچیان فروخته که آنان را روانه ی کشورهای حاشیه ی خلیج فارس کرده اند. امام جمعه در دادگاه به ده سال زندان محکوم شد، ولی دیوان عالی کشور، این حکم را ابطال نمود و روزنامه ها هم ناچار شدند در مورد این خبر سکوت اختیار کنند. زیرا امام جمعه یکی از مشاوران خامنه ای بود که کار سرپرستی مرکز کودکان بی سرپرستان را برعهده داشت. آیا این امام جمعه و مسئولان مجتمع قضایی ارشاد که زندانیان زن زندان اوین از دستشان به نمایندگان مجلس شکایت کرده بودند، از کرکس های سیاه، کرکس تر و مجرم تر نیستند؟

"علی اکبر موسوی خوئینی" همچنین در این مصاحبه گفت که در تهران چندین زندان وجود دارد که زیر نظر قانون نیستند و تعدادی از... «

قاضی عرفان" که خبر آن را به مطبوعات اعلام داشت، گفت: "جرم این ۵ نفر عبارت است از: تجاوز، دزدی و غارت، ربودن افراد و اذیت و آزار مردم".



در ایران این پرسش به میان می آید که از کی تا حالا تجاوز به حقوق مردم و غارت و چپاول و دزدی و ربودن مردم ممنوع شده است؟ اگر کارهایی از این نوع غیرقانونی است، چرا عاملین ربودن و ناپدید کردن دهها نفر در ایران، مقصرین تجاوز به صدها نفر در زندان ها و جاهای دیگر، مقصرین اذیت و شکنجه ی هزاران نفر در زندان ها و خیابان ها، مقصرین حمله چماق به دستان به مردم و آتش زدن کتابخانه ها، مقصرین دزدیدن میلیاردها دلار از ثروت مردم ایران، محاکمه نمی شوند؟

به اعتراف دادگاههای خود رژیم، به فرمان علی خامنه ای و وردهستی علی فلاحیان که وزیرش بود، در طول ۳ سال بیشتر از هشتاد نفر ربوده شده اند و سپس خفه شده اند. ثروت هیجده نفر از آخوندهای ایران که در قدرت سهیم هستند، در طول چند سال ۲۰ میلیارد دلار افزایش یافته است که مسلماً از آسمان فرود نیامده است و از مردم ایران ربوده شده از طریق غارت و چپاول اموال مردم به چنگ آمده است.

نوزدهم اکتبر امسال "علی اکبر موسوی خوئینی" نماینده ی تهران در مجلس، که آماده کردن گزارشی از وضعیت زندان های ایران به وی محول شده بود، در گفت و گویی با خبرنگاران پارلمانی و روزنامه های حکومتی از نتیجه ی دیدار جمعی از نمایندگان مجلس از زندان ها سخن به میان آورد. وی در مورد وضعیت بند زنان در زندان "اوین"، بزرگ ترین زندان ایران، گفت: "بعضی از زنان مجموعه ای گلّه و شکایت از تعدادی از مسئولین مجتمع قضایی



# Khabar Nameh

## (Komala Newsletter)

Friday  
1/11/2002  
No 87



نیود و معلوم نیست چه کسی مسئول آنهاست". پس ربودن مردم در ایران نه تنها عجیب نیست، که در واقع رفتار هر روزه ی بلندپایه گان و مسئولین است. تجاوز به زنان و کودکان هم همچنین، دزدی و چپاول هم به همین ترتیب.

پنج جوان بانده "کرکس های سیاه" اعدام شدند، اگر ثروتمند بودند می توانستند در گرانترین هتل های تهران و امیرنشین های حاشیه ی خلیج، جسم زنان نگون بخت و قربانی را برای خودشان بخرند و هیچ مانعی هم سر راهشان قرار نگیرد، اگر از مسئولین حکومتی می بودند می توانستند از بند زنان در زندان اوین و یا در مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست در کرج به نیازهای شومشان دست یازند. می توانستند قربانیان خود را به جای این که زیر پلی دورافتاده در دامنه های کوه دماوند برده و آزارشان بدهند، به زندان های "توحید" و "۵۹ عشرت آباد" و یا زیرزمین های این مراکز برده و در آنجا با دست باز جسدشان را تکه پاره کنند.

کرکس های سیاه، ۲۴ سال است که بر ایران حکومت می کنند و هیچ کدام از آنان اعدام نشده اند.

\* \* \*

مسئولین و نیروهای مسلح و اطلاعاتی، خود زندان مخفی و مخصوص برپا کرده اند. زندان های مخفی و خصوصی که خوئینی از آن صحبت می کند عبارتند از:

زندان "توحید"، وابسته به وزارت اطلاعات، زندان "۵۹ سپاه، معروف به زندان ۵۹ عشرت آباد" وابسته به سپاه پاسداران، زندان "حشمتیه" وابسته به ارتش، زندان "ناتب" وابسته به نیروی انتظامی، یک زندان در خیابان مطهری که نماینده ی مجلس می گوید: "در مورد این زندان اخیر کمی ناروشنی وجود دارد و به ما گفته اند که برای حفاظت از دستگاه قضایی است و خودشان مستقلاً مردم را برای بازجویی به آنجا فرا می خوانند". دو زندان دیگر وابسته به نیروهای انتظامی در پادگان عشرت آباد وجود دارد. نماینده ی مجلس در این مورد می گوید "این مکان ها برای زندان خیلی نامناسب اند، ولی مسئولین زندان می گویند پول نداریم که تعمیرشان کنیم". هر کدام از این زندانیان صدها نفر را در خود جای داده اند و زندانیان هم طبق حکم دادگاه زندانی نشده اند، بلکه در هر دستگاه و ارگانی یک مسئول فرمان دستگیر کردن کسانی را صادر می نماید و خیلی از زندانیان از خانه و یا محله ی خودشان ربوده شده اند. این نماینده ی مجلس می گوید: "خانواده ی زندانیان تا مدت زیادی خبری از دستگیرشدگان نداشتند و نمی دانستند که آنها دستگیر شده اند و یا اصولاً چه بلایی سرشان آمده است، هیچ کس هم پاسخگو

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) کمیته ی مرکزی کومه له

[Komala1348@hotmail.com](mailto:Komala1348@hotmail.com)

با رادیو کومه له \_ صدای کومه له همکاری کنید:

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) رادیو کومه له:  
[Komala\\_radio@hotmail.com](mailto:Komala_radio@hotmail.com)

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:

Postfach 800272  
51002 Köln  
Germany

شماره تلفن نمایندگی کومه له  
در شهر سلیمانیه، کردستان عراق:

۳۱۲۴۷۱۱

اخبار و گزارشات خود را با این شماره  
فاکس برای رادیو کومه له ارسال  
دارید

Fax:  
001-5617605814

## سرنگون باد رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی ایران



## جرا عاقل کنده کاری

## که بار آزادی بیستمانی؟

سازمان کردستان

ایران این حرکت ها قابل لمس است. این حرکت ها را طیف های مختلف جامعه اعم از اپوزیسیون و یا دولتیان جس کرده و هر کس به فراخور عقیده و بینش خود سعی می کند آن را تفسیر نماید.

به تاریخ بیستم مهرماه سال جاری آقای رسول عباسی از حزب " نهضت نجات ملی ایران"، طی مقاله ای به بررسی این موضوع پرداخته و نظریات خود و حزب متبوعش را در این رابطه ابراز داشته است. وی ابتدا مقاله اش را با خاطره نویسی شروع می کند، ولی به دنبال خیلی زود خواننده درمی یابد که نویسنده با این خاطره خواسته سر صحبت را باز کند و به قول معروف حرف دلش را بزند. موضع گیری آقای عباسی در رابطه با بحث ملت و حقوق ملل ساکن در ایران، حق تعیین سرنوشت و جنبش انقلابی کردستان جالب توجه است. اظهارات وی حول چند محور اساسی دور می زند؛ انکار وجود ملت ها در ایران، ربط دادن جنبش های آزادی خواهی به بیگانگان و رد هرگونه طرحی برای حل مساله ی ملی در ایران.

اولین نکته ی جالب توجه در این مقاله این است که وی هرگونه درخواستی از سوی خلق کرد را " مکرری... »

یکی از مقوله هایی که در یکی دو قرن اخیر به بحث روز تبدیل شد و در جهان جایگاه ویژه ای یافت، بحث ملت و اراده ی تعریفی از آن بود. بر سر ارائه ی تعریفی از ملت مجادلات زیادی درگرفته است؛ هر گروه و طیفی به فراخور ایدئولوژی و دیدگاه خویش سعی کرده است تعریفی از آن به دست بدهد.

ایران نیز به مانند دیگر نقاط جهان از این قاعده بیرون نبوده و ملل ساکن در ایران همیشه به دنبال تعریفی از خویش و هویت خود بوده اند، ولی هر بار و به بهانه ای از سوی حکومت های مرکزی سرکوب شده اند و چه بسا صدایشان در گلو خفه شده است. بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ایران، آرزوی برابری حقوق ملی بار دیگر بریاد رفت و خلق های تحت ستم ایران خیلی زود دریافتند که آن چه انتظارش را داشتند در سایه ی این حکومت سرابی بیش نبوده است؛ اکنون بعد از ۲۴ سال از روی کار آمدن رژیم اسلامی در ایران، مردم که اکنون این بختک را مانند چند سال پیش بر سینه های خویش احساس نمی کنند، دوباره سعی دارند در این راه قدم بگذارند و حقوق چندین ساله شان را به دست بیاورند، آنها سعی کنند حیات فرهنگی خویش را دوباره زنده کنند. این بیداری ملی در ایران تازه گام های نخست خویش را برمی دارد. کردها در کردستان بیشتر از قبل در این زمینه فعال شده و حضوری جدی تر دارند؛ آذری ها در آذربایجان، عرب ها در اهواز و هم چنین در دیگر مناطق

### در این شماره می خوانید:

- بر ملا کردن بعضی از جنبه های سرقت
- قرآن های شهر مریوان
- اخبار شهرهای کردستان و دیگر مناطق ایران
- اخبار بین المللی

## زنده باد سوسیالیسم

حقوق تضييع شده ای در باور ما نسبت به قوم کرد و یا اقوام دیگر متصور نیست تا که راه حل را در فدراتیو و یا خودمختاری دنبال کنیم! همچنان که پیشتر گفتم رسول عباسی سعی می کند در نگاه اول جنبش این خلق ها را که خواهان گرفتن حق تعیین سرنوشت خویش هستند فاقد پشتوانه ی مردمی قلمداد کرده و آن را به توطئه ی بیگانگان، دولت های خارجی ربط دهد که در شرایطی که جامعه ی ایران دچار هرج و مرج می گردد، به تحریک بیگانگان سر به شورش برمی دارند. رسول عباسی راه سرکوب را خوب ترسیم می کند؛ این ها یاغی هستند که بدون پایگاه توده ای و تحت تاثیر بیگانگان علیه "ایران عزیز" سر به شورش برداشته اند؛ نتیجتاً باید سرکوب گردند. چرا؟ زیرا در باور آنان نه از کردها و نه از هیچ "قوم" دیگری حقی ضایع نشده است و خواست های آن ها تنها بر اثر تحریکات اجانب عنوان شده است.

گویا آقای عباسی هم چنان در رویاهای دوهزار و پانصد سال قبل سیر می کند، اقوام آریایی دیگر دیر زمانی است که هرکدام به دنبال سرنوشت خویش رفته اند ولی این خواب چنان سنگین است که چشم وی و حزیش را بر واقعیات جامعه و دنیای کنونی بسته است. اگر ما حتی این نظریه ی ناصواب وی را که این جنبش ها بدون پشتوانه ی مردمی و تحت تاثیر بیگانگان هستند بپذیریم، این را باید قبول کنیم که هیچ جنبشی بدون پایگاه مردمی و متکی به بیگانگان، نمی تواند به حیات و ممات خود ادامه دهد و بعد از يك دوره و تغییر اوضاع سیاسی از هم می پاشد؛ مساله اما این است که مگر این آقا، که ظاهراً هم باید فردی سیاسی باشند، تاریخ یکصد ساله اخیر ایران را مطالعه نکرده اند؟! مگر نخوانده و ندیده که کردها دیر زمانی است به اشکال گوناگون همواره برای حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه کرده اند و در این راه هزاران هزار از فرزندان آنان جانباخته اند، سرکوب شده اند و دوباره از نو خود را برای مبارزه ای دیگر سازمان داده اند و تا به امروز هم از این خواست برحق خویش دست نکشیده اند.

اتفاقاً این نگرش غلط یعنی انکار وجود سایر ملت ها در ایران می تواند کشور را به سوی تجزیه شدن پیش ببرد. زیرا آنها نمی خواهند این باور را بپذیرند که ملل ایران که وی آگاهانه آنها را "قوم" می نامد، هر يك تاریخ، فرهنگ، آداب و سنن و رسوم متفاوت و مخصوص به خود دارند؛ و در طی قرون و اعصار آن را حفظ کرده اند. شکاف بین ملیت ها و فرهنگ های مختلف را تنها با آزادی ملت ها ...

برای تجزیه ی ایران" و "پیش درآمدی برای استقلال" معرفی می کند؛ تعمق در این دو جمله می تواند ماهیت حزب آقای رسول عباسی را به نمایش بگذارد. ایشان سعی می کند، مانند هر شوونیست دیگری، که چشم دیدن ملت های زیردست را ندارند و وجود آنها را تنها برای استثمار و حراست از مرزهایشان می خواهند، می خواهد به بهانه ی یکپارچگی ایران و جلوگیری از "تجزیه" ی آن، هر حرکتی را برای دست یابی به حقوق مسلم خلق های ساکن ایران را سرکوب و یا به خاک و خون بکشد و برچسب استقلال خواهی و تجزیه طلبی بر پیشانی شان بکوبد تا راه برای قلع و قمع آنان را فراهم آورد. همین چند مدت پیش بود که دیگر متحدان وی پس از بازگشایی پارلمان کردستان عراق خواستند اذهان افکار عمومی را به انحراف بکشانند و با آن که در هیچ جا سخنی از استقلال کردستان عراق به میان نیامده بود، آن را تهدیدی برای امنیت منطقه اعلام می کردند. امروز آقای عباسی پشت سر خاتمی، نمایندگان جیره خوار کرد مجلس شورای اسلامی و ژنرال های ترکیه به صف ایستاده است. وی پس از بیان تفاوت فرهنگی بین شرق و غرب و رسیدن به این نتیجه که "تفاوت سطح آگاهی های اجتماعی در جامعه ی غربی با جامعه ی سنتی و شرقی" ایران، "خشونت و" ساختارهای اجتماعی و فرهنگی" اجازه ی دادن چنین حقوقی را به دیگر ملل نمی دهد، آن گاه اوج نفرتش را از جنبش انقلابی کردستان و هم چنین شوونیست بودن خویش را عریان تر به نمایش می گذارد. بدو اشاره ای داشته باشم که مگر آقای عباسی که خود در اروپا زندگی می کنند، نمی دانند که غیر از کشورهای غربی، خیلی از کشورهای شرقی هم علی رغم "تفاوت فرهنگی" با غرب، ساختار فدرالیسم را برای کشورشان برگزیده اند، بدون این که الزاماً فرهنگ غربی بر آن ها حاکم باشد؛ دومین مساله در این زمینه این است که برخلاف وی من گمان نمی کنم که جامعه ی ایران، جامعه ای چندان هم سنتی باشد. شاید ایران به اندازه ی کشورهای غربی به پیشرفت های صنعتی نائل نیامده باشد، ولی از يك جامعه ی سنتی گذشته و یا در حال گذار است.

رسول عباسی در قسمت دیگری از بیاناتش می گوید: "جنبش های کردی را نیز برخاسته از بستر کردستان و اهالی آن ارزیابی نمی کردم و عموماً آنها را پدیده ای متأثر از بیگانگان می یافتم که... وارد صحنه شده اند". و این جمله هم نظریه ی قبلی را تکمیل تر می کند: "اساساً

## زنده باد جنبش انقلابی خلق کرد

دست به تهدید می زند و از هم اکنون می خواهد آب پاکی روی دست همه ریخته باشد: "هر کس خدشه ای به این مفهوم (یک ملت می بودن ایران) وارد آورد... دشمن این کشور و ملت تلقی خواهد گشت". بلی! تعارفی در کار نیست؛ هر کس غیر از این بیندیشد دشمن است و دشمن باید قلع و قمع و منکوب گردد. این کسی است که چند جمله بالاتر در دفاع از دموکراسی و حق شهروندی و حقوق بشر داد سخن داده بود.

کثرت گرایی و پلورالیسم، حق تعیین سرنوشت، آزادی های سیاسی و مدنی، حق تشکل و اتحادیه و سایر حقوق دموکراتیک مردم نزد این طیف تنها زمانی معنا می یابد که در باور تنگ و محدود آنها بگنجد و به منافع حزبی شان لطمه ای وارد نسازد. این اشخاص اوضاع امروز ایران و جهان را دیده و این همه تغییرات سیاسی-اجتماعی و اقتصادی را در ایران و کل منطقه می بینند، ولی آنچه در دیوار بلندی دور خود کشیده اند که کمتر تفکر و پیشنهادی می تواند در آنان رسوخ کند. اکنون اسلامی های حاکم در ایران، احزابی مثل جبهه ی نجات ملی و گروه بدنام کمونیسم کارگری یک پروژه ی مشترک را پیش می برند: انکار وجود ملیت ها در ایران و خط و نشان کشیدن برای آنها.

آقای عباسی طرح فدرالیسم را برای کشور عراق "به جهت بافت قومی" و هم چنین ترکیه به سبب "ناهمگونی آن کشور به جهت فرهنگی و تاریخی و عدم تجانس قومی و ملی در ترکیه" مناسب می داند. این آقای پان ایرانیست وجود دو ملت را در کشورهای عراق و ترکیه به چشم می بیند، ولی چشم دیدن چندین ملت را در ایران ندارد تا مبادا عظمت طلبی شونیسم بالا دست لطمه ای ببیند.

چشم بستن بر واقعیات مسلم جامعه ی ایران و انکار وجود سایر خلق ها، دیگر نه تنها چاره ساز نیست، بلکه این گونه نگرش غیر از بردن ایران به لبه ی پرتگاه و به راه انداختن جنگی خونین و سرکوبی وحشیانه، نتیجه ای به دنبال نخواهد آورد. جبهه ی نجات ملی ایران و آقای رسول عباسی باید یکبار دیگر تاریخ معاصر ایران را مرور کنند، البته بدون تعصب و به طریقی واقع بینانه، و تحولات امروز جامعه ی ایران، منطقه را به دقت بررسی کنند. به طور یقین این گونه نگرش و پی ریزی این تزه ها در جامعه ی ایران ره به جایی نخواهد برد. شما چه بخواهید و چه نخواهید ایران کشوری کثیرالملله است. ولی با راه حل درست و دادن طرح های اصولی می توان با حقوق مساوی در کنار هم به طور مسالمت آمیز زندگی کرد و نه با نفی دیگران.

\*\*\*

می توان پر کرد، انکار و تحلیل بردن اجباری فرهنگ های گوناگون در یک فرهنگ به خاطر وجود فرهنگ غالب میسر نیست و جز استبداد نتیجه ای به بار نخواهد آورد. مردم ایران تنها هنگامی می توانند با همدیگر زندگی کنند که همه ی آنها خود را در قدرت و اداره ی امور مملکتی سهیم بینند و از تمرکز قدرت در دست یک بخش خاص در مرکز جلوگیری شود؛ نمی توان همه ی ملیت ها ی دیگر را به بند کشید و هم زمان توقع داشت که زندگی مشترکی داشته باشند.

کسی که صراحتاً اعلام می کند: "همانطور که در اساسنامه ی نهضت نیز آمده کشور ایران... تنها یک ملت و آنها جمع قوم آریایی می باشد و..." چگونه می تواند به حقوق دیگر ملل دیگر که در ایران زندگی می کنند، احترام بگذارد؟ وی و حزبی که هر نوع حرکت و اندیشه ای را برای ارائه ی راه حل مساله ی ملی و همزیستی مسالمت آمیز ملت ها را "مکارانه و یا ساده لوحانه" می انگارد، نمی تواند بهتر از خمینی و رضا شاه فکر کنند و عمل نمایند. یک وجه مشترک جالب بین این دیدگاه پان ایرانیستی با دیدگاه خمینی وجود دارد: خمینی که یک پان اسلامیت بود زیر لوای اسلام گرایی و "امت بزرگ اسلام" همه ی ملل و ادیان دیگر ایران را زیر ضرب شلاق اسلام شیعی خرد کرد و به بند کشید و اکنون هم آقایان جبهه ی نجات ملی ایران تحت عنوان ایران بزرگ و بازگشت به "دوران طلایی" ساسانیان و هخامنشیان بر وجود سایر ملل در ایران خط بطلان می کشند.

حال سوالی مطرح است و آن این است که چگونه در میان این همه "قوم" که در ایران زندگی می کنند و به قول آقای عباسی همه از یک تبار هستند، یک قوم بر همه ی ارکان حکومت سوار شده، دیگر "اقوام" را سرکوب می کند، زیانش را بر آنان تحمیل نموده، می خواهد فرهنگ و تمدن شان را از آنان بگیرد و از رسیدن دیگران به قدرت جلوگیری کرده است؟

چطور ممکن است که یک زبان به زبان رسمی کشور تبدیل شود و دیگر زبان ها، که وی آنان را لهجه می داند، ممنوع اعلام شود؟ چرا باید مراسم جشن و سرور، طرز لباس پوشیدن و... دیگر "اقوام" با محدودیت و سنگ اندازی مواجه شود؟ اگر ادعا می کنید که خمینی و اسلامی ها این کار را کرده اند؛ در زمان سلطنت پهلوی هم که دست کمی از حالا نداشت و این ممنوعیت ها و محرومیت ها با همین شدت ادامه داشت. حتماً قضیه ی کلاه پهلوی را خوانده و یا شنیده اید!

رسول عباسی وقتی که تزش را تکمیل می کند، آنگاه مثل سلفش به

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد

## بوکان:

\* روز چهارشنبه پانزدهم آبان ماه جاری حدود ساعت ۹ شب، سه موتور سوار ناشناس در ایستگاه ۵۵ این شهر يك دستگاہ خودرو اطلاعات را مورد تیراندازی قرار دادند. گزارش های رسیده حاکی است که هنگام تیراندازی این افراد به سوی ماشین اطلاعات، تعداد زیادی از بسیجیان و افراد وابسته به رژیم در محل حضور داشتند. آنان متقابلاً موتور را مورد اصابت قرار می دهند؛ در نتیجه يك نفر از موتورسواران مورد اصابت قرار گرفته و جانش را از دست می دهد و دو نفر دیگر نیز دستگیر می شوند.

همچنین در جریان تیراندازی موتورسواران به سوی خودرو اطلاعات يك تن از افراد مسلح رژیم نیز کشته می شود. تاکنون هیچ حزب و جریانی مسئولیت این رویداد را برعهده نگرفته است.

\* در شهر بوکان، ارگان های مختلف رژیم می خواستند تا با زور و تهدید دانش آموزان را وادار به شرکت در راهپیمایی نمایشی سیزدهم آبان ماه نمایند؛ ولی دانش آموزان تا جایی که توانسته اند از شرکت در این راهپیمایی خودداری کرده اند. خبرهای رسیده حاکی است که نیروهای رژیم به زور مغازه ها را در یکی از خیابان های اصلی این شهر تعطیل کرده اند.

## سقز:

\* خوانندگان عزیز! ما در شماره ی قبل خبرنامه نوشتیم که شهرداری سقز برای تخریب خانه های شهرک "آزادگان" ساکنین این محله را زیر فشار گذاشته است. در ادامه ی همین فشارها روز شنبه یازدهم آبان ماه جاری ماموران شهرداری سقز با استفاده از لودر و بولدوزر، منزل فردی به نام رشید را در این محله تخریب کرده اند. آنان ساخت و تعمیر جاده ها را بهانه کرده اند.

\* در ادامه ی سیاست راهزنی نیروهای انتظامی رژیم در این منطقه، روز دوشنبه سیزدهم آبان ماه، عده ای از مزدوران رژیم از طریق گذاشتن کمین در مسیر عبور کاروانچیان واقع در نزدیکی روستای "قهرآباد" عده ای از کسبه ی این منطقه را دستگیر کرده و همچنین ۳۰ تن خرماي آنان را مصادره کردند.

## سردشت:

ارگان های دولتی مختلف رژیم برای آن که بتوانند به مناسبت روز سیزدهم آبان دانش آموزان بیشتری را برای راهپیمایی جمع کنند، از چند روز پیش تر فشار زیادی را بر دانش آموزان و دانش جویان این شهر وارد کرده و اعلام کرده بودند که هر کس در این راهپیمایی شرکت نکند از نمره ی انطباضش کسر خواهد شد و علاوه بر آن دو ساعت اول کلاس های درس را برگزار کردند تا بتوانند همه ی دانش آموزان را گردآورند؛ اما دانش آموزان شهر سردشت علی رغم تمامی این فشارها و تهدیدات در میانه ی راه از صف ها خارج می شدند و راهپیمایی را ترك می نمودند. گفته می شود در این روز مسئولین مربوطه نتوانسته اند به ایراد سخنرانی بپردازند.

## اخبار شهرهای کردستان

### سنندج:

\* گزارشی در مورد زندان مرکزی این شهر

زندان مرکزی شهر سنندج به باور بسیاری، مرکز آموزش بدترین روش های پیچیده ی فساد است. افراد معتاد، دزد، کسانی که چک بی محل کشیده اند و یا تصادف کرده اند، قاتلان و دیگر مجرمین همه در يك محیط عمومی نگاهداری می شوند و از این طریق اندوخته ها و تجربه هایشان را در اختیار همدیگر قرار می دهند.

در این میان وضعیت زندانیان سیاسی به مراتب بدتر است، به گفته ی یکی از زندانیان، هنگام بازدید يك گروه از کمیسیون حقوق بشر برای بازدید از این زندان، ورودی بند سیاسی ها را دیوار بتون کشیدند. در زندان مرکزی سنندج هر کسی وضعیت مالی خوبی داشته باشد، از امکانات بهتر و بیشتری در داخل زندان نیز برخوردار خواهد شد. هنگام خاموشی و خاموش کردن چراغ بهترین موقع برای مصوف انواع مواد مخدر است.

این مواد از طریق خود نگهبانان به قیمت بسیار بالاتری در زندان به فروش می رسد. افرادی که از طریق سرنگ تزریق، مواد مصرف می کنند، گاه تا چندین بار از يك سرنگ استفاده می کنند و یا از سرنگ های همدیگر سود می برند. این شیوه ای خطرناک برای انتقال انواع بیماریها و از جمله بیماری مهلك ایدز است. بارها مشاهده شده است که نگهبانان با زندانیان اقدام به مصرف مواد مخدر کرده اند.

هرگونه اعتراض زندانیان به این وضعیت که بر زندان حاکم است، تنبیه و مشت و لگد مسئولین زندان را به همراه دارد. به این ترتیب زندانیان اکنون در زندان به جای اصلاح و تربیت با انواع روش های خلاف و بزهکاری آشنا می شوند.

\* شناسایی ۱۱۴ بیمار مبتلا به ایدز در برخی از شهرهای کردستان طبق آمار موجود تاکنون ۱۱۴ مورد بیمار مبتلا به ایدز در شهرهای استان کردستان شناسایی شده است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی کردستان ضمن مقصر خواندن سازمان بهداشتی، اعلام کرده است که در این رابطه تلاش هایی آغاز شده و در مرکز آموزش درمانی قدس سنندج بخش ترك اعتیاد راه اندازی شده و این مرکز در زمینه ی ترك اعتیاد فعال می باشد.

## اخبار دیگر مناطق ایران

### اهواز:

عادل اسدی نیا، نماینده ی دوره های اول و دوم مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی و سفیر سابق رژیم در پرتغال و سرکنسولگر ایران در کشور امارات متحده ی عربی در يك تماس تلفنی با نماینده ی تشکیلات جبهه ی دمکراتیک مردمی خلق عرب احواز در آلمان اعلام پناهندگی کرد. نامبرده ضمن افشای سیاست های جنایتکارانه ی رژیم خواستار عدم اعلام محل پناهندگی خود شد.

### اخبار بین المللی

### سوریه:

کردهای سوریه خواهان حقوق برابر هستند  
به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران کردهای سوریه تحت تاثیر کردهای عراق که اکنون حکومتی تقریباً مستقل دارند، تقاضاهای خود را برای آموختن به زبان کردی به کودکانشان و داشتن روزنامه ای به زبان کردی اعلام کرده اند. استفاده از زبان کردی در مدارس و انتشار روزنامه ای به این زبان در سوریه غیر قانونی است و مقامهای سوریه به هشت درصد اقلیت کرد خود مظنون هستند. مروان زیرکی، رئیس تجمع دموکراتیک کردهای سوریه یکی از ۱۴ گروه کرد در سوریه می گوید که کردها بخشی از جامعه سوریه هستند و باید همان حقوق شهروندی را داشته باشند. سوریه تاکنون هیچ يك از ۱۴ گروه کرد را به رسمیت نشناخته است. کردهای سوریه از فقدان حقوق انسانی و فقر در استانهای "هساکه" و "قامیشلی" که محل سکونت کردها است، شکایت دارند. در قانون اساسی سوریه نامی از يك و نیم میلیون کرد در این کشور هیچجده میلیون نفری برده نشده است. در منطقه فقیر نشین "رکن الدین" دمشق، کردها فقط در خانه هایشان مجاز به گویش محلی هستند.

\*\*\*

### ادامه ی برملا کردن بعضی از جنبه های سرقت قرآن ها در مریوان

مبادرت می ورزند. بعد از چندین بار تکرار این عمل، سرانجام در یکی از مساجد، مصطفی و صالح لو می روند و دستگیر می شوند. سعید سازگار که وضعیت را آشفته می بیند خود دخالت کرده و سعی می کند که آنها را فراری دهد؛ به همین منظور با خادم مسجد به مشاجره می پردازد. نیروهای انتظامی به خود سعید سازگار هم مظنون شده و دستگیرش می کنند، ولی غروب همان روز در اثر فشار و دخالت اطلاعات آزاد می گردد. بدین ترتیب عوامل اصلی این ماجرا، سعید سازگار و ورمقانی، که از تهران برای این کار ماموریت یافته بودند، در اثر دخالت و فشار اطلاعات آزاد شده و "مصطفی جول" و "صالح" که از مهره های درجه دوم و صرفاً آجیر این توطئه بودند، به زندان انداخته شده و سرانجام روز ۱۵ آبان ماه اعدام شدند.

قابل توجه است که آن زمان، یعنی هنگام دزدیدن قرآن ها، اطلاعات برای رد گم کردن و برهم زدن فضای سیاسی مریوان، تمام توانش را به کار گرفت تا مسئولیت این کار را به عهده ی کومه له بیندازد، در حالی که حتی بعضی از خود مسئولین رژیم در شورایی که برای بررسی این کار درست شده بود، این احتمال را رد کرده بودند. کومه له هم در آن هنگام این اتهام اطلاعات جمهوری اسلامی در شهر مریوان را رد کرد و موضع آشکار و روشنی در این باره اتخاذ نمود.

رویداد سرقت قرآن های شهر مریوان یکبار دیگر ماهیت فاسد، توطئه گرانه و ریاکارانه ی رژیم جمهوری اسلامی را برای مردم کردستان به نمایش گذاشت و نشان داد که چگونه این رژیم علیه مردم کردستان و علیه کومه له تن به هر کاری می دهد و در این راه حتی مقدسات اعلام شده ی خود را نیز زیر پا می اندازد.

طبق اخباری که در همین رابطه به دستمان رسیده است، صالح و مصطفی ماموریت یافته بودند که علاوه بر دزدیدن قرآن ها، تابلوی مطب پزشکان را نیز بشکنند تا بتوانند چهره ای منفی از مردم کردستان و مبارزات آنها ارائه دهند. مثل دیگر رویدادها، عاملین اصلی یعنی مسئولین رده اول اطلاعات و حجتیه در تهران که فرمان این ماموریت را صادر کرده بودند و همچنین سعید سازگار و ورمقانی که عوامل اصلی این ماجرا در مریوان بودند، بدون آن که دست کسی به آنان برسد همچنان بر مسند قدرت نشسته اند؛ ولی خرده پاهای محلی آنان که برای به دست آوردن پول به این کار دست زده بودند، در اوج خفت و خواری اعدام شدند.

عامل اصلی این جنایات کسی جز رژیم جمهوری اسلامی ایران نبوده و نیست و خود این رژیم نیز با اعدام این دو نفر از يك طرف سعی می کند دسیسه های خود را پرده پوشی کند و از سوی دیگر قصد دارد با توسل به جنایت و اعدام به مردم کردستان چنگ و دندان نشان دهد و محیط خفقان و ارعاب را برقرار سازد.

# Khabar Nameh

## (Komala Newsletter)

Friday  
8/11/2002

No: 88



### کومالا کردن بعضی از جنبه های سرفت قرآن های شهر مریوان

مهره های اطلاعات شهر مریوان به نام های "سعید سازگار" و "ورمقانی" بودند. سعید سازگار که پیشتر نام فامیلی اش "بارخدا" بوده است، اهل روستای "انجیران" و ساکن فعلی شهر مریوان و مستخدم مدرسه ی راهنمایی "خسروی" است. سعید قبلاً از اعضای بسیج بود، بعد از مدتی به یکی از خائنین محلی تبدیل شده و اسلحه ی رژیم را به دست گرفت. در سال های اخیر وی به مهره ی اطلاعات و همکار آنان تبدیل شده بود؛ وی آن چنان ارتقاء پیدا کرده بود که دارای برگه های رفت و آمد ویژه بوده و می توانسته بدون بازدید و بازجویی افراد را عبور دهد. وی مامور نقل و انتقال افراد وابسته به جریان های اسلامی کردستان عراق بوده است.

ورمقانی، که یکی دیگر از عوامل این رویداد بوده است، غیر بومی و در همان مدرسه ی راهنمایی خسروی تدریس می کرده است و برطبق این گزارش ها همراه با سعید سازگار وابسته به جریان "حجتیه" بوده اند. از تهران به آنها ماموریت داده بودند که قرآن های مریوان را به منظور ایجاد تشنج در منطقه و به دست آوردن بهانه برای سرکوب، دستگیری و کشتار مردم، بزدند.

سعید سازگار و ورمقانی برای انجام این ماموریت، دو نفر را به نام های "مصطفی جولا" و "صالح مرادی" اجیر کرده و آنها را در ازای دریافت پول راضی می کنند که کار دزدیدن قرآن ها را برعهده بگیرند؛ آنها طی طرحی از پیش تعیین شده و پردامنه چندین بار به این کار...  
ص ۵

ساعت ۵ بامداد روز چهارشنبه پانزدهم آبانماه جاری دو تن در زندان مرکزی مریوان اعدام شدند. این دو نفر به نام های مصطفی معروف به "مصطفی جولا" اهل روستای ساوجی و صالح مرادی اهل "بلچه سور" و هر دو ساکن مریوان بودند. آنها به جرم سرقت و توهین به قرآن مساجد مریوان به اعدام محکوم شده بودند. در هنگام اجرای حکم اعدام این دو نفر، حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر از آخوندها و مسئولین رژیم حضور داشتند. لازم به ذکر است که در زمان سرقت قرآنها شهر مریوان، اطلاعات این شهر مزورانه تلاش می نمود تا مسئولیت انجام این امر را متوجه کومه له سازد، اما کومه له این اتهام رژیم را نسبت به خود تکذیب نموده و اعلام داشت که این عمل از سوی مامورین و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی انجام گرفته است و سرانجام این واقعت نیز اثبات شد.

طبق اخبار و گزارش هایی که از طرق مختلف به دستمان رسیده است، ما از چگونگی ماجرای این رویداد مطلع شده و بدین وسیله آن را به اطلاع افکار عمومی می رسانیم.  
عاملین اصلی دزدیدن و هتك حرمت قرآن های شهر مریوان دو نفر از

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) کمیته ی مرکزی کومه له

[Komala1348@hotmail.com](mailto:Komala1348@hotmail.com)

با رادیو کومه له \_ صدای کومه له همکاری کنید:

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) رادیو کومه له:

[Komala\\_radio@hotmail.com](mailto:Komala_radio@hotmail.com)

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:

Postfach 800272  
51002 Köln  
Germany

شماره تلفن نمایندگی کومه له  
در شهر سلیمانیه، کردستان عراق:

۳۱۲۴۷۱۱

اخبار و گزارشات خود را با این شماره  
فاکس برای رادیو کومه له ارسال  
دارید

Fax:  
001-5617605814

## سرنگون باد رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی ایران



# خبرنامه

کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

جمعه ۱ آذر ماه ۱۳۸۱

۸۹

کردستان و ابراز جسورانه تر آن ها، و نیز چشم انداز تحولات عراق و امکان کسب يك موقعیت بهتر برای کردها در آن کشور و اثرات احتمالی آن در کردستان ایران، رژیم جمهوری اسلامی را به صرافت طرح ریزی و اجرای اقدامات سرکوبگرانه و اختناق آمیز انداخته است.

رژیم جمهوری اسلامی برای زهر چشم گرفتن از خلق کرد و پیشگیری از رشد مطالبات برحق مردم کردستان، به تشدید اقدامات سرکوبگرانه ی خود در یکی دو ماه اخیر پرداخته که لیست کوتاه و مختصری از آن ها به قرار زیر است:

- ۱- تقویت نیروهای نظامی در کردستان و به ویژه در مرزها
- ۲- مسلح کردن مجدد مزدوران محلی و به کارگیری مجدد عناصر همکار و خبرچین اطلاعات و سپاه پاسداران که در سال های گذشته به دلایل مختلف از خدمت رانده شده بودند
- ۳- اعدام چند تن از زندانیان سیاسی که سال ها قبل چنین حکمی گرفته بودند
- ۴- ریودن و به قتل رساندن مخفیانه ی ۲ تن از فعالان سیاسی در مریوان و بانه
- ۵- دستگیری بیش از ۸۰ تن در سنندج و شهرهای اطراف... « ۲



ما در دو سه ماه اخیر بارها موارد گوناگون اقدامات سرکوب گرانه ی جدید رژیم جمهوری اسلامی را به آگاهی عمومی رسانده ایم و با توجه به ادامه و تشدید این تلاش ها لازم می دانیم بار دیگر توجه افکار عمومی را نسبت به این عملکردها جلب کنیم.

رژیم جمهوری اسلامی و به ویژه جناح محافظه کار آن، که يك روند تضعیف و فروریزی درونی را تجربه می کند و خود را با تشدید اعتراض و مبارزه ی مردمی مواجه می بیند، برای متوقف کردن این روند و برگرداندن آب رفته به جوی، در همه جای ایران دست به تهدید و ارباب می زند، حکم اعدام برای دگراندیشان صادر می کند، روزنامه ها را می بندد و موسسات پژوهش افکار عمومی را مهرو موم می کند، موجی از سنگسار و اعدام در ملاء عام را به راه می اندازد، علناً در روزنامه های وابسته به خود از تهدید يك ۳۰ خرداد دیگر و نوعی کودتای نظامی صحبت می کند، از زبان خامنه ای " به میدان آوردن مردم" یعنی در واقع چند هزار نفر اوپاش حزب الله را دستاویز تهدید قرار می دهد و از این قبیل.

اقدامات سرکوب گرانه ی جدید رژیم در کردستان از يك طرف در راستای همین سیاست بوده و از سوی دیگر شرایط ویژه ی کردستان را منعکس می کند. تحرك سیاسی و مبارزاتی فزاینده در کردستان، افزایش توقعات اقتصادی، صنفی، سیاسی و فرهنگی در جامعه ی

**در این شماره می خوانید:**

- اطلاعیه ی کومه له در مورد جنبش اخیر دانشجویی
- اطلاعیه ی کومه له در مورد مرگ صفر قهرمانی
- اخبار شهرهای کردستان، ایران و منطقه
- نمایندگان کرد در مجلس و تلاش برای کسب حیثیت
- مبارزه با مفاسد اقتصادی و پرونده ی شهرام جزایری

## زنده باد سوسیالیسم



و فلج کننده ی اصلاح طلبی دولتی است. گرچه جنبش دانشجویی هنوز تا گسست قطعی از این دیدگاه ها فاصله دارد، اما رویدادهای اخیر نشان داد که جنبش دانشجویی دیگر محدود کردن خواست ها در چهارچوب متناقض به اصطلاح "مردم سالاری دینی"، تقسیم شهروندان به "خودی" و غیرخودی" و نادیده گرفتن و به رسمیت نشناختن "غیرخودی ها" که در واقع اکثریت مردم ایران را تشکیل می دهند، تلاش برای بیرون بردن ولایت فقیه و اساس حاکمیت دینی از زیر ضرب و در یک کلام مصون داشتن بنیان های نظری و سیاسی استبداد دینی حاکم را بر نمی تابد.

ما ضمن ابراز پشتیبانی گرم از جنبش دانشجویی اخیر، بار دیگر تاکید می کنیم که دانشجویان باید هر چه شفاف تر و جسورانه تر خود را از دنیای ذهنی عقیم اصلاح طلبان دولتی بیرون کشند و بدون هیچ ابهامی به دفاع از دموکراسی و آزادی ها و حقوق سیاسی و اجتماعی برخیزند و در عین حال جنبش خود را هر چه بیشتر با خواست های عمومی کارگران و مردم ایران در زمینه های حقوق و آزادی های سیاسی و مدنی و عدالت اجتماعی پیوند زنند.

۶- احضار تعداد نسبتاً وسیعی از افراد به اداره ی اطلاعات و تهدید و پرس و جو از آن ها

۷- زدن تلفن های تهدید آمیز از طرف اطلاعات به خانواده های فعالان سیاسی که در اروپا به سر می برند

۸- افزایش فشار و محدودیت برای نویسندگان و فعالان فرهنگی

۹- پخش شایعات دروغین و هیستریک در کیهان و سایر رسانه های وابسته به این جناح علیه مردم کردستان و کومه له

۱۰- ...

ما بار دیگر توجه ی همه ی مردم مبارز ایران و کردستان، احزاب و شخصیت های آزادی خواه و نهادهای حقوق بشر را به اقدامات سرکوبگرانه ی رژیم جمهوری اسلامی در کردستان جلب می کنیم و همگان را به افشای وسیع و تحت فشار قرار دادن هر چه بیشتر این رژیم فرامی خوانیم.

دبیرخانه ی کومه له- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۳۰ آبان ماه ۱۳۸۱ برابر با ۲۱ نوامبر ۲۰۰۲

دبیرخانه ی کومه له- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۲۹ آبان ماه ۱۳۸۱

۲۰ نوامبر ۲۰۰۲

## اطلاعیه ی دبیرخانه ی کومه له در حمایت از جنبش دانشجویی

### سرانجام ارتجاع یک گام عقب نشست

اطلاعیه ی دبیرخانه ی کومه له در مورد

تجدید نظر در حکم اعدام هاشم آغاچری

سرانجام خامنه ای و جناح محافظه کار رژیم جمهوری اسلامی در مقابل فشار جنبش دانشجویی، اعتراض گسترده ی افکار عمومی در داخل و خارج کشور و موج محکومیت های بین المللی، یک گام عقب نشست و دیروز دستور بررسی مجدد حکم اعدام هاشم آغاچری را صادر نمود. هاشم آغاچری، استاد تاریخ دانشگاه تربیت مدرس و از چهره های سرشناس جمهوری اسلامی، به خاطر یک سخنرانی در همدان که...»

جنبش دانشجویی طی دو هفته ی اخیر گام بزرگی به جلو برداشت. جنبشی که پیرامون اعتراض به حکم اعدام هاشم آغاچری برپا شد، از چهارچوب یک حمایت موردی فراتر رفته و به دفاع عمومی از آزادی اندیشه و بیان و به محکوم کردن استبداد دینی حاکم در این زمینه تبدیل شد.

جنبش دانشجویی روزهای اخیر نشان داد که توانسته است دوران رکود نسبی پس از ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ را پشت سر گذاشته و روحیه و اعتماد به نفس و توان جمعی خویش را بازیابد. اما مهم ترین خصلت نمای جنبش اخیر دانشجویان، رادیکالیزه شدن محتوای خواست های آن و خارج شدن این جنبش و شعارها و مطالبات آن از دایره ی تنگ

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد

## صفر قهرمانی، مبارز کهنسال آزادی و عدالت اجتماعی، درگذشت

روز یکشنبه، ۱۹ آبان ماه جاری، صفر قهرمانی، مبارز کهنسال و قدیمی ترین زندانی سیاسی دوران سلطنت، در سن ۸۱ سالگی درگذشت. صفر قهرمانی، دهقان زاده ای آذربایجانی بود که در جوانی علیه ستم اربابان روستا و رژیم سلطنتی حامی آنان به پا خاست، بر اثر شرکت در این جریان به سیاست و مبارزه علیه حاکمیت کشانیده شد و آگاهی سیاسی کسب کرد، خود را با آرمان آزادی و عدالت اجتماعی عجین یافت و تا آخر عمر به این آرمان وفادار ماند.

"صفرخان"، برای زندانیان سیاسی آن دوران نامی آشنا و چهره ای دوست داشتنی و الهام بخش بود، ۳۲ سال از عمر خود را بی اندیشه ی تسلیم و سرفروود آوردن در سیاه چال های دوران سلطنت به سر برده و به حق به نماد مقاومت تبدیل شد. صفر قهرمانی به نیروی انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد و تحت رژیم جمهوری اسلامی نیز زندگی دشواری را گذراند.

کومه له درگذشت این مبارز قدیمی را به خانواده و بازماندگان وی، به خلق آذربایجان و به همه ی دوستداران آزادی و سوسیالیسم در ایران تسلیت می گوید و به این چهره ی درگذشته ی مقاومت و صداقت ادای احترام می کند.

دبیرخانه ی کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۲۲ آبان ماه ۱۳۸۱ برابر با ۱۳ نوامبر ۲۰۰۲

\*\*\*

## اخبار شهرهای کردستان

### سردشت:

\* روز پنج شنبه شانزدهم آبان ماه جاری، در شهر سردشت یکی از ماشین های نیروی انتظامی شخصی به نام حاج محمود امانی، که شغل وی باغبانی بوده است، را زیر می گیرد که در نتیجه وی در دم... «۴»

در آن موقعیت ممتاز روحانیت را مورد انتقاد قرار داده بود در دادگاه همدان به اعدام محکوم شد. ما در آن هنگام صدور این حکم را به عنوان نقض خشن اولیه ترین حقوق انسانی یعنی آزادی اندیشه و بیان و به عنوان مظهر استبداد و فساد رژیم جمهوری اسلامی و مظهري از تفتیش عقاید قرون وسطایی محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط وی و همه ی کسانی شدیم که به خاطر اندیشه و بیان خود زندانی هستند. درعین حال یادآور شدیم که چنین نقض فاحش و بی پروای آزادی دگراندیشانی که خود حتی از مدافعان و فعالان این نظام رژیم بوده و هستند، تنها می تواند عمق ضدیت و ناهمخوانی رژیم جمهوری اسلامی را با حقوق و آزادی های اساسی مردم برملا کند.

اما اگر حکم اعدام آخاجری نشانه ی ناهمخوانی رژیم ولایت فقیه و به طور کلی هر نوع استبداد دینی با آزادی و حقوق و کرامت انسانی است، تن در دادن ولایت فقیه به بررسی مجدد این حکم نشانه ی ضعف این استبداد در مقابل فشار سیاسی و مردمی است. هیچکس در ایران تجدید نظر در حکم اعدام آخاجری را نشانه ی لطف و مرحمت رهبری تلقی نخواهد کرد، بلکه تنها ضعف و درماندگی رژیم دیکتاتوری مذهبی حاکم را از آن برداشت خواهد نمود. تضعیف و تزلزل ارتجاع تنها باید مبارزه ی عمومی برای آزادی های کامل و بی چون و چرای سیاسی و مدنی، آزادی اندیشه و بیان بدون هیچ حصر و استثناء، آزادی مطبوعات و انتشارات، آزادی و برابری حقوق زنان، آزادی و حقوق خلق های تحت ستم، آزادی تشکل ها و اتحادیه ها، آزادی کامل احزاب و فعالیت های سیاسی، و نظایر این ها را تشویق و تقویت کند. کومه له از همه ی این مبارزات به گرمی پشتیبانی می کند و درعین حال براین باور است که مبارزه برای کسب و تحمیل این آزادی ها به نوبه ی خود نمی تواند مبارزه برای برچیدن نهایی بساط حاکمیت دینی و رژیم ولایت فقیه نباشد. جمهوری اسلامی با ولایت فقیه، قانون اساسی ارتجاعی، شورای نگهبان، مجلس خبرگان و سایر نهادهای تحمیلیت گر و سرکوبگر آن باید برچیده شود. ما اطمینان داریم که حاکمیت طالبان ایرانی سرانجام در مقابل اراده ی مردم به طور کامل جای خالی خواهد کرد.

دبیرخانه ی کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۲۷ آبانماه ۱۳۸۱، ۱۸ نوامبر ۲۰۰۲

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد

## اخبار دیگر مناطق ایران

### تهران:

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، تجمع اعتراض آمیز دانشجویان در دانشگاه تربیت مدرس، روز سه شنبه در ساعت ۱۵ با راهپیمایی از محل تجمع تا در خروجی دانشگاه پایان یافت. این دانشجویان که تعداد آنها به هزاران تن می رسد با حضور در دانشگاه تربیت مدرس، محل تدریس هاشم آغاچری، نسبت به صدور حکم اعدام از سوی دادگاه بدوی اعتراض کردند. براساس این گزارش شعارهایی از قبیل "آزادی اندیشه، همیشه همیشه" و "خاتمی خاتمی، استعفا استعفا" شنیده می شد. در پایان این تجمع تعدادی از دانشجویان ضمن خروج از دانشگاه شعارهایی سردادند که با تذکر نیروهای حاضر در محل به تدریج پراکنده شدند. علی رغم شایعاتی مبنی بر دستگیری یکی از دانشجویان، سردار طلایی، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ که در محل حضور داشت گفت که هیچ کس دستگیر نشده است. دانشجویان حاضر در دانشگاه تربیت مدرس با صدور قطع نامه ای به تجمع خود پایان دادند. در این قطعنامه آمده است که ما دانشجویان آزادیخواه و اصلاح طلب که زخم کهنه و التیام نیافته ی هجوم وحشیانه ی هجدهم تیرماه ۱۳۷۸ به کوی دانشگاه تهران و تبریز را بر پیکر خود و هم چنین نمک پرخوردهای بیدادگرانه را در این مورد برآن زخم داریم، اعلام می کنیم که ما صدور حکم اعدام برای دکتر سید هاشم آغاچری استاد دانشگاه را از مصادیق بارز تعیین مجازات به جرم داشتن عقیده تلقی می کنیم و آن را در مخالفت آشکار با قانون اساسی و حقوق بشر می دانیم، صادر کنندگان این بیانیه صدور این حکم راجعاً آشکار به دانش دانسته و آورده اند که ما مصراً می خواهیم که مسئول اول دستگاه قضایی از همه ی دانشگاهیان اعم از استاد و دانشجو پوزش بخواهد.

لازم به یادآوری است که این تجمعات و راهپیمایی ها اینک مدت ده روز است که در دانشگاه های مختلف ایران و در شهرهای بزرگ ادامه دارد. دولت و نیروهای انتظامی از وارد شدن دانشجویان به خیابان ها جلوگیری به عمل می آورند و وزارت کشور هم در مواردی حاضر نشد به آنان مجوز راهپیمایی صادر کند. روز جمعه نیز حامیان جناح محافظه کار بعد از نماز جمعه به سردادن شعارهایی علیه آغاچری پرداختند و به سوی دانشگاه که محل تجمع دانشجویان است روانه شدند. تجمع اعتراضی دانشجویان در چندین مورد و در شهرهای مختلف...»

### ادامه ی اخبار شهرهای کردستان

جانش را از دست می دهد.

ماموران نیروی انتظامی قصد داشتند که جنازه ی وی را با خود ببرند، اما مردم جلوی ماشین را گرفته و جنازه را به بیمارستان منتقل می کنند؛ در بیمارستان ماموران حاضر نمی شوند که مسئولیت زیر گرفتن وی را تقبل کنند؛ اما مردمی که شاهد ماجرا بوده اند واقعیت را بیان و آشکار می کنند. این ماشین، یگان ویژه ی میاندوآب بود که مدتی است برای سرکوب مردم این منطقه به سردشت آمده است. \* یکی از مسئولین شورای شهر سردشت به نام جلال معروفیان از سمت خود استعفا داده است. وی علت استعفای خود را نبود اختیارات شوراها عنوان کرد و اعلام نمود که بیشتر از این نمی توانم به مردم خیانت کنم و شاهد اذیت و آزار و کشتن مردم بی دفاع به دست نیروهای انتظامی باشم و ساکت بمانم. به همین دلیل استعفای خود را رسماً اعلام می دارم.

### کامیاران:

طبق اخباری که از منطقه کامیاران به دستمان رسیده است؛ مدتی است که عده ای راهزن مسلح اقدام به غارت و چپاول روستاهای "بوانه" و "مروارید" کرده و دام های مردم این روستاها را با خود می برند. این راهزنان که صورتهای خود را می پوشانند، تا شناخته نشوند، حتی روزها نیز در کوهها و مراتع این منطقه پس از ضرب و شتم چوپانان دام های آنان را به غارت برده اند.

تاکنون مردم این منطقه چندین بار در این زمینه به مراجع ذیربط مراجعه نموده و در این رابطه شاکی شده اند، اما هیچ جوابی دریافت نکرده و رژیم برای جلوگیری از این رهنان هیچ اقدامی به عمل نیاورده است. به گفته ی مردم منطقه، این افراد، عده ای از عمال و مزدوران محلی وابسته به رژیم هستند که با حمایت و پشتیبانی ارگان های مختلف رژیم به راهزنی و چپاول مردم مشغول هستند.

مسلماً این اولین و آخرین باری نیست که مزدوران و افراد مسلح رژیم دست به این اقدامات می زنند تا به این وسیله امنیت و آرامش مردم را برهم بزنند و بدون تردید هدف اصلی این مزدوران ایجاد وحشت در میان مردم و برهم زدن آرامش و تشنج آفرینی در منطقه می باشد.

\*\*\*

ناشناس اظهار بی اطلاعی می کنند و رئیس شورای شهر اصفهان نیز در جلسات رسمی خواستار تحقیق در باره این زنان سیاهپوش شده است.

\*\*\*

## اخبار بین المللی

بر اساس نامه ای که از سوی کمیته ی کومه له واقع در شهر وان ترکیه به دستان رسیده است. روز چهارشنبه ۱۴ نوامبر، فردی به نام عیسی ایران دوست معروف به "عیسی شکاک" که از پناهجویان ایرانی مقیم در شهر وان بوده و به همراه دوفرزندش با نامهای "دلشاد" ۸ ساله و "دلدار" ۶ ساله در خیابان "امنیت" و درحالی که سوار بر دوچرخه بودند، با یک خودرو تصادف کرده و هردو کودک جان خود را از دست داده اند.

\*\*\*

## اطلاعیه

بدین وسیله به اطلاع می رساند که تشکیلات کومه له در ایالات متحده ی آمریکا فعالیت خود را شروع کرده است. برای ارتباط با تشکیلات کومه له می توانید با این آدرس ها تماس حاصل فرمائید:

[Komala\\_usa@hotmail.com](mailto:Komala_usa@hotmail.com)  
[S\\_moradi@hotmail.com](mailto:S_moradi@hotmail.com)

هم چنین می توانید با این شماره تلفن با ما در تماس باشید:

+۱۶۵۱۲۲۲۵۵۷۲

کومه له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

تشکیلات آمریکا

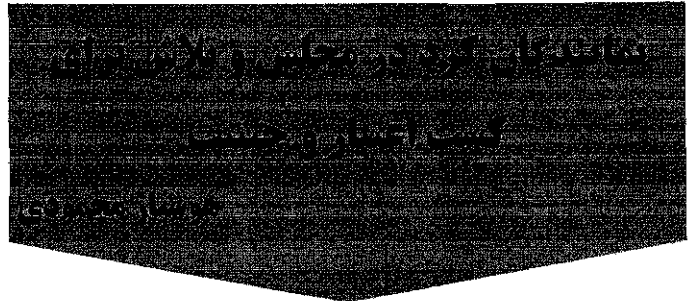
۲۰۰۲/۱۱/۱۸

در اثر برخورد گروه های فشار، بسیجی ها و لباس شخصی ها با تشنج کشیده شده است، روز سه شنبه در شهر یاسوج تحصن دانشجویان از طرف لباس شخصی ها مورد هجوم قرار گرفت و دانشجویان مورد ضرب و شتم این گروه ها قرار گرفتند و سخنرانان و حتی استادان را کتک کاری کردند.

\* سه مامور سازمان شهرداری که در حال زورگیری از یک مرد جوان بودند، توسط ماموران کلانتری ۱۱۳ بازار دستگیر شدند. این سه متهم به نامهای علی اصغر، حسین و ابراهیم ساعت ۱۱ شب در خیابان با چاقو در حال زورگیری از یک کارگر جوان (نان خشکی) بودند که پس از دستگیری به دایره ی ۵ اداره آگاهی انتقال یافتند و تحت بازجویی قرار گرفتند. جوانی که با حمله ی مهاجمان روبرو شده بود، در بیان ماجرا گفت: من شبها در کوچه ها و خیابانهای آن منطقه با یک چرخ دستی می گردم و نان خشک و ضایعات خانه ها را جمع می کنم. یک شب ۶ مرد جوان بایک وانت نیشان جلوی مرا گرفتند و ادعا کردند که مامور بازیافت شهرداری هستند و گفتند که من حق ندارم ضایعات محله را جمع کنم. بعد پیشنهاد دادند اگر می خواهی که کاری به کارت نداشته باشیم، باید به ما پول بدهی. بعد از اینکه پولهایم را گرفتند، مرا رها کردند. اما شب گذشته دوباره همان افراد به سراغم آمدند و از من پول خواستند. من که قصد داشتم با آنها مقابله کنم، ناگهان بر سرم ریختند و با چاقو و مشت و لگد مرا مجروح کردند و حدود ۳۰ هزار تومان پول نقدی همراهم بود به سرعت بردند و اما همین که می خواستند فرار کنند ماموران کلانتری ۱۱۳ بازار از راه رسیدند. البته سه نفر از آنها با ماشین فرار کردند، ولی این سه نفر دستگیر شدند. متهمان دستگیر شده که حدود یک ماه قبل به استخدام سازمان بازیافت شهرداری در آمده بودند، دارای سابقه محکومیت کیفری نیستند، ولی تاکنون به سه مورد زورگیری شبانه در خیابانهای شهر اعتراف کرده اند.

## اصفهان:

مدتی است که زنان و دختران ناشناس و سیاهپوشی که حتی دستها و چهره های خود را پوشانده اند، در خیابانها، پارکها و اماکن تاریخی ظاهر می شوند و در مورد طرز لباس و رفتار مردم، گاهی به برخوردهای لفظی و یا درگیری با زنان و دختران رهگذر می پردازند، به گفته شاهدان حتی نسبت به جهانگردانی که از کشورهای مختلف برای دیدن آثار باستانی به شهر اصفهان آمده اند، به تعرضاتی ناخوشایند اقدام می کنند. نهادها و سازمانهای مختلف درباره ظهور و فعالیت این گروه



استعفای جمعی کابینه ی خود از حاکمیت بپردازند و همین در کردستان به دلیل مصادف بودن با مسالهی کرد در عراق و بازگشایی حالت خاصی به خود گرفت و نمایندگان کرد را به واکنش واداشت.

نمایندگان کرد در مجلس شورای اسلامی که شرایط را چنین دیدند فرصت را غنیمت شمرده و تلاش کردند که با دمکرات منشی و دلسوز جلوه دادن خود نسبت به خلق کرد، برای خود کسب اعتبار نمایند و در عین حال در شرایط حمله ی آمریکا به عراق و پیامدهای آن برای مساله ی کرد، خود را به عنوان طرف حساب مساله ی کرد در ایران قلمداد کنند.

اما مردم کرد آگاه تر از این شعبده بازیهای موزیانه ی ایشانند و اینان مقبولیت و مشروعیتی در کردستان ندارند. مردم کردستان خوب می دانند که این به اصطلاح نمایندگان و مدافعان امروری حقوق ملی خلق کرد، همان "از هفت خان رستم گذشتگان" دیروز صافی های رژیم هستند. مگر همین آقایان تائیدکنندگان سیاست های رژیم در کردستان نبوده و در عمل سیاست های رژیم در کردستان و یا برابر کشتارهای اخیر رژیم و هر روزه و هر ساعته ی آن کرولال های مادرزاد نیستند؟

نمایندگان کرد در مجلس، نمایندگان واقعی مردم کردستان نیستند و با این دلسوز نمایی ها نیز نخواهند توانست اعتماد مردم کردستان را جلب نموده و نیروی ایشان را فدای بازی قدرت نمایند.

\*\*\*

چندی پیش جمعی موسوم به هیات نمایندگان کرد در مجلس شورای اسلامی طلب مجوز شرکت در پارلمان کردستان عراق را مطرح نمودند که به شدت زیر آوار انتقاد دستگاه حاکمیت و به ویژه و جناح راست سرکوب شدند. این که نمایندگان کرد پارلمان را از گلیم خود فراتر نهاده و چنین خواستی را آن هم در پی حملات مقامات رسمی جناحین رژیم به حقوق ملت کرد در عراق، مطرح می نمایند، تاامل و تعمق چندانی را نیازمند نیست و اگر رجوعی به سیر موضع گیری های نمایندگان کردستان در مجلس بنمائیم به راحتی قابل تشخیص خواهد بود که جهت گیری های آنها در سیاست های داخلی کاملاً در راستای خواباندن جنبش و آرام نگهداشتن فضای سیاسی اعتراض آمیز کردستان بوده است.

سهرابی نماینده ی مریوان خطاب به دستگاه حاکمیت ضمن اشاره به "جو وخیم کردستان" می گوید که شما با کم بها دادن به نیازمندی های مبرم کردستان بالواسطه در آشفتگی فضا موثر بوده اید و بدین گونه نهایت دلسوزی خود را نسبت به حفظ نظام اسلامی نشان می دهید.

نکته ی جالب توجه اینکه رژیم حتی این اشخاص را نیز معتمد خود ندانسته و سکوت شان را ترجیح می دهد. حال سوالی که برجستگی خاصی پیدا می کند این است که چطور این آقایان جرات مطرح نمودن چنین خواستی را داشتند؟ روزهای اخیر، روزهای اوجگیری منازعات جناح های بااصطلاح اصلاح طلب و محافظه کار بر سر قدرت بود که موضوعات آن را مساله ی نظارت استصوابی، مساله ی نظرسنجی حول ایجاد رابطه با آمریکا و در این رابطه بازداشت عباس عبدی، مساله ی سالروز حبس آیت الله منتظری که با قضایای دیگر مصادف گشت، مساله ی هاشم آغاچری و ... تشکیل می داد. این ها همگی چنان فضایی ایجاد نمود و چنان اصلاح طلبان را که پشت به مردم از هیچ سازشی نسبت به محافظه کاران فروگذار نکردند تحقیر و بی خاصیت نمود که آن ها را به طور کلی به چنان موضعی کشاند که در ماجرای تبیین اختیارات و وظایف ریاست جمهوری به تهدید به

**ساعات پخش**

**رایبو دهنگی کوماله**

۱	ظهر	ساعت
۸/۵	شب	ساعت
۷	صبح	ساعت

**بر روی سه طول کوتاه ردیف شده**

**۴۹ متر برابر با ۶۸۱۰ کیلوهرتز**

**۶۵ متر برابر با ۴۶۱۵ کیلوهرتز**

**۷۵ متر برابر با ۴۹۲۰ کیلوهرتز**

و ارتباطشان با کسانی همچون جزایری عرب، نشانگر رشد عظیم فساد مالی و اداری در دستگاه دولتی و روحانیون حاکم بر ایران است. این دومین پرونده ای است که نتایج قابل توجهی برای افکار عمومی ایران به بار نمی آورد و باندبازی و اعمال نفوذ مقامات و ارگان های گوناگون بر آنان سایه می اندازد. در جریان رسیدگی به پرونده ی کرباسچی، شهردار تهران، هم ما شاهد بودیم که هرگز، به رغم اختلاس ها و بر باد رفتن ثروت های میلیاردری، پای هیچ مقام بلندپایه ی حکومتی به میان نیامد و این توافق و سازش بود که پرونده را فیصله داد.

اگر قرار است واقعاً به این امور، یعنی به فساد اقتصادی، رسیدگی شود اولین کسانی که باید سراغشان را گرفت می تواند کسانی مثل علی اکبر هاشمی رفسنجانی و شرکاء، واعظ طبسی با فرزندانش، یزدی ها، جنتی ها و خامنه ای ها باشند. هر یک از این ها گوشه ای از اقتصاد ایران را به انحصار خود درآورده اند. اگر در زمان سلطنت پهلوی هزار خانواده بر ایران و اقتصاد آن سوار بودند، اکنون این رقم به ۲۰ خانواده از روحانیون کاهش یافته است و ثروت هایی هم که اندوخته اند قابل مقایسه با مورد قبلی نیست. سوال اساسی اما این جاست که آیا قوه ی قضائیه جسارت و توانایی این را دارد که به جنگ این غول های اقتصادی برود؟ جواب منفی است؛ زیرا قوه ی قضائیه و مسئولین قضایی خود بخشی از این باند فساد و تباهی را تشکیل می دهند و در ثانی مراکزى مثل بنیاد مستضعفان و یا آستان قدس رضوی آن قدر در صحنه ی سیاسی صاحب نفوذ هستند که قوه ی قضائیه را یارای مقابله با آنان نباشد.

پرونده ی شهرام جزایری تنها از این لحاظ قابل توجه و تامل بود که توانست گوشه هایی از فساد و بی بندوباری این حکومت را به نمایش بگذارد و سایر مسائل آن باید در حاشیه مورد توجه قرار گیرد. حتی اگر فردا هم پرونده ای دیگر در این زمینه گشوده شود، بازهم این دور باطل ادامه پیدا می کند و بار مضاعف این همه دزدی، غارت و چپاول مقامات طراز اول مملکتی بر دوش مردم ایران و خصوصاً قشر فقیر و کم درآمد افتاده است.

میزان این فسادها تنها زمانی برملا خواهد شد که رژیمی به نام جمهوری اسلامی روی کار نباشد. آخوندها هرگز حاضر نخواهند شد که در لحظه های حساس و سرنشست ساز به همدیگر پشت کنند. آنان منافع مشترکی دارند و انتظاری فراتر از این ها از آنان، تنها می تواند موجب سرخوردگی گردد.

\*\*\*

ادامه ی مبارزه با مفاسد اقتصادی و پرونده ی شهرام جزایری مقامات عالی رتبه در امان بوده و از مصونیت آهنین برخوردار هستند. در پرونده ی شهرام جزایری عرب این کارمندان بانکی و مقامات رده پایین بودند، آنانی که کمترین سهم را در این اختلاس ها و باندبازی ها ایفاء کرده بودند، که مورد مواخذه قرار گرفتند. نمایندگان مجلس، علی یاری، سید رجب حسینی نسب، عباس علی اللهیاری، سید حسین مرعشی و الیاس خضری تبرئه شدند و برای تبرئه شدنشان هم تئوری تراشیدند: هدف از گرفتن پول، "نیت خیرخواهانه به منظور کمک به مردم محروم"!! آقای محمدرضا خاتمی و نماینده ی دفتر رهبری از جریان این پرونده خارج شدند. به یک نکته ی دیگر هم باید اشاره کرد؛ شهرام جزایری عرب بازگانی بود که با زیرکی تمام توانسته بود خود را به اکثر مراکز قدرت سیاسی-اقتصادی در ایران برساند و با پرداخت رشوه و دلال بازی اعمال نفوذ کند و با توجه به این که جناح محافظه کار در ایران مراکز قدرت مالی و اقتصادی در ایران هستند و در سیاست گذاری هم بی تاثیر نیستند، قاعدتاً وی نمی توانسته تنها با یک جناح خاص وارد معامله شود ولی در پرونده ی ایشان شاهد بودیم که اکثر افرادی که محکوم شدند از جناح رقیب بودند؛ جزایری عرب نمی توانسته از کنار جناح محافظه کار عبور کرده و پولی در دامنشان ریخته باشد. حال با توجه به این داده ها مردم به صداقت و درستی این حکم شک خواهند کرد و اطمینان دارند که این پرونده بدون زدویندهای پشت پرده و مصلحت اندیشی به پایان نرسیده است. به تجربه اثبات شده است که استقلال قوه ی قضائیه یک شعار بیش نیست و این مورد هم نمی تواند از قاعده مستثنی باشد. مردم وقتی در روزنامه های داخلی و وابسته به جناح های مختلف می خوانند که: "در برخی موارد مفاسد اقتصادی تا جایی پیش رفته و به مقاماتی رسیده که امکان پی گیری آنها وجود ندارد؛ نمی توانند به صداقت مسئولین این دستگاه شک نکنند.

حضور متعدد مقامات عالی رتبه ی دولتی و فرزندان روحانیون ارشد حکومتی مانند محمد دری نجف آبادی، مهدی مقتدایی و احمد رستگار که هر یک به ترتیب به زندان های کوتاه مدت به ترتیب ۲ سال، ۳ سال و ۳۰ ماه زندان و پرداخت تنها ۵۰ هزار تومان محکوم شدند! در این پرونده قابل توجه است. البته احمد واعظ طبسی فرزند آیت الله طبسی هنوز محاکمه نشده است. این پرونده گواهی است بر حضور نامشروع و غیرقانونی روحانیون و خانواده هایشان در امور اقتصادی و سیاسی ایران. برملا شدن ثروت اندوزی های آنان

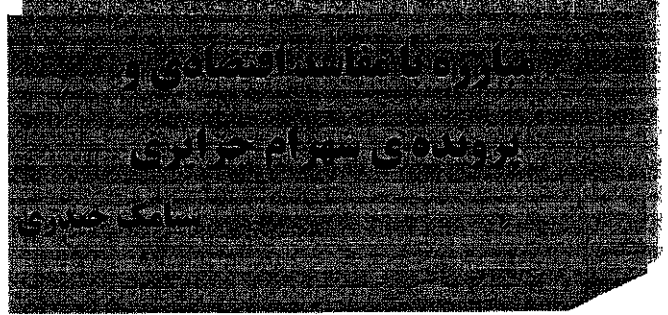
# Khabar Nameh

(Komala Newsletter)

Friday  
22/11/2002  
No 89



صاحب قدرت در حکومت همیشه در صدد کسب امتیاز و غلبه بر حریف بوده اند. تشکیل این پرونده هم در همین راستا بود، به علاوه ی این که خواستند به مردم هم نشان بدهند که ادعای آنان در برخورد با متخلفان جدی است. رسانه های وابسته به جناح اصلاح طلبان دولتی از همان ابتدا این پرونده را سیاسی خوانده و جناح محافظه کار را مستهمل می کردند که می خواهد از این راه بر آنان فشار آورد و وادار به عقب نشینی کنند. این ادعای اصلاح طلبان تا حدودی درست بود، ولی تمام واقعیات را بر ملا نمی کرد، زیرا رهبری که فرمان مبارزه با مفاسد اقتصادی را صادر کرده بود نمی توانست تبعات این شکاف عمده بین مردم و مسئولان را به لحاظ داشتن ثروت و رفاهیات نادیده بگیرد و از واکنش مردم به این امر اظهار نگرانی می کرد. رهبری خوب می دانست که تشکیل این پرونده در اساس برای گمراه کردن اذهان مردم و در امان نگه داشتن کله گنده های نظام است. و به واقع این ترفند برای جلوگیری از طغیان مردمی و آرام کردن فضای سیاسی کشور بود. مردم با توجه به پیشینه ی دستگاه قضایی، از همان ابتدا با شک و تردید به این اظهارات رهبری و عملکرد قوه ی قضائیه نگرستانند، جریان پرونده و هم چنین پی گیری نکردن دیگر موارد متخلفان بر این ادعا صحنه گذاشت. نگاهی به متخلفان و محکومین این پرونده نشان می دهد که ... ص ۷



شهرام جزایری عرب در پرونده ای که به نام مبارزه با مفاسد اقتصادی برای وی تشکیل شده است به ۲۷ سال زندان، ۵۰ ضربه شلاق و مصادره ی اموال به نفع دولت محکوم شد. این پرونده پس از ۲۶ جلسه و ۱۳۰ ساعت دادگاه و در طول مدت ۹ ماه به سرانجام خود نزدیک می شود، هنوز دادگاه تجدید نظر تمام نشده است. تشکیل این پرونده ی قریب به نه ماه پیش جاروجنجال زیادی را در بین جناح ها پیش آورد. تشکیل این پرونده در واقع دو سویه بود: از یک طرف مقامات مختلف دولتی از هر دو جناح ثروت های نجومی کسب کرده و این مردم را دچار بدبینی و نگرانی کرده بود و هم چنین اختلاس های کلان، گرفتن رشوه و قاطی شدن مقامات رسمی دولتی با باندهای فساد اقتصادی و کسب پول های آنچنانی دیگر آن قدر عیان و برجسته شده بود که قابل چشم پوشی نبوده و نیست؛ از طرف دیگر، مثل سایر موارد، جناح های

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) کمیته ی مرکزی کومه له

[Komala1348@hotmail.com](mailto:Komala1348@hotmail.com)

با رادیو کومه له \_ صدای کومه له همکاری کنید:

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) رادیو کومه له:

[Komala\\_radio@hotmail.com](mailto:Komala_radio@hotmail.com)

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:

Postfach 800272  
51002 Koin  
Germany

شماره تلفن نمایندگی کومه له  
در شهر سلیمانیه، کردستان عراق:

۳۱۲۴۷۱۱

اخبار و گزارشات خود را با این شماره  
فاکس برای رادیو کومه له ارسال  
دارید

Fax:  
001-5617605814

سرنگون باد رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی ایران



www.komala.org

# خبرنامه

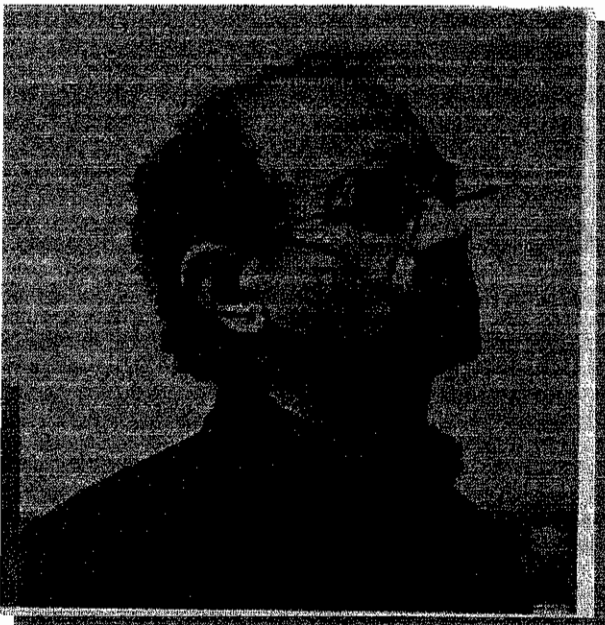
کومه له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

جمعه ۸ آذر ماه ۱۳۸۱

۹۰

## قتل‌های زنجیره‌ای، پرونده‌ای مفتوح، نژاد افکار عمومی و لکه‌ای ننگین بر پیشانی جمهوری اسلامی ایران

سیامک حیدری



آذرماه سال ۱۳۷۷ شاهد قتل‌هایی متوالی در ایران بودیم که اینک به قتل‌های زنجیره‌ای شهرت یافته است. اطلاق قتل‌های زنجیره‌ای برای چند قتل مشخص که در فاصله‌ی زمانی و مکانی محدودی رخ داد چندان مناسب نیست. درست است که این قتل‌ها توانست ایران و هم‌چنین افکار عمومی جهانی را تکان دهد و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین جنایات دوران سیاه جمهوری اسلامی شناخته شود. اما سخن اینجا است که اگر قرار است عنوان قتل‌های زنجیره‌ای را انتخاب کنیم باید تمام قتل‌هایی را که در دوران جمهوری اسلامی آگاهانه و سازماندهی شده در داخل و خارج از کشور و انجام پذیرفته در نظر بیاوریم. در واقع قتل‌هایی که آذرماه ۷۷ به وقوع پیوست تنها بخشی از قتل‌های زنجیره‌ای است که جمهوری اسلامی تا به حال به انجام رسانده و چه بسا در آینده نیز به انجام خواهد رساند.

قتل‌هایی که به نام قتل‌های زنجیره‌ای معروف شده تنها یک زنجیره از زنجیره‌های قتل نویسندگان، مترجمان، استادان دانشگاه، پژوهشگران و شاعران است که رژیم در بیست سال گذشته آن‌ها را در اشکال مختلف سازمان داده و به اجرا در آورده است.

همه‌نیاک می‌دانند که جمهوری اسلامی از همان بدو روی کار آمدنش در حوزه‌ی برخورد به نویسندگان، روشنفکران و ... « ۲

### در این شماره می‌خوانید

• اخبار شهرهای کردستان

• اخبار دیگر مناطق ایران

• اخبار بین‌المللی

## زنده باد سوسیالیسم



و فرهنگ را منجمد کنند. قوه قضائیه اقدامات بی سابقه ای را برای تعطیلی روزنامه ها و به بند کشاندن ناشران و روزنامه نگاران آزادخواه آغاز کرد و پایه پای آن هم وزارت اطلاعات که لیست مفصلی از کسانی که باید از صحنه محو شوند را تکمیل و پروژه اش را آغاز نمود. استارت این عملیات شوم در پاییز هفتاد و هفت با قتل داریوش و پروانه ای فروهر و به دنبال جعفر پوینده و محمد مختاری آغاز شد. گرچه قبلاً همین تیم ها به موفقیت توانسته بودند کسانی مثل مجید شریف، زال زاد و سعید سیرجانی را از میان بردارند.

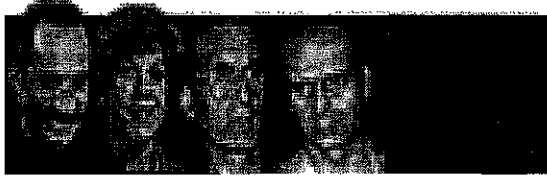
اکنون چهار سال از فاجعه ای قتل های آذرماه ۷۷ می گذرد. در طول این چهار سال افکار عمومی و مردم ایران همانقدر از این راز این قتل ها آگاه است که در هفته های اول می دانست. دست هایی آشکار و هدایت شده آگاهانه می کوشد که این پرونده ها در اذهان عمومی مردم ایران رنگ ببازد و به تدریج اهمیت سیاسی و اجتماعی خود را از دست بدهد. هیچ گروهی تاکنون نتوانسته است راز آن را بگشاید و روزنامه ها نیز هرگز اجازه ای تحقیق و کنجکاوی در این زمینه را نیافتند. کسانی که معلوماتی در زمینه ای این پرونده دارند یا سربسته نیستند و یا به بهانه های مختلف و طی توطئه هایی به زندان افتاده اند ریاست جمهوری منفعل آن هنگام بادی در غیبه انداخت و قول داد که پرونده ای این قتل ها را پی گیری خواهد کرد و نتیجه اش را به اطلاع مردم خواهد رساند. ولی به زودی معلوم شد که وی نیز در برابر قدرت محافظه کاران تماشاگری بیش نیست و هیاتی هم که برای تحقیق و تفحص در این زمینه درست کرد و به جایی نبرد یا شاید مثل سایر موارد امنیت و حفظ نظام اجازه ای آن را نمی داد که وی چیزی بگوید.

به یاد داشته باشیم که در پاییز ۷۷ مقام رهبری در تمام نشست ها و سخنرانی هایش بر روزنامه نگاران و نویسندگان می تاخت و آن ها را عوامل و فریب خورده ای بیگانگان در داخل کشور می خواند. در همین زمان بوده که وی در نامه ای که مزین به آیه ای از قرآن نیز بوده از سردار یحیی رحیم صفوی خواست که زبان ها را ببرد و قلم ها را بشکند. و این چنین نیز شد. به یک نکته توجه داشته باشیم که در تمام دوران طول این رژیم هرگاه که به روزنامه ها و نویسندگان تعذی شده است می توان رد پای مقام رهبری و او ام سر روی را به آسانی تشخیص داد. در همین پاییز

مخالفت و خشونت ظاهر شده و حتی بدتر از آن سیاست تهدید جای خود را به حمله هایی بسیار خشن و بی سابقه داد و تونک پیکان این حملات هم علیه کسانی بود که سال ها زیر حاکمیت جمهوری اسلامی به زغم تحمل فشارهای سنگین مبلغ آزادی بودند. در دوران های مختلف حاکمیت این رژیم همواره سعی شده است که آنان را تهدید، سرکوب و مرعوب و یا به انفعال بکشاند. برخورد به کانون نویسندگان بهترین نمونه ای این مدعاست.

رژیم های توتالیتر و دیکتاتورزده در طول تاریخ هیچگاه روی خوشی به علم، هنر و پژوهش نشان نداده اند. چهل و تاریکی از روشنایی می ترسد. جمهوری اسلامی ایران هم از زمره ای این رژیم هاست. اکنون قریباً به یک قرن است که حکومت های خودکامه در ایران با روشنفکران در ستیزند و از میان نشان قریانی می گیرند. از دوران مشروطیت تا حکومت ستم شاهی و تا رژیم جهالت آخوندی این روند ادامه داشته است. ولی سیاه ترین و خونین ترین این روزگاران برای روشنفکران، دوران پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی بوده است. صد سال است که تیرگی با آزادی و روشنفکری سکولار با ارتجاع مذهبی می جنگد. اما دوران تسلط آخوندها دهشتناک ترین این قدرت ها برای گرانديشان و نویسندگان و نیروهای مترقی و چپ بوده است. دوران جمهوری اسلامی شاهد قتل عام لیست بلند بالایی از شاعران و نویسندگان روشنفکر است که می توان در میان آنها به محمد مختاری، محمد جعفر پوینده، مجید شریف، غفار حسینی و سعیدی سیرجانی و بسیاری دیگر از روشنفکران و پژوهشگران اشاره کرد. اگر در دوران زمامداری جمهوری اسلامی کمی به عقب برگردیم شاید بتوان گفت که بعد از سرکوب و خفقان دهه ای شصت و یک تازی بلامنازع رژیم در صحنه ای سیاسی ایران در زمان وقوع این قتل ها مردم ترسشان از حکومت ریخته شده بود و گام هایی رو به جلو برداشته بودند. روزنامه های گوناگون در زمینه های مختلف سر بر آورده و مطالبی را انتشار می دادند که باب طبع رژیم نبود و نویسندگان نیز توانسته بودند با نوشته ها و ترجمه های خود جامعه را از رکود و جمود فکری بیرون بیاورند. همگام با این تحولات اما نزاع و کشمکش گروه های مختلف دورن حکومت تشدید شده بود. وزارت اطلاعات و قوه قضائیه که پد طولانی در سرکوب و ارباب و سربسته نیست کردن داشتند این فضای جدید را برتافتند و طی نقشه هایی هدفمند آگاهانه و هدایت شده از بالاترین ارگان های حکومتی در یک رشته حملات بی رحمانه تلاش

# پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد



و تمامیت خواهی های رژیم شدند. پرونده ی آنان به دلیل شرایط زمانی آن •  
موقع به یکه پرونده ی ملی تبدیل شد ••

••••• این قتل ها در سطح بین المللی هم نتیجه ی معکوس برای رژیم به بار  
آورد به طوری که چگونگی و علل و عوامل این قتل ها انگیزه های آن و  
عاملان و آمرانش روزها و ماههای متمادی به بحث روز رسانه های  
همگانی تبدیل شد و رژیم به خاطر انجام چنین عملی مورد سرزنش  
جامعه ی بین المللی و خصوصاً گروههایی که در زمینه ی حقوق بشر کار  
می کنند قرار گرفت در سطح داخلی نیز به همین منوال پیش رفت ••  
سنگدلی قساوت و جهالت این رژیم بر مردم بیشتر عیان گشت نشان داد  
که جناح اصلاح طلبان دولتی چقدر سازشکار و بی خاصیت و بی تاثیر  
هستند هنوز پس از سپری شدن چهار سال از این قتل های فجیع هیچ  
گزارشی به مردم ایران از طرف هیچ ارگان و نهادی داده نشده است و گرچه  
معلوم شد که کسانی در وزارت اطلاعات در این قتل ها دست داشتند و  
ریاست این ها را نیز شخصی به نام سعید امامی بر عهد داشت ولی قتل و  
یا خود کشی سعید امامی در زندان بر این پیچیدگی ها افزوده و هرگز  
معلوم نشده که آمران اصلی این جنایت ها چه کسانی هستند دو سال بعد  
از این قتل ها دادگاهی نمایشی پشت درهای بسته برگزار شد و از ۱۸ نفر  
قاتلان این پرونده که نام اصلی شان هرگز برداشته نشد ۳ نفر شان به مرگ  
محکوم شدند ۵ سه نفر تبرئه و ۲ تن دیگر به حبس های از ۲ تا ۳ سال تا حبس  
ابد محکوم شدند رژیم تا جایی در لاپوشانی این پرونده پیش رفت که ناصر  
زرافشان وکیل پرونده ی قتل ها در یکه سیسیه چینی به راحتی به  
زندان افتاد و در واقع جای ظالم و مظلوم در این پرونده ها عوض شد علی  
رغم تظلم خواهی خانواده های ایشان اصرار مردم ایران و فشارهای بین  
المللی برای افشای راز این پرونده ها اما باندهای مافیایی قدرت در  
جمهوری اسلامی از درج کوچکترین سرنخی از واقعیات این پرونده دریغ  
می ورزند زیرا کمتر موردی از قتل های پیشین جز یک مورد نتوانسته  
بوده این چنین کلیت نظام را زیر سوال ببرد و رژیم گرچه در قتل هایی که  
حتی در خارج از کشور و انجام داده بر  
توانسته بود به دادن پول های کلان و

۷۷ بود که بعد از سخنرانی وی و حمله اش به روزنامه ها دفتر روزنامه ی  
خرداد را به آتش کشیدند به ذکر این نکات خواستم نشان دهم که قتل این  
نویسندگان و دگراندیشان در پاییز ۷۷ یکه نقشه ی هدفمند به نیت از بین  
بردن مخالفان و ناراضیان داخلی و مزید بر آن ایجاد جو رعب و وحشت در  
جامعه ی بیدار شده و پیشرونده ی ایران بود •

••••• سوابق سیاسی جهنت گیری نوشته و ترجمه ها و مقالات محمد  
جعفر پوینده و محمد مختاری را بررسی کنید نشان می دهند که آنها به  
طیف چه جامعه تعلق داشتند و دارای تفکری مستقل از حاکمیت آزادی  
خواه و دارای دیدی انتقادی به حکومت و مزید بر آن عضو کانون  
نویسندگان بودند. کانونی که رژیم سالهاست به آن مشکل دارد و همواره  
سعی در به انفعال کشاند و منزوی کردن آن دار آنها در حوزه ی تفکر و  
قلم و از جمله در زمینه های نقد ادبی حقوق زنان جامعه شناسی  
روانشناسی حقوق بشر و دارای آثار ارزشمندی هستند و آثار متعددی  
انتشار داده بودند پوینده در گزارش پژوهش بیوا مون توسعه ی فرهنگی  
در ایران که تنها چند ساعت قبل از خفه شدنش آماده کرده بود چنین  
نوشت ••

•• فرد فرقه پرست و متحجر آفریننده ی چیزی نیست چرا که نمی تواند  
دیگران را دوست بدارد او به دگرستی و محترم نشماردن انتخاب  
دیگران برای تحمیل انتخاب خود به تمام دیگر افراد تلاش می ورزد •••••  
در نقطه مقابل او شخص وادیکال و انتقادگر عمل زدگی سطحی را رد می  
کند و عمل هایش را به تفکر به تعالی می رساند شخص فرقه پرست و  
متعصب خود را مالک تاریخ و خالق نفس آن و کسی که فرا خوانده شده تا به  
تاریخ سرعت بخشد قلمداد می کند او عقیده اش را به مردم تحمیل می  
کند و آنان را به توددهای صرف تنزل می دهد فرقه پرستان هرگز قادر  
به انجام انقلاب آزادی بخش نیستند زیرا که خود آزاد نیستند رژیم  
جمهوری اسلامی در برابر این گفته ها نوشته ها تا تحمل نداشت در  
نتیجه دست به خون ارزشمندترین ذخایر انسانی و مغزهای متفکر آلود  
برای آنان حذف فیزیکی تنها راه نجاتشان بود آثار محمد مختاری و  
جعفر پوینده بیدادستیز و بیدارگر بود و نوشته ها و ترجمه های آنان در  
زمینه های آزادی های مدنی و فردی خواب را از چشم خفاشان شب و  
حاکمان ترس و زذالت ربوده بود ••

•• باری هم فروهرها و هم این دو نویسنده قریانی تنگ نظری ها

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد

## اخبار شهرهای کردستان

### سردشت

بنابه خبری که از سردشت به دستمان رسیده است روز ۶ آبان ماه ماموران رژیم مستقر در پایگاه بیتوش یکی از روستاهای مرکزی منطقه آلان در اطراف سردشت دو نفر از اهالی این روستا را دستگیر کرد و پس از ضرب و شتم آنان دست و پاهایشان را بسته و در کنار جاده رهایشان می کنند اهالی روستا پس از اطلاع از این عمل نیروهای پاسگاه با آنها درگیر می شوند ولی ماموران برای متفرق کردن مردم اقدام به تیراندازی می کنند به دنبال این رویداد پاسگاه مذکور برای چند روز از رفت و آمد مردم به شهر سردشت ممانعت می کنند پس از رفع ممنوعیت از رفتن مردم به شهر یکی از ماموران رژیم به نام سروان نویخت برای تحقیق پیرامون این پرونده به روستای بیتوش رفته است وی ساکنین روستا را گرد آورده و به آنان توهین کرده و مورد سرزنش و هتاک قرار می دهد مردم به این رفتار نویخت اعتراض کرده و جلسه را ترک می کنند ماموران نیز یکی از اعضا شورای روستا را به نام صالح فیضی با خود به یادگان شهر سردشت می برند خبرهای رسیده حاکی است که صالح فیضی مورد شکنجه می ماموران قرار گرفته است به دنبال آن از دو تن دیگر از اعضای شورای روستا خواسته اند که خود را به مقامات نظامی معرفی کنند که با پاسخ رد مردم روبرو می شود و مردم روستا مانع از رفتن آنان می شوند این رویدادها انعکاس زیادی در منطقه داشته است

قابل ذکر است که در جریان این رویداد دو جوان از روستای بیتوش به نام های ریبوار عزیز و محمد صالح فیضی دستگیر و در یادگان سردشت زندانی شده و به خانواده هایشان نیز اجازه ای ملاقات داده نشده است یک سرباز بومی که در جریان درگیری ها از دستور فرماندهی پاسگاه مبنی بر تیراندازی به سوی مردم سرپیچی می کند توسط فرماندهی پاسگاه مورد کتک کاری قرار گرفته و به مهاباد انتقال داده می شود

رژیم از ترس سرایت این نارضایتی ها به شهر سردشت از طریق فرماندار و مسئول بنیاد شهید سردشت به مردم قول داده است که این مشکل را حل خواهند کرد

روز جمعه بیست و چهارم آبان ماه و در جریان مسابقه فوتبال میان تیم های سردشت و سپا که در سالن سرپوشیده این شهر



هزاران نفر در مراسم تشییع جنازه ای قربانیان این قتل ها حضور یافتند

### ادامه ای قتل های زنجیره ای پرونده ای

بند و بست و شانتاز سیاسی خود را زنجار داد و از برعهده گرفتن مسئولیت آنها شانه خالی نماید اما اینک حاکمیت در داخل ایران از سرپوش گذاشتن بر این قتل ها عاجز شده و کار تا جایی پیش رفت که دست وزارت اطلاعات در این ماجرا رو شده و معلوم شد که در وزارت خانه ای به نام اطلاعات چه نقشه های مخوفی برای سر به نیست کردن غیر خودی ها و دگراندیشان طرح ریزی می شود

در بررسی این پرونده نیز مثل اکثر پرونده های دیگر منافع شخصی و گروهی عده ای بر منافع عمومی ترجیح داده شد این پرونده در حالی هنوز نزنده افکار عمومی مفتوح است و لاینحل باقی مانده است که به گفته ی بسیاری از کارشناسان مسایل امنیتی گروه های خود سر و خانه های تیمی ترور در وزارت اطلاعات مشغول ترمیم دوباره ی خویش هستند شکی در این نیست که افشای تمام زوایای این پرونده عواقب جبران ناپذیری برای بانیان و آمران آن به همراه داشته باشد اگر این را هم در نظر بگیریم که یک مامور وزارت اطلاعات بدون دستور از بالاترین مقامات حکومتی نمی تواند دست به چنین تروهای و طرح هایی بزند

آنگاه معلوم خواهد شد که چه کسانی پشت پرونده ای قتل های زنجیره ای وجود دارند پرونده ای قتل های زنجیره ای هم یکی دیگر از گره کورهای جمهوری اسلامی است

خون های ریخته شده ی هزاران انسان آزادی خواهی که به دست این رژیم سفک ریخته شده است سرانجام روزی به بار خواهد نشست و نوید بخش آزادی و عدالت در این سرزمین خواهند بود آنان جانباختند زیر که با اراده ای تسلیم ناپذیر آگاه جستجوگر و کنجکاوی به تغییر و تحول اعتقادی عمیق داشتند آنان علیه فقر و محرومیت و تبعیض و نابرابری و استبداد به پا خاسته بودند آرمان های آنها بیش از هر زمان دیگری در ایران زنده و پر هوا خواهد است

شافتند؟ تعدادی از مردم و معترضین این روستا را دستگیر و با خود بردند تاکنون از سرنوشت دستگیر شدگان خبری در دست نیست.

بنابنا خبری که از مریوان به دستمان رسیده است؛ مالکان قدیمی روستای نی مدتی است که با حمایت کامل ارگان های رژیم مردم این روستا را به منظور بازپس گیری زمین های زراعی آنان تحت فشار گذاشته اند.

گزارش های رسیده حاکی است که مالکان این روستا در تلاشند که محلی به نام قالبه کان را که در فاصله ی روستای نی و شهر مریوان واقع شده و سالهاست که مردم از آنجا به عنوان مرتع استفاده می کنند؛ با حمایت دولت از روستائیان بازپس گیرند؛ این کار آنها با مقاومت مردم روبرو شده و تاکنون نتوانسته اند در این رابطه توفیقی به دست بیاورند.

### بوکان

هشت هزار نفر بیکار ثبت نام شده در بوکان وجود دارد.

رئیس اداره ی کار و امور اجتماعی این شهرستان نرخ بیکاری در این شهرستان را ۱۴٪ اعلام کرد. سهم شهرستان بوکان از طرح اشتغال یک میلیارد و هفتصد و نود و هفت میلیون تومان بود؛ است که برای ایجاد ۹۹ فرصت شغلی در این شهرستان در نظر گرفته شده است. بایزیدی رئیس اداره ی کار و امور اجتماعی بوکان افزود که به دلیل نبود اعتبارات لازم در بانک های عامل به هماهنگی انجام شده با مدیر کار و امور اجتماعی و استانداری مشکلات مرتفع شده و پرداخت ها سیر طبیعی خود را طی می کنند.

بایزیدی در پایان گفت که هنوز هم بیش از هشت هزار نفر بیکار ثبت نام شده در این شهرستان وجود دارد.

اما مردم نسبت به نحوه ی پرداخت درست و اصولی این وام ها تردید دارند و معتقدند که این وام نیز از طرف ارگان ها و افراد مخصوصی حیف و میل می شود و میزان کمی از آن به مردم می که مستحق دریافت آن هستند می رسد.

...

## اخبار دیگر مناطق ایران

### تهران

رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار اعلام کرد که در صورت موافقت وزارت کشور کارگران روز ۱۶ آذر در مقابل ... «۶»

برگزار شده؛ درگیری و زد و خورد میان مردم و نیروهای سپاه در گرفت مردم در جریان این درگیری ها در حالی که شعار می دادند توپ تانک؛ مسلسل دیگر اثر ندارد؛ به رویارویی با نیروهای رژیم پرداختند.

خبرهای رسیده حاکی است که در جریان این درگیری ها یکی از ماموران دولتی که از این درگیری ها فیلم برداری می کرد توسط مردم شناسایی و از سالن بیرون رانده شد اما پس از چند ساعت نیروهای انتظامی و سپاه پس از رویت فیلم تهیه شده؛ شبانه به خانه های کسانی که در این اعتراضات شرکت کرده بودند یورش برد و چند نفر را دستگیر کرده اند.

بنابنا خبری دیگر که از سردشت به دستمان رسیده است؛ روز پنجشنبه؛ سیزدهم آبان ماه؛ نیروهای انتظامی و راهنمایی و رانندگی این شهر به صورت گسترده و در خیابان ها و کوچه ها به گشت زنی پرداخته و تعداد زیادی از موتورسواران را دستگیر و موتورهایشان را مصادره و به پادگان شهر منتقل کرده اند.

### مریوان

تعدادی از معلمان و مسئولان مدرسه ی راهنمایی روستای نی دانش آموزان این روستا را تحت فشار گذاشته اند تا در بسیج دانش آموزی ثبت نام نمایند؛ و از دانش آموزان خواسته اند تا عکس و فتوکپی شناسنامه شان را تحویل مدرسه دهند طبق همین خبر دانش آموزان و مردم روستای نی در مقابل این فشارها مقاومت کرده و نسبت به این فراخوان بی توجهی نشان داده اند.

خبرهای رسیده از منطقه ی ساوجی مریوان حاکی است که روز شنبه دوم آذر ماه جاری؛ میان مردم روستای ساوجی و نیروهای انتظامی رژیم درگیری و زد و خوردی صورت گرفت.

نیروهای انتظامی رژیم تنها پس از گرفتن باج و رشوه ی زیادی از ماشین هایی که به منظور حمل کالای قاچاق به مرزها رفت و آمد دارند؛ به آنها اجازه ی حرکت به طرف مرز کوخلاق را می دادند اما وقتی که تعدادی از باربران قصد داشتند به طرف مرز حرکت کنند؛ به مخالفت و ممانعت نیروهای انتظامی مواجه شدند و همچنین مورد اذیت و آزار این نیروها قرار گرفتند.

وقتی نیروهای انتظامی می خواستند پس از این اخاذی ها به محل ماموریت خود در پایگاه میلک برگردند از طرف مردم این روستا مورد اعتراض قرار گرفتند که به درگیری مردم و نیروهای انتظامی منتهی شد؛ نیروی انتظامی پس از آن که نیروهای کمکی به یاری شان



سازمان تامین اجتماعی تجمع می کنند آنان علت این اجتماع خود را مشکلات پیش آمده درباره قانون بازنشستگی پیش از موعد در خصوص آیین نامه های تنظیمی سازمان تامین اجتماعی که این قانون در عمل لوث و فاقد ارزش کرده است عنوان کرده و گفته اند که این عمل منافع کارگران را تهدید می کند و مانع استفاده ای آنها از مزایای قانونی است

یکی دیگر از عوامل این تجمع موضوع ۱۰ روز مرخصی در سال است که مانع استفاده ای کارگران مشمول بیست سال سابقه ای کار است این وضع در عمل باعث نگرانی کارگران شده است و آنان نمی توانند از مزایای قانون بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند قابل ذکا است که تاکنون چندین بار کارگران به مسئولان سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار مذاکره کرده اند که به گفته ای آنان نتیجه ای به بار نیآورده است

شش نفر از فعالان جنبش دانشجویی تقریباً به طور هم زمان توسط ماموران لباس شخصی بازداشت شدند اما رژیم به دلایل مختلف نتوانست آنان را زیاد در زندان نگه دارد و پس از چند ساعت تن از آنان را آزاد کرد به گفته ای خود افراد دستگیر شده ماموران لباس شخصی با زور و پاشیدن اسپری های اشک آور بر صورتشان و گاه هم با پرتاب نارنجک های دودزا در محل آنان را با خود بردند قرار است این افراد روز شنبه دوباره مراجعه نمایند تا تکلیف شان مشخص شود به دنبال این دستگیری ها انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی طی اطلاعیه ای ضمن ابراز نگرانی از وضعیت سلامت اعضای خود نامعلومی مکان آنان دستگیری این دو عضو انجمن اسلامی این دانشگاه را بیانگر آغاز جدیدی از اجرای دستگیری ها و اجرای سناریوی جدید برای سرکوب دانشگاه خوانده

•• خلیخال ••

دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی خلیخال به امضای طوماری خواستار تدریس زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی در این دانشگاه شدند آنها خطاب به ریاست دانشگاه اعلام کرده اند که در راستای رشد و اعتلای فرهنگ آذربایجان و انتقال آن به نسل های آینده و بر مبنای تاکید اصول ۵ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی خواستار این هستند که درس زبان و ادبیات ترکی را به عنوان یک واحد درسی برای علاقمندان گنجانده شود

کارگران از واحدها و کارخانجات کانون عالی برای برگزاری این تجمع دعوت به عمل آورده و اعلام کرده اند که تا رسیدن پاسخ وزارت کشور که در چند روز آیند اعلام شود منتظر می مانند

چند تن از دانشجویانی که در روزهای اخیر نقش فعالی در برپایی تجمع های اعتراض آمیز در دانشگاه های مختلف تهران داشتند به فرمان قوه قضائیه رژیم بازداشت و به محل نامعلومی برده شدند

آدرس پست الکترونیکی: ای میل: کمیته ای مرکزی کومه له  
**Komala1348@hotmail.com**

به رادیو کومه له صدای کومه له همگاری کنید  
 آدرس پست الکترونیکی: ای میل: رادیو کومه له  
 •Komala\_radio@hotmail.com

• اخبار و گزارشات خود را به این شماره فاکس برای شماره تلفن نمایندگی کومه له در شهر سلیمانیه کردستان عراق •  
 • رادیو کومه له در سال دارد •  
**Postfach 800272**  
**51002 Koin**  
**Germany**  
**۳۱۲۴۷۱۱**  
**Fax:**  
**001-5617605814**

